

## فهرست مطالب

چکیده

مقدمه

### فصل اول: کلیات

۱-۱ بیان مسئله

۲-۱ اهمیت تحقیق

۳-۱ سولات تحقیق

۴-۱ فرضیات

۵-۱ هدف تحقیق

۶-۱ قلمرو تحقیق

۷-۱ روش تحقیق

۸-۱ محدودیت تحقیق و پرسش های موجود

۹-۱ پیشینه تحقیق

### فصل دوم: بوم شناسی استان ایلام

۱-۲ موقعیت جغرافیایی استان ایلام

۲-۲ توپوگرافی

۳-۲ وجه تسمیه نام ایلام

۴-۲ نژاد زبان و دین مردم ایلام

۵-۲ زمین شناسی

۶-۲ پوشش گیاهی

۷-۲ آب و هوای استان ایلام

۸-۲ منابع آب

۹-۲ گنجان چم

- ۱۰-۲ گنگیر
- ۱۱-۲ ازیست جانوری استان ایلام
- ۱۲-۲ معادن استان ایلام
- ۱۳-۲ زلزله خیزی ایلام
- ۱۴-۲ حوزه های دشت ایلام
- ۱۵-۲ رشته کوه های شهرستان ایوان (اریوجان)
- ۱۶-۲ کوه بانکول
- ۱۷-۲ کوه شره زول
- ۱۸-۲ کوه قلاجیه
- ۱۹-۲ کوه مانشت
- فصل سوم: پیشینه تاریخی استان ایلام
- ۱-۳ آثار تاریخی ایلام
- ۲-۳ حدود قلمرو ایلام
- ۳-۳ چگونگی تصرف ماسبدان و صمیره
- ۴-۳ هرمرزان حاکم مهرجانقذق
- ۵-۳ پیشینه باستان شناسی ایلام
- فصل چهارم: ایالت ماسبدان (اریوجان، سیروان)
- ۱-۴ ماه سبدان
- ۲-۴ اریوجان از نگاه مورخان اسلامی
- ۱-۲-۴ وجه تسمیه ایوان
- ۲-۲-۴ حدود و مسافتات اریوجان در دوره اسلامی
- بخش دوم: سیروان

- ۳-۴ موقعیت جغرافیایی شیروان (شیروان)
- ۱-۳-۴ سبک معماری شیروان
- ۲-۳-۴ راه ارتباطی شیروان به صمیره در قرون اسلامی
- ۳-۳-۴ پل شیروان
- ۴-۳-۴ مقایسه معماری شیروان با دیگر بناهای اسلامی
- ۵-۳-۴ ذکر مسافت شیروان تا صمیره
- ۶-۳-۴ شیروان از نظر مورخان و باستان شناسان
- فصل پنجم: ایالت مهرجانقدق و صمیره
- ۱-۵ ایالت مهرجانقدق
- ۲-۵ مهرجانقدق از نظر مورخان و باستان شناسان
- ۳-۵ صمیره از دیدگاه مورخان و باستان شناسان
- ۴-۵ ارتباط صمیره و شیروان از دیدگاه مورخان و باستان شناسان
- ۵-۵ شناسایی و نقشه برداری دره شهر
- ۶-۵ موقعیت و حدود جغرافیایی دره شهر
- ۷-۵ موقعیت بقایای شهر کهنه (دره شهر)
- ۸-۵ کیفیت معماری و نوع مصالح دره شهر
- فصل ششم: تاسیسات مربوط به راههای ایلام در ادوار اسلامی
- ۱-۶ تاسیسات مربوط به راه در دوره هخامنشی
- ۲-۶ راهداریهها و فضاهای مرتبط با راه
- بخش اول: کاروانسراها
- ۳-۶ معماری کاروانسراها
- ۱-۳-۶ انواع کاروانسرا در ایران
- ۲-۳-۶ کاروانسراها در استان ایلام

۳-۳-۶ کاروانسرای پنج برابر مورموری

۴-۳-۶ قلعه و کاروانسرای قالوه گلان

بخش دوم: قلاع

۴-۶ انواع قلعه و کاربرد آنها

۱-۴-۶ دژها و مصالح بنای آن

۲-۴-۶ قلعه های تاریخی ایلام در قرون اسلامی

۳-۴-۶ قلعه چکربولی چوار

۴-۴-۶ قلعه چوار (فلا)

۵-۴-۶ موقعیت جغرافیایی و طبیعی قلعه قلا

۶-۴-۶ ویژگی و توپوگرافی قلعه قلا

۷-۴-۶ قلعه کله جوب

۸-۴-۶ قلعه گوریا

۹-۴-۶ قلعه شمیران

۱۰-۴-۶ تاریخچه قلعه شمیران

۱۱-۴-۶ محوطه تاریخی گاومیش (کلگ)

۱۲-۴-۶ قلعه کوه خرمة چرداول

۱۳-۴-۶ موقعیت جغرافیایی قلعه خرمة

۱۴-۴-۶ نقش کاربری قلعه خرمة

۱۵-۴-۶ قلعه سام

۱۶-۴-۶ پشت قلعه آبدانان

۱۷-۴-۶ پشت قلعه ۲

۱۸-۴-۶ قلعه هندیمنی

۱۹-۴-۶ قلعه های جنوب استان ایلام

- ۶-۴-۲۰ قلعه شهاق زرین آباد
- ۶-۴-۲۱ قلعه میمه زرین آباد
- ۶-۴-۲۲ قلعه پنج برابر مورموری
- ۶-۴-۲۳ قلعه سین مورموری
- بخش سوم: پل ها
- ۶-۵-۱ معماری پل
- ۶-۵-۱-۱ پل سازی در دوران اسلامی
- ۶-۵-۲ روش ساخت پایه ها در دوران اسلامی
- ۶-۵-۳ روشهای نگهداری و حفاظت از پل
- ۶-۵-۴ اشکال مختلف پایه ها (موج شکنها در پلهای تاریخی)
- ۶-۵-۵ روش اجرای طاقها در پل ها
- ۶-۵-۶ فرم طاقها در دهانه پلها
- ۶-۵-۷ پلهای تاریخی ایلام در دوران اسلامی
- ۶-۵-۸ پل چم نمشت
- ۶-۵-۹ پل کردختر
- ۶-۵-۱۰ پل گاومیشان
- ۶-۵-۱۱ پل های اریوجان
- ۶-۵-۱۲ پل های یک دهنه شیرپناه
- ۶-۵-۱۳ پل های چهار دهنه شرف آباد
- ۶-۵-۱۴ نحوه بستر و پایه پل کرودیت
- ۶-۵-۱۵ پایه پل سیاه پل
- ۶-۵-۱۶ پایه های کرودیت
- ۶-۵-۱۷ توصیف طاقها

فصل هفتم: بقاع متبرکه استان ایلام

۱-۷ معماری بقاع متبرکه

۲-۷ بقعه مهدی صالح

۳-۷ گنبد اصلی

۴-۷ بقعه جابر

۵-۷ بقعه مهدی عباس

۶-۷ مشخصه مقبره

۷-۷ بقعه مهدی به روایت مورخان اسلامی

فصل هشتم: راههای ایلام در دوران اسلامی

۱-۸ | تشعب راه ها و ورود آن به مرزهای ایلام

۲-۸ مسیر بغداد به سمت استان جبل

۳-۸ استان جبل و راههای ورود به آن

۴-۸ ذکر مسافتات از عراق به فلات مرکزی

۵-۸ ذکر مسافتات صمیره

۶-۸ پشته های کبیرکوه

۷-۸ مسیر خانم استارک از بغداد به ایلام

۸-۸ مراکز انشعاب راههای باستانی استان ایلام

۹-۸ منطقه شماره ۱: راههای صمیره

۱۰-۸ مسیر شماره: ۱ راه شمال شرقی

۱۱-۸ آثار به جا مانده در محدوده راه باستانی صمیره به طرحان

۸-مسیر شماره ۲ راه باستانی صمیره به پل دختر و شوش

۱۳-۸ مسیر سفر سراسر اورل استین از پل دختر به صمیره

- ۸-۱۴ مسیر شماره ۳: راه باستانی صیمره (بدره فعلی)
- ۸-۱۵ آثار موجود در مسیر صیمره به بدره
- ۸-۱۶ راهها و معابر در محدوده شرق و شمال شرق کبیر کوه
- ۸-۱۷ منطقه شماره ۲ محدوده بدره «ابهر»
- ۸-۱۸ مسیر شماره ۱: راه باستانی بدره ابهر به پشته ارشت و بردبال چناره باشی
- ۸-۱۹ راه باستانی پشت ارشت به کلم و بردبال و ایلام
- ۸-۲۰ مسیر شماره ۲: راه بدره به میان راه جابرو شهر باستانی شیروان
- ۸-۲۱ مسیر شماره ۳ راه بدره به میمه زرین آباد
- ۸-۲۲ منطقه شماره ۳: راههای محدوده شیروان
- ۸-۲۳ انشعابات راههای باستانی شیروان (سراب کلان فعلی)
- ۸-۲۴ مسیر شماره ۱: راه شیروان به رودبار و صمیره
- ۸-۲۵ مسیر شماره ۲: راه شیروان به طرحان و هلیلان
- ۸-۲۶ مسیر شماره ۳ راه ارتباطی شیروان به بین النهرین
- ۸-۲۷ مسیر شماره ۴ راه شیروان به چرادول
- ۸-۲۸ راه سرابله به دامنه کوه خرمة و طرحان
- ۸-۲۹ قلعه تپه هره قلووس
- ۸-۳۰ آثار باستانی کوه خرمة
- ۸-۳۱ قلاع یا قلعه خرمة
- ۸-۳۲ مسیر شماره ۵: راه شیروان به چرادول و ایوان و سومار
- ۸-۳۳ موقعیت جغرافیایی ایوان
- ۸-۳۴ مسیر راه ها در ایوان
- ۸-۳۵ وضعیت تنگ کوشک
- ۸-۳۶ راه هولہ ره

۳۷-۸ تپه باستانی مامه زمان نرگسی

۳۸-۸ طاق شیرین و فرهاد کوشک

۳۹-۸ منطقه شماره ۴: راههای محدوده شهر ایلام (الرز-ردین)

۴۰-۸ پشته قلعه چوار

۴۱-۸ محوطه باستانی چم ژیه موم

۴۲-۸ انشعاب راه های باستانی منطقه الرز(ایلام)

۴۳-۸ مسیر شماره ۱: راه ایلام به چوار - سومار

۴۴-۸ مسیر شماره ۲: راه ایلام به صالح آباد

۴۵-۸ مسیر شماره ۳: ایلام به ملکشاهی و کبیرکوه

۴۶-۸ مسیر شماره ۴: ایلام به شیروان چرداول

۴۷-۸ مسیر شماره ۲: راه ایلام به نواحی صالح آباد

۴۸-۸ مسیر شماره ۳: راه ایلام به گل گل ملکشاهی

۴۹-۸ مسیر شماره ۴: راه ایلام به چرداول و شیروان

فصل نهم : نتیجه گیری

۱-۹ نتیجه گیری

۲-۹ محدودیت پژوهش

۳-۹ پیشنهادات

منابع وماخذ

فهرست منابع

چکیده انگلیسی



## فهرست جدول

صفحه

عنوان

۵-۱ جدول

## فهرست شکلها

صفحه

عنوان

۴-۱ شکل

۴-۲ شکل

۵-۱ شکل

۶-۱ شکل

۶-۳ شکل

۶-۴ شکل

۶-۵ شکل

۶-۶ شکل

۶-۷ شکل

۶-۸ شکل

۶-۹ شکل

۶-۱۰ شکل

۶-۱۱ شکل

۶-۱۲ شکل

۶-۱۳ شکل

شکل ۹-۷

شکل ۱-۸

شکل ۲-۸

شکل ۳-۸

شکل ۴-۹

### فهرست نقشه ها

صفحه

عنوان

۲-۱ نقشه

۳-۱ نقشه

۸-۱ نقشه

۸-۲ نقشه

۸-۳ نقشه

۸-۴ نقشه

پیوست نقشه ها

۱- نقشه های کلی استان ایلام

۲- نقشه مرزهای ایلام-عراق

۳- نقشه گنجان چم

۴- نقشه فتوحات مسلمانان به ماسبدان

# فصل اول

## کلیات

## ۱-۱ بیان مسئله

استان ایلام در غرب ایران و در منطقه ی حائل بین فلات مرکزی و جلگه حاصلخیز بین النهرین واقع شده است این شرایط موجب شده تا این ناحیه در مسیر ارتباطی ساکنانی ایران با مناطق همجوار در غرب فلات ایران قرار گیرد .

ارتباط گسترده این مناطق در ادوار پیش از اسلام به دلیل موقعیت پایتخت ایران در نزدیکی شهر بغداد و تسلط بر بخش عظیمی از سرزمین میان رودان و استمرار این ارتباط در دوره ی اسلامی خصوصاً قرون اولیه اسلامی ضرورت بررسی راه ها و معابر باستانی و تاریخی این منطقه را دوچندان نمود .

بررسی نشانگر وجود راه های متعددی از معابر و گذرگاه های از منطقه برای اتصال شهر ها و مراکز استقرار جمعیت می باشد . لذا مسئله بررسی راه های تاریخی در اواخر دوره ای ساسانی و قرون اولیه از اهمیت خاصی برخوردار است . با توجه به این منطقه انجام پژوهش های علمی به منظور شناسایی و معرفی راه های تاریخی منطقه ، با توجه به اسناد تاریخی و نیز شناسه ها آثار تاریخی و نیز شناسه ها و آثار تاریخی موجود در مسیرهای احتمالی ، می تواند مورد توجه پژوهشگران این عرصه قرار گیرد . براین اساس مسئله عمده در این پژوهش شناسایی راه ها و معابر تاریخی حوزه شمالی استان ایلام می باشد که برای تحقیق این اهداف می توان هم از روش های اسنادی و هم فعالیت میدانی بهره گیری نمود . هر چند بررسی و شبیه سازی آثار و ابنیه باستانی خصوصاً تاسیسات و سازه های جاده ای و مکان های بین راهی می تواند جهت روشن شدن مسئله مورد توجه قرار گیرد .

## ۲-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق

ایجاد و توسعه راه های ارتباطی به عنوان زیر ساخت های توسعه از اهداف عمده و کلان کشورهاست ، هرچند بهره گیری از تکنولوژی و فن آوری های جدید در راستای تحقیق این اهداف مورد توجه برنامه ریزان در بخش توسعه همه جانبه کشورها قلمداد می شود . در بسیاری از کشورهای جهان مراکز تحقیقاتی و پژوهشی از تمام امکانات خود برای ارتقاء کیفی و کمی تجهیزات و تاسیسات جاده ای و ایجاد شبکه های ارتباطی سریع و مطمئن بهره گیری می نمایند یکی از مهم ترین منابع ، کشف و شناسایی راه ها و معابر تاریخی و باستانی و مسیرهای ایجاد شده و نیز امکانات و تجهیزات مورد استفاده در ادوار گذشته بوده است . لذا شناسایی مسیرهای تاریخی که مراکز جمعیتی را به هم ارتباط داده است و همین تاسیسات و تجهیزات جاده ای که شرایط مناسب و مطمئن را در مبنای باستان برای ارتباط فراهم ساخته است ، از اهمیت خاصی برخوردار است .

از طرفی دیگر بررسی مصالح و سبک معماری تاسیسات ارتباطی همانند پل ها ، چاپارخانه ها و غیره که صدها سال باقیمانده و در مقابل حوادث و رویدادهای طبیعی و غیر طبیعی پایدار مانده است ، می توان مورد توجه پژوهشگران و محققان عرصه علم و فن آوری در مقوله راه ها و جاده ها قرار گیرد . با توجه به این مسئله که باید با تفکر و تدبیر در آثار گذشته بایستی از تجربه های گذشتگان برای توسعه و پیشرفت در آینده بهره گیری نمود ، لذا مسئله بررسی و شناسایی راه ها و معابر باستانی و تاریخی می تواند در راستای اهداف این تحقیق باشد ضرورت و اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست .

تحقیق حاضر این هدف را دنبال می نماید که بتواند با استفاده از روشهای مناسب علمی بررسی راه ها و جاده های مواصلاتی را در محدوده شمالی استان ایلام که از دو قسمت جغرافیایی خاصی در منطقه برخوردار است ، را مورد توجه قرار دهد . مطمئناً فعالیت های میدانی و بهره گیری از اسناد تاریخی برای دستیابی به اهداف این پژوهش مورد نیاز خواهد بود و در نهایت می توان از یافته های این تحقیق در جهت روند توسعه بهره گیری نمود .

## ۳-۱ سؤالات تحقیق

از آنجائیکه تحقیق حاضر از نوع تحقیقات تاریخی است و یکی از منابع مورد استفاده در بررسی های تاریخی بهره گیری از یافته های علمی خصوصاً تحقیقات باستان شناسی است ؛ لذا در انجام این طرح هم از اسناد تاریخی استفاده می شود هم از اسناد و گزارش های منتشر شده حاصل از کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی . سوال اساسی در این تحقیق این است که :

۱- آیا در منطقه مورد مطالعه حوزه شمالی استان ایلام راه ها و جاده های مواصلاتی متعلق در ادوار باستان و قرون اولیه اسلامی ایجاد شده است .

۲- آیا شواهد و شناسه های فرهنگی تاریخی « آثار و ابنیه و ...» در مسیر های مورد مطالعه از گذشته برجای مانده است؟

۳- آیا آثار شهرها و مراکز جمعیتی که نیاز به داده های ارتباطی داشته اند در منطقه مورد مطالعه از گذشته بر جای مانده است؟

۴- آیا آثار پل ها و تجهیزات و تاسیسات مربوط به عبور و مرور از رودخانه ها و مکان های صعب العبور در منطقه مورد مطالعه تاکنون مورد شناسایی قرار گرفته است ؟

۵- آیا آثار راه های مالرو ، سنگ فرش در معابر ، کوهستان ها ، نقاطی که به مراکز جمعیتی و شهرها متصل شده اند از گذشته برجای مانده است ؟

۶- آیا اسناد و مدارک تاریخی به راه ها و معابر به منطقه اشاره نموده اند

#### ۴-۱ فرضیات تحقیق

در این پژوهش فرضیاتی به شرح ذیل متصور است:

۱- به نظر می رسد با توجه به آثار و ابنیه ی متعددی از ادوار باستان در محدوده مورد مطالعه راه ها و جاده های مواصلاتی وجود داشته است .

۲- آثار متعددی از شهرها مراکز جمعیتی از ادوار تاریخی و قرون اولیه اسلامی در منطقه مورد مطالعه ، مورد شناسایی باستان شناسی قرار گرفته است . لذا به نظر می رسد راه های عمده ای این مراکز مسکونی را به هم ارتباط داده باشد ؟



- ۳- به نظر می‌رسد وجود آثار برجای مانده از قلعه‌ها و دژهای متعدد در مسیرهای ارتباطی امروز دلیل بر وجود جاده‌ها و راه‌های مواصلاتی باشد؟
- ۴- با توجه به اسناد تاریخی منطقه مورد مطالعه بخشی از ایالت ماسبدان بوده است. لذا به نظر می‌رسد جاده‌های ارتباطی برای اتصال شهرهای مهم تاریخی چون سیروان و صیمره در این منطقه وجود داشته باشد.
- ۵- منابع و اسناد تاریخی و تحقیقات باستان‌شناسی به وجود راه‌های تاریخی و باستان‌شناسی اشاره نموده است لذا بررسی موقعیت جغرافیایی منطقه و فعالیت‌های میدانی برای تطبیق اسناد و مدارک با شواهد ظاهری منطقه دارای اهمیت می‌باشد و بررسی آن ضروری به نظر می‌رسد.

## ۵ هدف تحقیق

- هدف کلی شناسایی راهها و معابر باستانی دوران تاریخی و قرون اولیه اسلامی در ناحیه شمال غربی استان ایلام می‌باشد برای رسیدن به این هدف کلی اهداف زیر مورد توجه می‌باشد.
- ۱- بررسی قلعه‌ها و آثار باستانی در مسیر راههای باستانی و جاده‌های امروزی
  - ۲- بررسی پل‌های باستانی بمنظور ردیابی راهها و معابر تاریخی
  - ۳- بررسی موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه به منظور شناخت مسیرهای احتمالی و معابری که امکان ارتباط از طریق آنها امکان پذیر بوده است.
  - ۴- بررسی مسیرهای ارتباطی شهرها و مراکز جمعیتی در دوران باستان و قرون اولیه اسلامی براساس کشفیات و یافته‌های باستان‌شناسی (الرز و سیروان)
  - ۵- مطالعات تاریخی مردمان و اسنادی در مورد ایالت‌های ماسبدان و جبال، برای اطلاع از مسیرهای و ارتباطی آنها با دیگر مراکز از جمله عراق
  - ۶- اغلب تاسیسات محدوده مورد پژوهش در ارتباط با راه و راهداری بوده اند از جمله قلعه شمیران، قلا مامه زمان نرگسی، پل یک دهنه شرفشه، پل چهار دهنه شرفشه، پل شیر پناه و تاسیسات دیگری که به طور مفصل در پژوهش آمده است

### ۶-۱. قلمرو تحقیق

عرصه ایلام در طول تاریخ تغییرات زیادی بخود دیده است محدوده این پژوهش منطقه شمالی ایلام کنونی می باشد که دارای شهرها و بخش های متعددی است و تا ناحیه مرزی ، کشور عراق امتداد می یابد . ( مطابق نقشه پیوست )

## ۷-۱ روش تحقیق

تحقیق در این پژوهش به دو صورت میدانی و کتابخانه ای صورت می گیرد که هر یک مستلزم ترسیم پلان اولیه و روش علمی می باشد که حوزه ی مورد بررسی در استان ایلام مربوط به دوره ی اسلامی است. با توجه به نیاز این پژوهش محدودیت زمانی و مکانی نیز در حد وسیع تری برای رسیدن به نتیجه بهتر مورد توجه قرار گرفته است روش های به کاررفته در این تحقیق اجمالاً به شرح زیر می باشد :

### ۱- تحقیق میدانی

با توجه به آثار و شواهد موجود مانند پل ها ، قلعه ها و دیگر تاسیسات در طول مسیر و عکس برداری از آنها با تحلیل و بررسی به نتایجی دست یافته ام که در متن پژوهش به تفصیل آمده است.

همچنین پیمایش میدانی این امکان را فراهم کرده تا نقشه های پیشنهادی از راه باستانی را ترسیم کرد که حتی وضعیت فواصل منازل و وضعیت راهها را توصیف کند.

در پژوهش میدانی به راه های بوره ره (در مسیر کوه بانکول به چرداول ) راه کل هیوله ، پوینگوله - که در سمت جاده زرنه - ترن به چله و سپس گیلان غرب وصل می شود . ذوالفقار راه که از قلعه ی شمیران شروع و ادامه آن با منطبق بر خط الراس فوقانی رشته کوه شره زول تا قلعه عبدالان در مانشت کوه و به منطقه ی تانشیه و از آنجا به شیروان منتهی می شود ، دست یافتیم.

### ۲- تحقیق کتابخانه ای

در این روش توجه به متون و اسناد تاریخی و کتب جغرافی دانان و سفرنامه نویسان اسلامی و اروپایی و گزارش های استان شناسان و کاوش های آنان در قرون اخیر کمک

زیادی به شناخت مسیر راه ها کرده است . چرا که راه ها در گذر زمان چندان تغییر نیافتند بلکه بخاطر نیاز بشر فقط یکسری تأسیسات جدید برای تسهیل ارتباط بر روی مسیر آنها صورت گرفته است و ما از حاصل منابع فوق در جهت پیگیری ، فرضیات می پردازیم.

## ۸-۱ محدودیت تحقیق و پرسشهای موجود

- ۱- محدودیت زمانی برای فعالیت مطالعاتی .
- ۲- شرایط جغرافیایی منطقه و عدم امکانات لازم برای فعالیت های میدانی .
- ۳- مسئله جنسیت و عدم امکان بازدید از مکانهای باستانی و مسیرهای ارتباطی برای خانم ها .
- ۴- کمبود منابع و عدم امکان بهره گیری از منابع کتابخانه ای در منطقه .
- ۵- ۱- عدم دسترسی به گزارش های باستان شناسی منطقه مورد مطالعه .

## ۹-۱ پیشینه ی تحقیق

از آنجا که راه در طول تاریخ همواره مورد توجه حکام مناطق بوده بخصوص بخاطر امر اقتصادی فرهنگی اهمیت داشته است تاکنون کتابها ، گزارشهای باستان شناسان، سفرنامه

سیاحان و دانشمندان جغرافیانویسان اسلامی و تاریخدانان بخصوص در قرون اسلامی در رابطه با راه وجود دارد از مهمترین دانشمندان و جغرافیادانان و مورخان می توان به «اصطخری»، «ابن خردادبه»، «ابن فقیه همدانی»، «ابن حوقل»، «مقدسی» و ... که نوشته های خود را در دوران اسلامی براساس مشاهدات در طول سفرهای خود نگاشته اند می باشد و نشریات مختلف از جمله نشریه راه و بار و فرهنگ ایلام...نوشته سیاحان و باستان شناسان و سفرنامه نویسان اروپایی از جمله فریا استارک انگلیسی - سر اورل اشتاین، واندنیرگ، دمورگان که از پیشگامان علم باستان شناسی بودند مسیر را طی نمودند و گزارشهایی را تهیه کردند از کوههای صعب العبور منطقه عبور کردند و بصورت گزارش و سفرنامه در اختیار ما گذاشتند.

## فصل دوم

بوم شناسی منطقه و مطالعه حوزه

شمالی استان ایلام

### موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه استان ایلام

استان ایلام در بخش زاگرس مرکزی قرار دارد و دارای ۷ شهرستان می باشد که عبارتند از : ایوان، دره شهر، شیروان چرداول، مهران، آبدانان، دهلران و ایلام می باشد و از شرق با لرستان ، از جنوب با خوزستان و از غرب با کشور عراق که ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک دارد همسایه است و از شمال به کرمانشاه - که راه باستانی از ماهیدشت کرمانشاه می گذرد. (هول، ۱۹۶۷، ۳۴۲).

استان ایلام ۱۹۰۸۶ کیلومتر مربع مساحت دارد . این استان بین مدار ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه و ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا واقع است و از شرق با رشته کوه کبیر کوه و از شمال با رشته کوه مانشت و کوههای قلاجیه، فلاسم و خرمة منتهی می شود ارتفاع آن از سطح دریا ۱۷۶ متر می باشد. (خلیلیان، ۱۳۷۵، ص ۳۶)

## ۲-۲ توپوگرافی

استان ایلام در بزرگ ناودیس زاگرس قرار گرفته که حاصل رسوبات دوران دوم و چهارم است که تحت تأثیر فرسایش دوره کواترنری قرار گرفته اند سلسله جبال زاگرس در جهت شمال غربی به جنوب شرقی قرار گرفته است بر اساس علم زمین شناسی ارتفاعات کبیر کوه در امتداد رشته کوههای زاگرس تشکیل شده است . طول آن ۲۶۰ متر و عرض آن ۱۰۰ کیلومتر به موازات ساحل رود سیمره دیوار بلندی تشکیل داده و نواحی شرقی و شمال شرقی آن را پیشکوه و نواحی غرب و جنوب غربی آن پشتکوه نامیده می شود. نیمه شرقی و شمال شرقی منطقه از کوهستان ها و ارتفاعات بلند و نیمه غربی و جنوب غربی منطقه از ناحیه کم ارتفاع تشکیل یافته است. شعب زاگرس که به سوی عراق و غرب امتداد می یابد از ارتفاع آن کاسته می شود بطوریکه در حدود مرز با سطح زمین یکسان می گردد (افشار، ۱۳۷۲، ۴۵۴-۴۳۰)

حدود طبیعی استان ۲۲۰ کیلومتر طول و ۱۰۰۰ کیلومتر عرض که از شمال، کوه مانشت که تا رود سیمره امتداد دارد و از شرق مسیر رودخانه سیمره و کرخه و از جنوب رودخانه دویرج (قه زی) منتهی می شود ( رزم آرا، ۱۳۲۰، ۳) .

طبق آمار سال ۱۳۷۵ جمعیت استان ایلام ۴۸۷۸۸۶ نفر از ۷ شهرستان ایلام، آبدانان، ایوان، دهلران، شیروان چرداول، دره شهر، مهران که دارای ۱۷ بخش و ۱۶ شهر و ۶۳ دهستان ۷۳۵ آبادی دارای سکنه می باشد. (آمارنامه استان ۱۳۷۵)

## ۳-۲ وجه تسمیه نام ایلام

استان ایلام در ۴۶° و ۲۶° طول شرقی و ۳۳° و ۳۷° عرض شمالی در ۷۳۳ کیلومتری جنوب غربی تهران، نام " ایلام " - (ایلام) که در تورات و کتیبه های بابلی بر نواحی خوزستان اطلاق شده است که در بابلی «إلامتو Elamtu یا إلام Elam و ایلامتو

Ilamtu یعنی کوهستان و شاید «کشور طلوع خورشید» به معنی مشرق می نامیدند و همین کلمه در تلفظ یونانی «ایمائیس» Elimais شده است و در ظاهر این سه نام از کلمه ال‌امو Ellamu گرفته شده و ریشه این کلمه را هم آشوری دانسته اند. (توکلی، ۱۳۷۵، ۱۲۴-۱۲۳)

بعضی از نویسندگان عیلام را واژه ای سامی و به معنی سرزمین کوهستانی دانسته اند که آنها به نژاد سامی مردم اشاره کرده اند که زبانشان آشوری بوده است. نام محلی عیلام هلمتمی Haltamti یا حتمتی Hatamti بوده و چنانچه ذکر شد در آشوری و بابلی «الامتو» خوانده می شده است در زمان هخامنشیان، پارسیها این مملکت را «هووج» یا «خووج» می نامیدند. جهانگیر سرتیب پور معتقد است که: «ایلام واژه ای است مرکب از دو کلمه «ایل» و «ام» به معنی سرزمین بلند و گوید «ام» در زبان گیلکی به صورت پسوند با مفهوم بلند، مانند و جایگاه در آخر واژه، ظاهر می شود مانند کت، کتام، پشته، پشتام، خومه، خمام، و غیره. بعضی مورخین و جغرافی نویسان عیلام را برگرفته از نام عیلام پسر سام بن نوح (ع) می دانند حسین آباد در سال ۱۳۱۵ تغییر نام به ایلام یافت. (همان، ۱۲۴)

## ۲-۴ نژاد، زبان و دین مردم استان ایلام

مردم استان ایلام زبان ها و لهجه های مختلفی دارند از جمله کردی در شهرستانهای ایوان، شیروان چرداول و مهران، زبان کردی و لری در دهلران، آبدانان، در دره شهر زبان لری و لکی متداول است. به عبارتی کردها در شمال و شمال غرب استان، لرها در جنوب و جنوب غربی، لکها در نواحی دره شهر و هلیلان و آبدانان سکونت دارند ریشه زبان باستان ایلام پهلوی است.

قبل از حمله اعراب، مردم ایلام کنونی زرتشتی بودند در سده ۶ ق.م به وسیله زرتشت پایه گذاری شد تا انقراض ساسانی و نفوذ اسلام در سده ۷. م به دین مبین اسلام گردیدند. (افشارسیستانی، ۱۳۶۶، ۱۴۷-۱۴۶)



## ۲-۵ زمین شناسی

استان ایلام در قسمت زاگرس چین خورده واقع شده دارای سنگها رسوبی است و از شمال شرقی به جنوب غربی سنگهای آذرین و کانسارهای فلزی وجود ندارد و برای مصالح ساختمانی پایدار نمی باشد و ترکیبات سنگهای آهکی سخت و گچی و سنگ جوش مشاهده می شود عمق خاک کم عمق و سنگریزه ها در نوسان است ولی در بعضی قسمتها ضخامت خاک بیشتر و رسوبات رودخانه ای وسیع و دشتهای سیلابی را بوجود می آورد.

## ۲-۶ پوشش گیاهی و جنگلها

پوشش گیاهی استان ایلام شامل جنگلها و گیاهان متفاوت که بطور خیلی انبوهی بر دامنه کوهستانی منطقه به چشم می خورد بخصوص درختان بلوط که به فراوانی سراسر کوهستان را فراگرفته است این پدیده در شهرستانهای ایوان، شیروان چرداول، ایلام - بترف کبیرکوه در آبدانان امتداد می یابد درختان طبیعی دیگر همانند انجیر وحشی، اقایا، بنه، زالزالک اوجا، محلب، کیکم، چنار، گردو، سنجد، بادام شیرین، زردآلو، انار، انگور، آفتاب گردان، دانه های گیاهی امرود، پلاخور، ارغون، زغال اخته، زبان گنجشک، سماق، اوجا وجود دارد (بدیعی، ۱۳۶۲، ۲۶۷).

جنگلها و مراتع بعلت چرای بی رویه عدم رسیدگی به و قطع درختان جایگزین سازی و چرای زودرس و بمباران ناشی از جنگ تحمیلی رو به کاهش رفته اند. جنگلها و مراتع در استان ایلام ۹۰٪ جنگلهای انبوه در ۳۰ سال اخیر تخریب شدند در ارتفاعات ۵۰۰ تا ۲۰۰۰ متری جنگلهای انبوه و غیرانبوه بیشتر بلوط و در ارتفاعات پایین تر انار، انجیر، اقایا انگور و گردو رشد می کند ۱/۲۰۰۰/۰۰۰ هکتار مراتع و اراضی جنگلی ۱۰۵/۰۰۰

جنگلهای نیمه انبوه ۲۱۵/۰۰۰ جنگلهای تنک ۱۴۹/۰۰۰ مخروبه ۴۶۹/۰۰۰ جنگلهای استان حدود ۷۵٪ زیر پوشش بلوط ، ۲۰٪ پسته وحشی و بنه ۵٪ زالزالک، بادام کوهی، راناس، تنگرس تشکیل می دهند.

درختان کیکم، پسته وحشی (برگ پهن خوش بو) ، بلوط ، بوته گون، بوته جارو، توت، زردآلو و انار، بیدونی ، بید وحشی، درخت گز «کرف» ، گیاه نعناع، پونه، و محصولات ذرت، برنج، درخت کبیر، خرزهره ، پسته کوهی (به)، نی و ... رو شده اند (استارک، ۱۳۶۵، ۲۱۰).

## ۷-۲ آب و هوای استان ایلام

دمای هوا در استان طبق ایستگاه هواشناسی ایلام بر اساس داده آماری (۶۳-۱۳۵۰ شمسی) شمسی در مجموع ۵۲ روز یخبندان در استان وجود دارد میانگین سالانه درجه حرارت معادل ۱۶/۵ درجه سانتیگراد است. در نواحی شمال شرقی استان حداقل دمای روزانه ۹/۸ درجه و میانگین دمای روزانه ۳۳/۳ درجه سانتیگراد است وسعت بارندگی کلیماتولوژی ۱۳۵۶-۱۳۴۳ سالانه ۵۶۰/۸ میلیمتر برآورد شده است. بارش در شمال و شمال شرقی به ۷۰۰ میلی متر می رسد و از شمال به جنوب کاسته می شود این استان بعلت وجود ارتفاعات زاگرس و همجواری با بیابان های عراق و عربستان ناحیه گرم و مرطوب و آب هوای متنوع دارد توده های اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه و دریای سیاه باعث بارندگی پاییزی و زمستانی می شود. توده های هوا از سیبری حرکت می کند و سبب بارندگی شدید و سیل آسا در جنوب و جنوب غربی می شود. (آمارنامه ، استان ایلام - سال ۱۳۷۵).

## ۸-۲ منابع آب

از مهم ترین حوضه های سطحی استان حوضه های ششگانه آبریزاست هشت حوضه آبریز دیگر که سه شاخه در ایلام به نام های : چم آب، مورت، چوار حوضه آبریز گنگیر در دشت ایوان حوضه خوش گذار، حوضه آبریز گنجانچم، رودخانه چنگوله، میمه، دویرج که شاخه اصلی آن از کبیرکوه سرچشمه می گیرد و در مسیر، انشعابات متعددی به آن می پیوندند. در نهایت رودخانه دویرج را تشکیل می دهد. مسیر آن از شمال به شرق و جنوب غربی به سمت دهلران و دشت موسیان است و رودخانه چیخواب به آن وصل می شود و به عراق می ریزند که از طولانی ترین رودخانه های استان است.

همچنین رود سیمره بزرگترین و پرآب ترین رودخانه هاست که شاخه اصلی آن به نام گاماسیاب از ارتفاعات همدان سرچشمه می گیرد از بیستون می گذرد، شعباتی چون ماهیدشت، هلیلان و کلگرند وارد لرستان می شود سیمره با شعباتی مانند کشکان، زال، غزال، خرم آباد، وگز دریافت شعبه هایی مانند سراب کلان، چناره، رود زنجیره، جزمان رود و رودخانه آسمان آباد، سیکان، به جلگه خوزستان پیش می رود بسوی دجله راه می یابد.

طول سیمره ۷۵۵۰ کیلومتر و ۴۵۰۰ میلیون متر مکعب آبدهی دارد رودخانه هایی که در طول مسیر قرار دارند عبارتند از گذارخوش گنجان چم، گاوی، چنگوله، دویرج، سده، میمه، تلخاب ۱ و ۲ که پس از عبور از ایران به عراق می ریزد.

## ۹-۲ کُنجان چم

طول این رودخانه در مرز ایران و عراق ۹۰ کیلومتر است با ارتفاع ریزشگاه (نقطه خروج از مرز) ۲۰۰ متر شیب متوسط ۱/۸ درصد مسیر کل جنوب باختری. این رودخانه از دامنه کوه های شلم salam و سرکب sarkab و ملدشاده meled sadeh واقع در ۷

کیلومتری جنوب شهر ایلام سرچشمه می گیرد و در منطقه گل گل گچان Golgole با آب آفتاب مخلوط می شود و پس از عبور از تنگ و باریکی بسوی مناطق راکی به Rakibeh و گچ مُغمیل Gac-e Mamil سرازیر می گردد و به شهرستان مهران وارد می شود نخست از کنار روستای امیرآباد می گذرد پس بسوی روستای کنجان چم روان می شود در این روستا با رود سیاه آب مخلوط می گردد کمی پایین تر نخست با رودخانه چشمه ملک و پس به رودخانه گدارخوش درهم آمیخته بسوی روستای کنجان جم پایین روان می گردد پس از عبور از دامنه خاوری کوه زالو آب بطرف مرز ایران و عراق متوجه می شود و در نقطه ای به فاصله ۹ کیلومتری شمال خاوری مهران به مرز وارد شده و تا ۴ کیلومتری مهران بصورت رودخانه مرزی جریان می یابد و در این نقطه از مرز خارج شده و بنام نهر سیراو sirao به خاک عراق وارد می گردد. (جعفری، ۱۳۷۶، ۴۰۴)

## ۱۰-۲ گنگیر Gangir

طول این رودخانه تا مرز عراق ۱۰۰ کیلومتر ارتفاع سرچشمه ۱۶۰۰ متر ارتفاع ریزشگاه (نقطه خروج از مرز) ۲۹۷ و حدود ۲۰۰ متر شیب متوسط ۱/۴ درصد مسیر کل نخست شمال باختر، سپس باختر گنگیر از دامنه بانکول و شره زول واقع در بخش سراب، ۱۵ کیلومتری شمال باختری ایلام سرچشمه گرفته و پس از عبور از دهستان سراب و زرنه، با رود کازاب و چم سورک مخلوط می شود و به منطقه کریشکن karsakin واقع در سومار وارد می گردد از کنار روستاهای قلعه دبروخان Dabruхан و قلعه مهریک mammareyek از چند چشمه دیگر می گذرد و به پاسگاه مرزی میان تنگ می رسد و در نقطه ای به فاصله ۸۰km جنوب قصرشیرین از مرز خارج شده و به خاک عراق وارد می گردد و بسوی دشت مندلی روان می شود. (جعفری، ۱۳۷۶، ۴۳۱)

## ۱۱-۲ زیست جانوری استان ایلام

انواع حیوانات که از جانوران ، خزندگان، آبزیان، پرندگان، پستانداران در این استان زیست می کنند . آبزیان از جمله انواع ماهیان بخصوص قزل آلا، خزندگان مارها و مارمولکهای رنگارنگ قورباغه، سوسمار، پرندگان بخصوص لک لک، کبک، مرغابی، کبوتر ، کلاغ انواع گنجشکان ، قمری، فاخته، بلدرچین، تیهو، باقرقره . (افشار، ۱۳۷۲، ۸۲-۸۱) .

پستانداران بزرگ و کوچک از جمله خرس قهوه ای ، پلنگ، گوزن زرد، آهو ، گرگ ، کفتار، سنجاب ، خرگوش که هنوز دره هایی وجود دارد که با این عنوان نامگذاری شده اند پلنگ کنان در ایوان شکار گوزن و پلنگ و خرس باعث شده نسل آنها کمیاب شود تعرض خرس به بعضی خانواده ها در چند سال اخیر در پیکنیک نیک جالب توجه بود و وجود نسل آنها را تداعی می کرد.

## ۱۲-۲ معادن استان ایلام

وجود قیر طبیعی و نفت سیاه به ترتیب در دهلران و ایوان بطوریکه وجود نفت در گذشته در دهلران و ایوان بطوریکه وجود نفت در گذشته در دهلران بسوی بین النهرین بعنوان کالای بازرگانی مورد اهمیت بوده است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۴۸۹).

از آنجا که استخراج قیر طبیعی (بیتومین) به فاز بزمرد علی کش و فاز میمه تپه سبز، که مربوط به هزاره ۷ قبل از میلاد است می رسد، که از آن برای اندود کردن سبدها، جهت حمل و نقل آب از آن استفاده می کردند.(هول، ۱۹۶۹، ۲۲۲)

انگلیسی ها قبل از جنگ جهانی اول با احداث خط آهن از دهلران به سمت عراق مواد نفتی را به عراق انتقال می دادند همچنین وجود چشمه های آب گرم دهلران که

سرشار از گوگرد است برای جلوگیری از امراض پوستی استفاده می شود.  
(رزم آرا، ۱۳۲۰، ۳۰)

قبل از انقلاب چندین حلقه چاه اکتشافی نفت در بانکول ایوان، آسمان آباد، مهران، گله جار ایوان حفر و پلمپ شده است.

مرمیت: در ۷ کیلومتری غرب دهلران در روستای گاور این معدن غیرفعال است.

لکسیت: در هلیلان در مجاورت سنگ آهک رگه های لکسیتی قبلاً در شیشه گری همدان مصرف شده امروزه غیرفعال است.

مالون و لاشه: معدن سنگ شلم بصورت سالیانه ۲۵ هزار تن در بانکول و آسمان آباد سالیانه ۲۰/۰۰۰ تن است که از مصالح ساختمانی منطقه است.

دیگر معادن: سیمان، پیریت، فسفات، زغال سنگ، گچ، گوگرد، سنگ آهک می باشد. (ورعی، ۱۳۶۷، ۲۶-۲۵)

## ۱۳-۲ زلزله خیزی ایلام

ایران به دلیل استقرار بر کمربند اروژنیک و لرزه‌های الین در مناطق شمال و غرب می باشد از طریق بررسیهای پالئومورفولوژی و پالئوژئوگرافی بطور غیرمستقیم شناسایی و ردیابی شده اند.

۱- پدیده ریزش سریع و ناگهانی در محیطهای خشک که اصطلاحاً ریزش و جریان نامیده می شوند در قسمتهای کوهستانی استان خطرآفرین است.

۲- پدیده های ریزش کند و تدریجی در محیطهای خشک اصطلاحاً کریپ می گویند بصورت غیریکنواخت در واحدهای سست بصورت پتانسیل خطرناک در قسمتهای مرتفع و کوهپایه ای استان ایلام وجود دارد.

۳- پدیده های جریان کند و آرام تشکیل دهنده واحدهای لیتوزئیک ، ماری، تراکم، نفوذپذیری تخلخل و قابلیت نگهداری آب در ابعاد متفاوت بصورت پتانسیل خطرآفرین در مناطق کوهپایه ای ردیابی شده اند.

## ۱۴-۲ رودخانه های استان ایلام

آبهای سطحی دشت ایلام شامل سه شاخه می شود . چم آب، مورت، چوار که همگی به خوش گرار می ریزد نواحی شمالی دو انشعاب مورت و چوار نواحی جنوبی و حوضه آبریزگاه گنگیر به دشت ایوان حوضه آبریز خوش، آبریز کنجانچم، رودخانه گاوی، چنگوله، دویرج ، میمه،

رودخانه دویرج سه شاخه اصلی رودخانه از کبیرکوه سرچشمه می گیرد و مسیر آن تا دشت موسیان می ریزد و سمت جنوب شرقی رودخانه چیخواب به آن متصل می گردد و به فکه عراق می ریزد.

## ۱۵-۲ رشته کوههای شهرستان ایوان

### ۱۶-۲ کوه بانکول

این کوه در ۱۰ کیلومتری شمال ایوان با ارتفاع ۲۳۰۴ و از این کوه رودخانه گنگیر از شمال غربی به جنوب شرقی با طول ۳۰ کیلومتر با عرض متوسط ۶ کیلومتر کشیده شده و از سوی جنوب شرقی به کوه مانشت متصل است که جاده امروزی ایلام به کرمانشاه از غرب آن می گذرد.(زنده دل، ۱۳۷۹، ۵۴)

### ۱۷-۲ کوه شره زول

این کوه در جنوب ایوان و شمال غربی ایلام که ناحیه چوار می باشد ارتفاع کوه ۲۰۵۰ متر بصورت رشته نسبتاً طولی به درازای ۴۱ و پهنای متوسط آن ۵ کیلومتر از شمال غربی به جنوب شرقی امتداد و گسترش یافته است. بخش چوار در جنوب بخش سراب که سراب در دامنه های شمال غربی این کوه جای گرفته اند شمال غربی آن جنگلهای بلوط پوشیده شده است رودخان گنگیر ، کلال رود، کزاب و مورت از این کوه سرچشمه می گیرد.(زنده دل، ۱۳۷۹، ۵۶-۵۵)

## ۱۸-۲ کوه قلاجه

این کوه در ۴۱ کیلومتری شمال غربی ایلام واقع است ارتفاع از سطح دریا ۲۰۵۰ متر است از سوی شمال غربی به طرف جنوب شرقی کشیده شده است از جنوب شرقی به کوه کله جمن متصل می شود این کوهستان (دهستان) آسمان آباد در دامنه های جنوبی خود جای داده است در جاده کرمانشاه ایلام آن را قطع می کند رودخانه آب چیکا از دامنه های شمالی و رودخانه آسمان آباد دامنه های جنوبی این کوه سرچشمه می گیرد بخشی از این کوه به وسیله جنگل های بلوط پوشیده است از صعب العبورترین کوههای استان می باشد.

کبیرکوه بخشی از زاگرس دیوارهای جنوبی دره رودخانه آب آفتاب و گنجان چم مهران شروع شده بسوی جنوبی شرقی تا دره رودخانه کرخه در دهستان الوار گرمسیری از شهرستان خرم آباد لرستان ادامه می یابد دامنه های شمالی و شمال شرقی آن به دره های رودخانه سیمره کرخه و دامنه های جنوب و جنوب غربی آن به مرز ایران و عراق منتهی می گردد دره گنجان چم تا دره رودخانه ۱۷۵ کیلومتر و عرض آن در حد فاصل رودخانه سیمره یا کرخه تا مرز ایران و عراق بین ۴۵ تا ۸۰ کیلومتر است این کوهستان به وسعت ۹۵۰۰ کیلومتر است بلندترین قله آن ۲۷۹۰ متر در ۱۸ کیلومتری ارکواز واقع شد.

## ۱۹-۲ کوه مانشت maniaht



این کوه در ۶ کیلومتری شمال شرقی ایلام با ارتفاع ۲۶۵۹ از شمال غربی به بانکول از جنوب غربی به کوه گاوه متصل است.

ارتفاع این کوه ۲۳۱۵ متر در محدوده شیروان چرداول واقع است جهت آن شمال غربی به جنوب شرقی موازی با کوههای قلاجه می باشد تنگه قوچعلی به نواحی مرکزی و جنوب وصل می کند. مختصات جغرافیایی قله آن ۲۰° و ۲۵' ۴۶ درجه و عرض آن ۴۴° و ۳۳ درجه می باشد کوههای مله مازگ در محدوده (منتهی الیه) شرق شیروان به ارتفاع ۱۴۰۰ متر می باشد این کوه حد فاصل دشت بیجنوندو هلیلان می باشد.

کوه قلاسم (قلعه سام) با ارتفاع ۲۰۰۰ متر از زمینهای کشاورزی به واسطه نزدیکی با سمیره رونق خاص یافته است. حد فاصل ایلام و لرستان می باشد. ارتفاعات شابداع در منتهی الیه شمال شرقی آن واقع است نوار مرزی طبیعی و کرمانشاه تشکیل می دهد و دامنه های شرقی و غربی آن جنگلهای بلوط پوشانیده است.

**فصل سوم**  
**پیشینه تاریخی استان ایلام**

### ۱-۳ پیشینه و آثار تاریخی ایلام

از آثار تاریخی ایلام که قابل توجه اند می توان کاخ کشاورزی، قلعه چکربولی، قلعه چوار، سنگ نوشته قوچعلی قلعه، والی قلعه اسماعیل قلعه و کاروانسرای قالوه گلان اشاره کرد. این ولایت در زمان ساسانیان جزء ماس پزان بوده است چرا که از شیر دامها که بیشتر بز بوده اند ماست تهیه می کردند و اعراب آن را اشتباهی ماسبزان خوانده اند (افشار، ۱۳۷۲، ص ۵۰۷).

پس از ظهور اسلام در جنوب غربی لرستان پشتکوه حکام متعدد به نقل از ابن مقفع این ولایت یکی از هفت شهر پهلویمان یا پارتها ذکر کرده که شهرهای آباد با درختان و جنگلهای متعدد و آبهای معدنی که به منطقه بندنجین یا مندلی در خاک عراق می ریخته است. (افشارسیستانی، ۱۳۷۲، ۱۲۷)

ایلام در قرون اولیه اسلامی به دست خاندان فیروزان که بر نواحی ایلام امروزی، خوزستان و بخشی از لرستان تسلط داشتند اداره می شد. ایلام فعلی که در آن زمان جزئی از ایالت بزرگ «جبال» محسوب می شد پس از فتح نهاوند توسط مسلمانان، شهرها و ایالت های مهم آن همانند صیمره، سیروان، اریوجان تصرف شد و بدلیل نزدیکی به بغداد به منطقه حائل میان فلات مرکزی و بین النهرین مبدل گشت آثاری از آن دوران که شامل پل ها، بقاع متبرکه، قلاع که آثاری از آنان هنوز پابرجاست بقاع متبرکه آن به عهد

سلجوقیان برمی گردد ، که به سیداکبر، امامزاده عباس ، سیدابراهیم، سیدفخرالدین در زرین آباد و دهلران می توان اشاره کرد. از پل های تاریخی و اسلامی استان ایلام می توان به پل گاومیشان ، پل چم آب برده در دره شهر اشاره کرد .

بیشتر آثار تاریخی دره شهر کنار رود سیمره دیده می شود که این رود از کوهستان الوند در جنوب همدان سرچشمه می گیرد و پس از عبور از به کرمانشاه، لرستان، ایلام و خوزستان به کرخه می پیوندد. جایگاه اصلی عیلامیان پس از مهاجرت از بابل ، دره هایی است که در امتداد زاگرس تا محدوده سوزیانا(شوش) کشیده شده است . استرابون این محدودی را جزو منطقه ایلام یاد کرده و در محدوده جنوبی ، در شمال بابل و شوش یاد کرده است. جلگه اریوخ قدیمی ترین نام این منطقه بوده عیلامیها به کمک شاه آشور به نینوا شتافتند تا قبل از سده ۱۳. م این منطقه به اریوحان (Arrga) شهرت داشته است شاید محل حره ، مربوط به دوره اسارت یهودیان باشد ، بنیامین تودله از این منطقه بعنوان ارین یاد کرده و آورده است که : «حدود ۲۰۰۰ خانوار یهودی در آنجا مستقر بوده اند.» (افشار سیستانی، ۱۲۵، ۱۳۷۲).

پیش از اسکندر، نام اریوخ به سبد که جمع آن سبدان است، تغییر کرده و با پیشوند ماه (= سرزمین) بصورت ماه سبد و ماه سبدان درآمده است استرابون از آن با نام ماساباتیس، دتونیسوس، ساکنان این منطقه را مزاباتی یاد کرده. و بطلمیوس آنان را «سامباتی» نامیدند و دیودروس، در توصیف لشکرکشی اسکندر از آن به نام سمبته یاد کرده است و پلینی آن را مزوباتن «منطقه ای در زیر کوههای کامبالیدوس» ورود الئوس که در مسیر خود به طرف دشتهای شوس، آن را مشروب می ساخته است. (همان، ۱۲۵)

در زمان اردشیر بابکان ماه سبدان که اعراب دو واژه ی ، ماه و سبدان با هم ترکیب کرده و حرف «د» را به «ذ» تبدیل کرده و این ناحیه را ما سبدان نامیده اند. این نامه به صورت های دیگری نیز در کتاب های جغرافی آمده است از جمله به شکل ماسبتان که گفته شده کلمه «ما» به نامهای سپتا و جزو کوست خوبران ذکر شده است.

این ولایت دو حاکم نشین داشت: یکی شیروان و دیگری اریحان. اریوحان یا قوت حموی به نقل از ابن مقفع آن را یکی از هفت شهر پهلویان یا پارتیان ذکر کرده است. (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۱۲۷)

در دوران بعد، محل بیلاقی والی پشتکوه حسینقلی خان به نام ده بالا که مرکز تابستانی والیان شد به حسین آباد تغییر نام داد که نام یکی از والی معروف آنجاست در خرداد ماه ۱۳۱۵ هـ ش در زمان رضاشاه به نام ایلام تغییر نام داد و در سالهای اخیر ابتدا به فرمانداری کل و سپس به استان تبدیل شد. (طاهری، ۱۳۵۱، ۱۷)

### ۲-۳ حدود و قلمرو ایلام (مرز سیاسی) در ادوار تاریخ

حدود و قلمرو ایلام از زمان عیلامیان به ناحیه کرکوک و سراسر دره های دجله و در زمان هخامنشیان به بین النهرین و در دوره اشکانیان به رود هرات و در زمان ساسانیان از فرات گذشته به عربستان رسیدند استان ایلام که در تقسیمات جزء سرزمین پهل و پادکسیان (پاتکولی) یا (کسیان) بود و در دوره اسلامی وضع مرزها دچار تغییر شد و استان ایلام امروزی جزء قلمرو حکومتی بغداد محسوب می شد با پیدایش سلسله های مختلف ایرانی علیه اعراب دو نوع مرز سیاسی بوجود آمد نخست مرزهای داخلی میان سلسله ها و دیگر مرزهای سیاسی ملی که حد فاصل بین قلمرو اعراب و ایرانیان را تشکیل می داده اند در دوران آل بویه بیشتر مرزها از جمله در ناحیه استان ایلام توسعه یافته اند و مرز غربی تا رود فرات در داخل خاک عراق می رسید (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۲۵۶).

و از آنجا که پهل و یا پهلو استان بزرگی بود که اعراب آن را جبال نامیدند در زمان اشکانیان شامل اصفهان، ری، همدان، کرمانشاه، دینور، ماسبدان (ماسپتان)، مهرجانقدق (مهرگان کده) که جزء ماه کوفه محسوب می شد بخش میانی آن جزء شاپور خواست که به فرمان شاپور اول ساسانی بنام شهرهای مشهور دوره ساسانی عبارتند از: صیمره مرکز مهرجانقدق که بعدها دره شهر یا داراشهر و شیروان یا شیروان که حاکم نشین ایالت

ماسبذان، استان ایلام کنونی بوده است. این دو شهر محل بیلاقی امرای ساسانی بوده که آثار دژ و حصارتنگ چوبینه از آن باقی مانده است. (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۱۲۳)

پس از فتح سیمره و سیروان ایلام جزء قلمرو بغداد و بصره محسوب می شدند و در سال ۱۳۳ هـ ق سفاح خلیفه عباسی عموی خود سلیمان را به حکومت بصره فرستاد و بحرین و مهرجانقذق و پیرامون آن را نیز به وی سپرد از آنجا که در جنگهای سده اول هجری قمری با مقاومت بخشی از خوزستان و در سده های بعد جنگ میان ایرانیان و اعراب، مردم دیگر مناطق از سلسله های ایرانی همانند صفاریان، آل کاکویه، حسنویه که در خوزستان، اصفهان، فارس، همدان حکومت داشتند اتحادشان را در برابر اعراب مستحکم کردند. (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۱۲۷)

### ۳-۳ چگونگی تصرف ماسبذان و سیمره توسط سپاهیان اسلام

در رابطه با چگونگی فتح ماسبذان طبری آورده است که: سعد گوید: وقتی هشام بن عتبّه از جلولا به مداین بازگشت خبر یافت که آذین پسر هرمز سپاهی فراهم کرده بسوی دشت آورده و این را برای عمر نوشت که ضرابین خطاب را با سپاهی سوی آنها فرست. ضرابین خطاب دشت ماسبذان رسید و در محلی که آن را هندف می گفتند تلاقی شد مسلمانان به مشرکان تاختند و ضرابین خطاب سلم پسر هرمزان را بگرفت و اسیر کرد، گردنش بزد. آنگاه به تعقیب هزیمت شدگان رفت تا به سیروان رسید ماسبذان بچنگ گشوده شد و مردمش سوی کوهستان گریختند و آنها را بخواند که بازآمدند و آنجا بود تا سعد از مداین برفت و ابن هذیل را در ماسبذان جانشین خویش کرد و ماسبذان یکی از مرزهای کوفه بود.

مورخان اسلامی در رابطه با شورش این مناطق مطالب زیادی آوردند از جمله مسعودی می گوید: «وقتی خبر قتل ابومسلم خراسانی رسید بابک خرمی بر ضد مأمون و معتصم خروج کرد به اران و آذربایجان کرج ابودلف و برج که به نام رذ و ورسنجان هم معروف است و هم در سیروان و سیمره و اریوجان ماسبذان و دیگر نواحی هستند و بیشتر

در روستاها و مزارع اقامت دارند و اعتقاد دارند که بعدها اعتباری خواهند یافت اینان در خراسان و دیگر جاها به باطنیه معروفند. (مسعودی، ۱۳۷۰، ۲۹۷)

### ۳-۴ هرمان حاکم مهرجانقدق

هرمان قوم وی مهرگان قذق نام داشت و رئیس یکی از خاندانهای با هفتگانه پارسی بوده است در ولایت اهواز ساکن بود وقتی از قادیسه شکست خورده به سوی قوم خود برگشت و شاه آنها شد وی سردار معروف ایرانی بود که به اتهام قتل عمر کشته شد از اهل صیمره (دره شهر) بود. (تاریخ طبری، ۱، ۱۳۶۹، ۱۸۸۴، ۴-۱۸۸۳) بعد از اینکه مسلمانان در نبرد پل شکست خوردند عمر جنگاوران کوفه را فرستاد هرمان آگاه شد آنها چون طاقت مقابله با هرمان را نداشتند صلح خواستند و به عتبه نوشتند عتبه همه اهواز و مهرگان قذق صلح را پذیرفت. این فتح سال هفدهم بود و جعفر گویند نوزدهم و هرمان همان سال اسیر شد. (طبری، ۱۳۶۹، ۱۸۸۹-۱۸۸۸)

هرمان با دیبای زربفت و تاج آذین و یاقوت نشان و زیورهای آویخته اسیر و بردند نزد عمر. پس از اینکه اسلام آورد عمر از قتلش صرفنظر کرد پس از آن سرداران عرب به عمر نامه نوشتند مردم نهاوند مهرگان قذق، ولایت اهواز با نظر و رأی هر فرمان همداستان شده اند ایرانیان آن منطقه مسلمان شدند و از طرف عمر مقرری دریافت داشتند. ابوموسی اشعری از نهاوند بازگشت همراه سپاه بصره نعمان بن مقرن به دینور رفت مردم دینور جزیه و خراج پرداختند و به ماسبندان رفت اهالی آنجا با وی جنگ نکردند اهالی شیروان به همان شروط صلح دینور صلح خواستند و جزیه و خراج پرداختند. (بلاذری، ۱۳۶۴، ۶۷)

ابوموسی دسته هایی سوار فرستاد بر زمینهایشان دست یافت. بعضی عقیده دارند ابوموسی ماسبندان را پیش از جنگ نهاوند گرفت و پس از آن دامادش سائب اقرع ثقفی را به صیمره پایتخت مهرجانقدق فرستاد سائب آنجا را با صلح گشود. مردم هم در مقابل امنیت جان و مال به قبول پرداخت جزیه و خراج زمینها راضی شدند. تمام دهات مهرجانقدق فتح شد. جغرافی نویسان عرب از لرستان، که جزو ایلام محسوب می شد به

دو قسمت ماسبذان (ناحیه شمالی) و مهرجانقذق (ناحیه جنوبی) نام برده اند که قبلاً از طرف یزدگرد هرمزان بر تمامی این ولایات تسلط داشت در مهرجانقذق دژ محکمی داشت و مرکز حکومتش صیمره بود. (راد، ۱۳۷۴، ۱۴۷)

#### ۴-۴ پیشینه بررسیهای باستان شناسی راههای ایلام

از آنجا که راهها در طول تاریخ نقش مهمی در ارتباط مراکز جمعیتی داشته اند و مورد توجه باستان شناسان و مورخان بوده اند لذا مسیر سفر آنها در شناسایی این راهها به ما کمک می کند که این راهها را بهتر بشناسیم از مهمترین باستان شناسانی که در این مورد به تفحص پرداخته اند عبارتند از :

۱- سراورل استین که در سال ۱۹۴۰ با گذر از مسیر پل دختر به صیمره و با انتشار کتاب راههای قدیمی غرب ایران گام ارزنده ای در این مورد برداشته اند و مسیر رود کشکان را پیموده و به پل معروف گاومیشان می رسد و در امتداد کبیر کوه به تنگه بهرام چوبینه می رسد و پس از بررسی صیمره به سمت شمال غربی این شهر باستانی حرکت کرده منطقه سیکان و چم لارتی و شانشین را مورد بازدید و حفاری قرار داده است و از بغداد پس از عبور از بصره از راه پشتکوه به ایلام و صیمره و پشته های کبیر کوه می رسد و پس از بازدید از شهر باستانی سیروان و حفاری صیمره در ناحیه تل کوزه گران می پردازد سپس به سمت طرحان حرکت کرده و به هلیلان می رود و از پل کر و دختر که ارتباط دهنده لرستان و کرمانشاه است سخن به میان آورده است ( کریمی ، ۱۳۷۴ ، ۱۲۰)

۲- پرفسور لوئی و اندنبرگ که در سال ۱۹۷۰ با هیات مشترک باستان شناسی ایلام و بلژیک در ششمین فصل کاوش در لرستان و ایلام در ناحیه ایوان که در شمال استان ایلام قرار دارد و به کاوش در کنار رود گنگیر پرداخته است و قدمت آنرا به سالهای ۲۳۰۰ - ۲۱۰۰ ق . م می داند و قلعه ترن و تپه شیا مامه زمان نرگسی و تپه قلعه زرنه و تپه سنگر در جوب خان را به دوره قدرت آشوری نسبت



می دهد و از چهار طاقی سه پا در کنار جاده سرتنگ به دروند اشاره می کند و گنبد جهانگیر را به

دوره ساسانی نسبت می دهد « L.VANDEN BERGHE. 1971. p.37 »

۶- فریا استارک سیاح انگلیسی در سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۳۱ به نواحی حاشیه غربی کبیر کوه سفر

نمودند و در مسیر بغداد به مهران از منطقه مزی بادرایی ( بدره ) در نزدیکی مهران عبور می کند و

سپس به سوی ارکواز ملکشاهی در مسیر گردنه گلدار به بان پرور و سپس شیروان و دره کافران و

تنگ برنجان می رسد وی در راه بدره به شیروان و صیمره از ساحل غربی رود صیمره عبور کرده و از

ارتفاعات پهن می گذرد و از آنجا به جلگه شیروان در شمال غربی می رسد (استارک ، ۱۳۶۴ ، ۱۶۰ )

۷- سرهنری راویلنسون در سفرنامه اش آمده : مسیر شیروان به رود بار را پیموده به بان پرور و

لارت اشاره کرده و راه شیروان به لارت را از دشوارترین گذرگاههای بین کوههای زاگرس و

کوههای سوسیان بیان نموده همچنین نیز به بقعه جابر در جلگه لارت اشاره دارد ( راویلنسون ، ۶۲

( همچنین محدوده ماه سبزان را شامل ناحیه ای از جلگه ایوان در امتداد زاگرس تا حدود سوزیانا

« شوش » ذکر کرده است ( راویلنسون ، ۴۵ ) در ارتباط با صیمره آمده که مسیر خیابانها ، بازارها و

محل کاروانسراها بخوبی آشکار است ( راویلنسون ، ۶۵ ) .

۳- دمورگان نیز ویرانه های دره شهر را مورد بررسی قرار داده و احتمال داده که دره شهر همان

ماداکتو باشد ( کریمی ، ۱۳۴۷ ، ۱۸۰ )

۴- هرتسفلد نیز بر این باور بوده است که اریوجان همان دره ایوان است که بر سر راه صیمره واقع است

۵- سیف الله کامبخش فرد در ایران نیز شهر باستانی دره شهر را حفاری و گمانه زنی کرده است و آن

را به دوره ی ساسانی وقرون اولیه اسلامی ( قرن ۵ هجری ) نسبت می دهد و در منطقه

سر گچلان به آثار ۴۰۰۰ ق . م دست یافته است ( کامبخش فرد ، ۱۳۶۸ ، ۵۶ ) .

**فصل چهارم**  
**ایالت**  
**ماه سبزان (سیروان)**

## ۴-۱ ایالات ماه سبدان

از آنجا که این منطقه از ایالتهای جبال است که بقولی مرکز آن در ایوان بوده است. شامل ایوان، گیلان، اسلام آباد و (هارون آباد)، ماهی دشت، گوواز، حسن آباد، چوار، سومار، ایلام کنونی که همجوار ایالت مهرگان قذق (مهرجانقدق) بوده است. همگی ایالتهای آن به شکل سبد بوده و کوه آن را محصور کرده و در دشت حاصلخیز بودند احتمال می رود این مناطق خبر دولت ماد بود که بعدها بصورت پیشوند بصورت «ماه» یا ما در آمده و حروف «د» حذف شده است پس از ورود اسلامی به ایران عربها آن را ماسبدان، ماذبدان، ... خواندند اسامی دیگر آن: (ماسبدان، ماه سبدان، ایالت سبدان آمده است. ماسبدان، ماسبدان، ماذبدان، که «ان» به معنی مکان یا سرزمینی است عده مرکز آن را اریوحان ذکر کرده اند و شهر ایلام کنونی که [رذ] نام داشت جزء شهر اریوحان بوده است. که قبر مهدی خلیفه عباسی در آنجا می باشد این استان قبلاً بین دو ایالت مهرجانقدق و ماه سبدان تقسیم شده است شیروان، دره شهر، آبدانان، دهلران، ... به اضافه شهرهای استان لرستان جزء ایالت مهرگان قذق بودند که مرکز آنها صیمره بوده و شهرهای ایلام، چوار، چرداول، ایوان به اضافه شهرهای استان کرمانشاه جزء ایالت ماه سبدان بودند که مرکز آن شهر اریوحان بوده است ایالت ماه سبدان در اوایل ساسانیان به اوج شکوفایی خود رسیده است.

راولینسون در سفرنامه اش ایوان را به عنوان مرکز ایالت ماه سبدان دانسته است وی می گوید: مرکز ماه سبدان همان زرنه امروزی است و تا پیش از قرن سیزدهم میلادی به نام اریوحان شهرت داشته است. (راولینسون ، ۱۳۶۲، ۴۳)

راولینسون در جای دیگری می گوید: به نظر می رسد پیش از اسکندر نام آریوخ به سبد که جمع آن سبدان است تغییر نموده که با پیشوند محل «ماه» (منطقه) بصورت ماه سبد و ماه سبدان درآمده است پس این همان محلی است که استرابون از آن به نام ماساباتیس (massabatic) به عنوان یکی از بخش های بزرگ عیلام بین شوش و نواحی کوه های زاگرس یاد می کند. پلینی آن را مزوباتن Mesobaton می داند که زیر کوه های کامبالیدوس (cambalidos) احتمالاً همان سمبولوس توسیدید و رودخانه اولئوس (Euleeus) پیش از آنکه به طرف سوزیانا روان شود آن را مشروب می سازد دئونیسولسوس ساکنین آن را مزاباتاتی (messabatee) و بطلمیوس سامباتایی seombatee نامند دیو دروس درلشکرکشی اسکندر به آن سمبند یاد کرده است (راولینسون ، ۱۳۶۲، ۴۴)

در کتاب التبینه والاشراف آمده است: «... و آتش نشان اریوجان مجاور سیروان از ولایت ماسبدان که به نام حمه تومان معروف است و مجاور منجلان است و از چهل فرسخی بغداد بر راه بند نجین و ابراز - امروز دیده می شود...» (مسعودی ، ۱۳۷۰ ، ۵۹). مناطق حومه اریوحان عبارت بودند از چوار کنونی بولی، ... با توجه به گفته به نقل از ابودلف مسافت ، وجود آب معدنی و سنگهای دگرگون شده آتش فشانی که گفته شده احتمالاً همان آتش فشان [چکربولی] بوده این منطقه احتمالاً همان مشخصاتی دارد که مورخان آوردند.

در تاریخ یعقوبی آمده است: مرگ مهدی خلیفه عباسی در ماه سبدان و در یکی از قصبه های آن بنام البرز بوده است. (یعقوبی ، ۱۳۸۲ ، ۱۳۴؛ ابوالفداء ، ۱۳۴۹ ، ۴۷۹)

در مروج الذهب محل دفن «مهدی» در دهکده ای به نام [ردین] از ولایت ماه سبدان آورده است همچنان یاقوت حموی، الفخری، حمدالله مستوفی، طبرسی، مجمل التواریخ و القصص نیز در مورد مرگ مطالب یکسانی آورده اند مرگ مهدی را به سال ۱۶۹ هـ در ایالت ماه سبدان بیان کرده اند.

درخصوص محل قبر مهدی عباسی اختلاف نظر است در سفرنامه ابودلف هم محو بوده و «راولینسن» هم سال ۱۸۳۶ نتوانسته آن را پیدا کند هر تسفلد نیز در گزارش خود بدان اشاره ننموده است. چون راولینسون (راویلسن) ردّ را بجای رودبار سیروان اشتباهی گرفته نتوانسته جای آن را پیدا کند در خصوص مرگ مهدی اختلاف نظر هست طبری، درگذشت وی را وی را در ماسبدان در دهکده ای بنام «رد» مسعودی در کتاب مروج الذهب نوشته خلیفه به قصد «اذیوجان» و «سیروان» عزیزمت نموده و در «ردین» وفات کرده است. (مسعودی، ۱۳۷۰، ۲۲۵)

طبری نسبت به آنچه در «تنبیه» مسعودی ذکر شده منطقی تر است و می گوید «مهدی» در الرذ و «الرق» درگذشته که با نام الرذ و البراوا مطابقت دارد. (ابودلف، ۱۳۴۲، ۱۲۱) یاقوت (ج ۲ ص ۶۳۲، تحت عنوان ده بالا می نویسد: در مجاورت «ماذبذان» در ناحیه الجبل» نزدیک «بند نیجین» واقع است و در آنجا قبر خلیفه «المهدی» و قتلگاه او (مشهد) قرار دارد و عده ای خدام (قوام) وابسته بدانند و مقرری (جزیه) دریافت می کنند در سال ۱۶۸/م ۵۶۴هـ «المسترشد» بقعه را توسعه داد و پول زیادی میان ساکنین آنجا پخش نمود» ده بالا واقع در لرستان غربی (پشتکوه) در سر دامنه غربی کوه مانشت که ارتفاع ۸۶۹۹ پا و ۳ رودخانه از آنجا سرچشمه می گیرد.

۱- رودخانه صیمره (کرخه) به شرق جریان دارد

۲- رودخانه ایوان به شمال جاری بعد به غرب دور زده به مندلی (بند نیجین)

مشروب می کند.

۳- غرب رودخانه تورسوق در عراق نامیده می شود.

۴- رودخانه گنجان چم به طرف جنوب و جلگه زربتیه در عراق مشروب می سازد.

طبری آورده عمرضرا بن خطاب را سوی آخرین فرزندهرمز فرستادسیروان را

گشودو ابن هذیل فرماندهی آنجا را به عهده گرفت(طبری، ۱۳۶۲ریال ۱۸۴)

در فتوح البلدان نیز آمده است: ابوموسی اشعری از نهاوند روانه شد. دینور گفت

جزیه و خراج از آنها گرفت و تسلیم شدند و به ماسبزان رفت مردم آنجا را به صلح فتح

کرد جزیه و خراج پرداخته و برخی گویند ابوموسی ماسبزان را پیش از نهاوند گشود و

پس از آن سائب بن اقرع ثقفی را به صیمره پایتخت مهرجانقذق فرستاد. (بلاذری ، ۱۳۶۴ ،

۱۲۵)

در مروح الذهب آمده است: علی بن یقطین گوید با مهدی در ماسبزان بودیم که

مهدی خوابی را می بیند و به تعریف فوت حاکم مردم می پردازد و بعد از ده روز همانجا

فوت می کند.(مسعودی ، ۱۳۷۰ ، ۲۹۷) همچنین آمده مهدی بن محمد بن عبدالله بن

محمدابن علی بن عبدالله بن عباس با کنیه ابو عبدالله در سال صد و بیست و هفت متولد و

سال صد و شصت و نه از مدینه به قصرقرما سین دینور رهسپار می شود بخاطر هوای

خوش ماسبزان و سیروان راه کج می کند و در دهکده ردین شب پنج شنبه محرم ۱۶۹

درگذشت(همان، ۳۱۳).

در التنبیه والاشراف آمده : مسعودی آورده است: رمضان سال ۳۴۴ از بالای مناره

زلزله ای در مصر و دیار شام و مغرب رخ داد و ویرانی گرفت و ما در فسطاط بودیم که

نیم ساعت طول کشید در نیمه روز شب هیجدهم آخر ماه سریانی و روز نهم دیمه پارس

نزد یار صیمرهاز ولایت مهرگان قذق و ماه سبزان از سرزمین جبال در دامنه کوهی به نام

کبر و شهر انطاکیه از ولایت قنسرین و عواصم شام (مسعودی، ۱۹۷۰ ، ۴۸) همچنین زلزله

ای مشابه این زلزله در سال ۲۵۵ هـ ق روی داده است اما قدرت تخریب آن همچون زلزله

سال ۳۴۴ نبوده است چرا که پس از آن این منطقه (اریوحان) دارای موقعیت مناسب چون

گذشته بوده است و به این نتیجه می توان رسید که خطر زلزله منطقه صحت بیشتری دارد تا ویرانگری شهر توسط حسنویه کرد.

در فتوح البلدان بلاذری آمده که منصور در مدینه به سوی مکه رهسپار شد آنجا درگذشت و مهدی هنگامیکه به ماه سبذان رفت درگذشت و چون به مدینه می آمد در قصرهایی که خود بنا کرده بود فرود می آمد پس از وی موسی بن مهدی (هادی) در آن منزل گزید و درگذشت و هارون بن مهدی در آنجا جای گرفت (بلاذری، ۱۳۶۴، ۱۰۵-۱۰۴). بلاذری آورده است که یزید پسر معاویه ولایت ماسبذان و مهرجانقذق حلوان و دینور و نهاوند (= ماه بصره و ماه کوفه) و در جبل زمینهای اقطاع به او داد.

## بخش اول: اریوجان

### ۲-۴ اریوجان از دیدگاه مورخان اسلامی

ابتدا از نگاه مورخان اسلامی و باستان شناسان به موقعیت و گذشته منطقه و تطبیق آن با شهر امروزی می پردازیم.

منطقه ایوان امروزی قدمت دیرینه ای در تاریخ باستان دارد وجود کوه ها که همانند سد دفاعی آن را دربر گرفته است. راههای ارتباطی آن همان جاده هایی هستند که در دنیای باستان وسیله عبور و مرور بوده اند احتمالاً مسیری که بصورت سنگ فرش در منطقه نرگسی دیده می شود دلیل بر محل عبور ارابه و وسایل نقلیه در دوره های گذشته باستان بوده است ( که سنگ است).

راولینسون مستشرق انگلیسی از وجود جاده ای که هم اکنون از تنگ گرمه به دشت گیلان غرب می رود سخن گفته است و منطقه ماه سبذان را ناحیه ای معرفی کرده اند از جلگه ی ایوان ، که امتداد کوههای زاگرس تا حدود سوزیانا(شوش) دربر گرفته است. که از راههای ارتباطی مهم باستان بوده است. دیو دروس در توصیف آن نوشته « یک جاده شاهی است که امتداد کوهها از سوزیانا(شوش) به ماد کشیده شده است که در معرض گرما قرار

دارد و بسیار پرپیچ و خم و در حدود ۴۰ منزل است اما بسیار خوب ساخته شده است و از نظر تهیه آذوقه مناسب است.» استرابون از آن به عنوان خط ارتباطی مهم که از ماساباتیس (مسبیتس) در امتداد نواحی جبال زاگرس به طرف شوش پیش می رود یاد کرده و بالاخره پلینی درباره آن می گوید: « بارزترین ، وسیع ترین و راحت ترین راه از شوش به بلخ از ایالت مزوبتن (مزوباتن) می گذرد». (راولینسون، ۱۳۶۲، ۴۶-۴۵)

راولینسون در جای دیگری می گوید: «جاده ای که از ماه سبدان عبور می کرد نه تنها کوتاهتر بلکه هموارکنندمی گردید»(همان ، ۴۶) مسبعربن مهلهل از شهری به اسم اریوجان اسم می برد و اظهار می دارد اریوجان درختان ، کوهها، چشمه های گوگردی دارد و سرچشمه آب گرم دارد. ابن الفقیه: نزدیک ماسبدان از دهات طرهان اسم می برد و مسعودی می گوید: « ماسبدان چشمه های گرم و کوه آتش فشان دارد و باز از رذ صحبت می دارد و گوید رذ شهری است که مهدی خلیفه در شکارگاه ازاسب بزیرافتاد در نتیجه اصابت سنگی بر سرش فوت شد هارون الرشید آن ملک را وقف پدر کرد. مسعر گوید دویست سال بعد که من آنجا آمدم از آن شهر نشانه ای نیافتم یاقوت گوید: مهرجان کذک و صیمره یکی هستند و باز گوید از همه ملک ساسانیان مردم ، شیروان خوب بود ند پشتکوه و پیشکوه دو مرکز مهم و دو پایتخت داشته اند یکی به اسم شیروان و دیگری بنام دره شهر و این خرابه ها اکنون شباهت بسیاری به هم دارند و در قدیم الایام هم بی شباهت به هم نبوده اند. همانطور که امروزه پیشکوه از پیشکوه به مناسبت سرحد و همجواری با عراق مهمتر است در قدیم هم پشتکوه مهمتر بوده و شیروان اهمیت بیشتری از دره شهر داشته است .

آمده است «خرابه های شیروان و دره شهر بی شباهت به خرابه های منجیق نیست و مخصوصاً قصر وسط عمارت و آبادی شهر شیروان بقصر تنک مالیون ، شباهت تام و تمامی دارد». (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۹)



اریوجان بر اساس سفرنامه ابودلف: ابودلف با سفر از طرز که در میان راه «کرنند» و هارون آباد (اسلام آباد) واقع بوده است. یک راه طولانی را بسوی دره «صیمره» دور می زند رودخانه عظیم آنجا «کرخه» از حوض وسیعی که از نواحی جنوبی «همدان» تا «کرنند» امتداد دارد و آب می گیرد. ابودلف بجای اینکه امتداد رودخانه «کرنند» را دنبال کند، رودخانه فرعی «صیمره» را بریده و از دره رودخانه «مندلی» (بنام «گنجیر» یا «سومار»)، که بطرف رود دجله جاری است، سر در می آورد. ابودلف این مکان را با «دره ایوان» که در یکی از سرچشمه های «گنجیر» و در سر راه حوض «صیمره» واقع است یکی دانسته است و دلیلش را احتمال می دهد اتصال دره ایوان به صیمره می داند (ابودلف، ۱۳۴۲، ۱۲۱).

یاقوت که به ابودلف استناد کرده قرائت «اریوجان» مشکوک است (حموی، ج ۱، ۲۳۰) و در جای دیگر (حموی، ج ۱، ۶۰) به دهکده ای نزدیک «نهایند» بنام «اذیوخان» (شاید «اذیوخان») اشاره می کند و ستفند شباهت این دو نام را تذکر داده اریوجان را اذیوخان خوانده شود. نام آن جای فارسی جدید «ایوان» را می گیرد. (همان، ۱۲۲) در زمان انوشیروان پسر قباد، ایالت ماه سبدان و ... جزء استان قهستان بوده است. اریوحان همانند ماه سبدان با عناوینی چون اریوخان، اریوجان، ادیوچان، ادیوجان آمده است. مناطق حوزه اریوحان شامل سومار، چوار، بولی، ایلام کنونی، ... در شمال این شهر کوههای بانکول و در جنوب کوههای مانشت اطرافش را محصور کردند. رودخانه گنجیر از جنوب آن می گذرد که جهانگردان و مورخان از آن یاد کرده اند این رودخانه شهر را به دو نصف کرده است خرابه هایی از این شهر بجا مانده است مرکز قدرت این ایالت قلعه شمیران و تالار بزرگی که در مابین دو روستای سرتنگ می باشد، قرار داشته است اکثر نویسندگان مرکز اریوحان را دشت ایوان دانسته اند.

## ۴-۲-۱- وجه تسمیه ایوان

ایوان محل سکونت انسانهای زیادی در طول تاریخ می باشد و از زمانهای باستان تا حال به اسامی مختلفی مشهور بوده است.

راولینسون در سفرنامه خود در مورد ایوان چنین می نویسد:

« چنین بنظر می رسد که جلگه آریوخ قدیمی ترین نام برای منطقه ایوان بوده که عیلامیها به کمک پادشاه آشور به نینوا شتافتند. تا قبل از قرن سیزدهم میلادی اینجا ایوان منبه نام اریوجان شهرت داشته است. و ... بنیامین تودله از این منطقه (ایوان) به عنوان «ارین» یاد می کند. به نظر می رسد پیش از حمله اسکندر نام اریوخ به سبد **sabad** که جمع آن سبدان **sabadan** تغییر نموده است که با پیشوند ماه و به صورت ماه سبد و یا ماه سبدان درآمده است و از وجود ۲۰ هزار یهودی خبر می دهد. (راولینسون، ۱۳۶۲، ۴۳)

ابودلف در سفرنامه خود می نویسد: از «طرز» به سوی راست به ماسبدان و مهرجانقذق می روند. که شامل شهرهای متعددی از جمله «اریوحان» است این شهر، در دشتی میان کوههای پر از درخت واقع است و آب آن به «بندنیجین» (مندلی) می ریزد. از انتها رودخانه ای که به آب مندلی می ریزد آب رودخانه گنگیر است که از ایوان سرچشمه می گیرد پس طبق نظر ابودلف این منطقه اریوحان نام داشته است و قبل از ورود رضا خان به ایوان این منطقه (=شهر ایوان) جوی دزد (=جوزر) نامیده می شد و هنگام ورود رضا خان به ایوان نام «جوی زر» را برای مرکز شهر انتخاب کرد و بعد به نام «باغ شاه» معروف گردید آنگاه دوباره لفظ ایوان بر مرکز شهر اطلاق گردید. و اکنون به عنوان شهرستان ایوان یکی از شهرستانهای استان ایلام می باشد و از نظر لغوی، طاق، خانه، درگاه، نشستگاه پادشاه آمده است. شکل (۴-۱) البته با توجه به سه خصوصیت مسافت راه تا مندلی و چشمه های آب معدنی خاص و آتش نشانی و با توجه به اسناد تاریخی از جمله به نقل قول از ابودلف و وجود رودخانه چوار به مندلی می تواند دلایل اثبات چکر بولی به عنوان منطقه اریوجان باشد. آثار خرابه های شهر قدیمی در ایوان دیده می شود که بعلت آتش سوزی مهیبی از بین رفته است این شهر در روستای اسماعیلی در کنار رودخانه گنگیر و در میان مزارع کشاورزی حدود ۲۰ هکتار دربرگرفته است ساختمان آن از سنگ و ساروج ساخته

شده اند دیوار بعضی هنوز نمایان است شهر با لوله کشی آب با سفال تنوشه داشته و کوچه های آن سنگفرش بوده است

## ۴-۲-۲ حدود و مسافت اریوجان در دوران اسلامی

حمید ایزدپناه در کتاب آثار باستانی لرستان آورده است که: «ابودلف در سال ۱۳۴۱ هـ ق که از حلوان به این مسیر به سفر خود ادامه داده است در سفرنامه خود چنین می نویسد: اریوجان (گنگیر) این شهر زیبا، در دشت میان کوههای پر از درخت واقع است و آب آن به «بند نیچین» (مندلی) می ریزد از اریوجان تا «رذ» و «براو» چند فرسخ است پس از آنجا به سیروان می ریزد و آنگاه به سیمره می ریزد». (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۵۸-۵۱)

بنابراین چون تنها رودخانه ای که آب آن به مندلی می ریزد رودخانه گنگیر است و از ایوان سرچشمه می گیرد و پس از عبور از دشت ایوان به سومار و از آنجا به مندلی جریان می یابد، شهر اریوجان با ایوان می تواند مطابقت داشته باشد.

در ۸ کیلومتری تپه باستانی زرنه خرابه های شهر بزرگی وجود دارد که با زمین هم سطح شده است. در این رابطه راولینسون می گوید: «سه یا چهار ساختمان مجزا که از بقیه سالمتر هستند در حوالی تپه دیده می شوند که شامل تعداد زیادی راهروهای تنگ و گنبدی شکل اند و به نظر می رسد که در عصر شاهان ساسانی محل سکونت بوده اند این بناها از نظر سبک معماری با خرابه های قصرشیرین یکسان بوده و در یکی از ساختمانهای آن مقدار زیادی آجر از عهد کیانیان پیدا شده است (راولینسون، ۱۳۶۴، ۲۰۵).

ماسبندان از دیدگاه قزوینی: « شهری است در نزدیکی سیروان که درخت و آبهای گرم و معدن کبریت و زاج در آنجا می باشد و بورق و نمک نیز در آنجا بسیار است چشمه هایی در آنجا می باشد که اگر آب آن را بخورند قی شدید حاصل شود و ..... » (قزوینی،

۱۳۷۳، ۳۱۷)

در باب ماسبذان نیز ابن فقیه آورده است که : «قباد سیزده جا را پرنزهدت تراز جاهای دیگر بازیافت از جمله ماسبذان و مهرجانقذق نهاوند طول آن سه فرسنگ و نود و سه دهکده پیوسته با باغهای منظم شهرهای جاری گیاه زعفران، انگور، انار، گردو، بادام، سیب، امرود و ... (ابن فقیه، ۱۳۴۹، ۶۱). در باب جبل آورده این ناحیه که شهرهای پهلویان نامند که شامل همدان ماسبذان و مهرجانقذق که (صیمره) است. ماه بصره (نهاوند) ماه کوفه (دینور) کرمانشاهان، قم، صیمره، دودژ (الحصنان) دارد. (ابن فقیه، ۱۳۴۹، ۲۳۰۴۹)

ابن حوقل می نویسد: «صیمره و سیروان دو شهر کوچک اند آنها مانند شهرهای موصل و تکریت اغلب با گچ و سنگ و میوه بسیار و گردو و دستبویه و محصولات نواحی سردسیر و گرمسیر و آبها درختان و کشتهای بسیار دارند این دو شهر جایی باصفا هستند و در خانه ها و کوی های آنها آب جریان می کند. (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۱۱۲) نقشه (۱-۴)

در معجم البلدان این گونه ماسبذان را معرفی می کند : بفتح سین و باء و ذال اصل آن را ماه سبذان بعد از فتح حلوان خبر می رسد که آذین در سرزمین فارس خروج می کند از کوه بسوی دشت و خبر آن به سعد بن ابی وقاص می رسد وی همه سپاهی به فرماندهی ضرار بن خطاب فهری در سال ۱۶ و آذین کشته می شود و سپاهیانش اسیر و سرزمینهایش تصرف ماسبذان بعد از آن زلزله به خاک می روند. (حموی، ۱۳۷۶، ۱۷)

مسعر بن مهلهل می گفت خارج شدیم از مرج القلعه بسوی طرز و از آنجا به سمت راست ماسبذان و مهرجانقذق آنجا شهرهایی دارد از جمله اریوجان که شهری زیبا در بین کوهها در دشتی از درختان زیاد که دارای حمات گوگرد، زاج، بوارق، نمک ها و آب هایی که از آن خارج می شود بسوی بندنیجین که درختان خرما با آن آبیاری می شوند. این آب برای انسان زیان آوراست موجب اسهال و ضرر اعصاب می شود و از این شهر بسوی رَدّ چند فرسخ است و در آنجا قبر مهدی است و اثری از آن نیست جز ساختمانی که نقش

هایش برجاست پس خارج می شویم از آن بسوی سیروان که آثار زیبایی دارد و از آنجا به صیمره. (حموی، ۱۳۷۶، ۴۱)

فریا استارک از منطقه دیدن کرده آورده است: «از منطقه بان پرور این راه به دو شاخه تقسیم می شود، یکی راه غربی است که از معبر کوهستانی یک کوه (میمه راه) می گذرد و به سمت بین النهرین امتداد می یابد و دیگری را جنوب شرقی است که از دامنه ی کبیرکوه از طریق پشته های کبیرکوه مسیری را طی نمود و به شهر باستانی صیمره متصل می گردد.»

در این رابطه ایزدپناه می نویسد: «راه غرب به شرق در ایالت ماسبذان دو شعبه می شده است راه شمالی به حلوان و راه شرق به شیروان منتهی گردیده است. از شیروان این راه بر دو شعبه می شده:

۱- راهی که به ولایت مهرجانقذق و مرکز آن شهر صیمره یا دره شهر فعلی می رفت (غرب رودخانه صیمره)

۲- شعبه ی دوم از شیروان به سمت شرق و به جانب طرحان جدا می گردید (شرق رودخانه ی صیمره) این راه نیز از چرداول و بیژنوند (بیجنوند) و پل چهار چشمه ای که در عهد ساسانیان بر روی صیمره ساخته شده... عبور می کرده و به طرحان منتهی می شده است. (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۵۸)

بنظر آقای اشتاین این پل که دو طاق آن باقی مانده واسطه و رابطه ی بین سرطرحان و هلیلان بوده و ارتباط دهنده ی استانهای لرستان و کرمانشاه است.

ابن حوقل در سفرنامه خود می نویسد: «از دینور تا صیمره ۵ منزل و از دینور تا شیروان ۴ منزل و از شیروان تا صیمره یک روز ...» (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۳۰)

## بخش دوم : سیروان

### ۴-۵ موقعیت جغرافیایی سیروان (شیروان)

شیروان در دشت میان کوهی بنامهای لنه و چرمین که در شهرستان شیروان و

چرداول را از هم جدا می کند مهمترین رودخانه آن که هم مرز لرستان است صیمره می باشد. و روستای سراب کلان در دامنه های شرقی کوههای مانشت و سیوان قرار دارد از شمال به روستای حسن گاوداری و مله ماران، از جنوب به کوه سیوان، از غرب به گردنه ی مله گون از شرق به روستای کرنی و گوراب دو قلعه ی قلازنگ و سیران در جنوب غربی آن و مله گون بصورت یک بریدگی در حد فاصل این دو قلعه مهمترین معبر غربی شیروان است به سمت ایلام و حاشیه غربی زاگرس است مهمترین قلعه ی سنگی شیروان در گردنه ی مله گون از ادوار گذشته که یک قلعه نگهبانی است قلعه ی « هیزدر» می باشد و رودخانه ای که از سراب کلان سرچشمه می گیرد که پس از طی مسافتی حدود ۷ کیلومتر به رودخانه صیمره می پیوندد که منطقه را کاملاً حاصلخیز نموده است. (محمودیان، ۱۳۸۴، ۴۵)

#### ۴-۳-۱ سبک معماری شیروان

بنا به بررسیهای باستان شناسان آثار شهر شیروان : یک بنای دو طبقه از سنگ کلوخ و گچ و بناهای متعدد دیگر که در سالهای ۱۳۱۰ سالم بوده اند این ساختمان با ۲۰ پله به طبقه زیرین بوده که امروزه یکی از ساختمانهای ۲ طبقه امروزه سالم باقی مانده ساختمان از سنگ و گچ و طاق قوسی همراه با چهار ورودی و خروجی وضعیت معماری آن نامشخص است عرض دیوار ساختمان اصلی ۱/۵ متر طاقهای قوسی دارد اطاقها با ارتفاع ۱/۵ متر دیوار جانبی شروع شده سبک طاقها یکسان می باشد در فاصله ۱/۵ کیلومتری سراب کلان تل شیروان به ادوار قدیمی تر است و در فاصله ۱۰۰ کیلومتری بنای دو طبقه خانه با چهار اطاق منطقه در کتر هم در ابعاد ۸×۲ متر اطاق ها قوسی از سنگ کلوخ و گچ که با سبک معماری صیمره یکسان است که قابل مقایسه با قلعه یزدگرد دوره اشکانی است. (محمودیان، ۱۳۷۹، ۷۹)

ابن حوقل می نویسد: « شیروان شهری است کوچک که بناهای آن مانند موصل و تکریت با سنگ و گچ ساخته شده است» و مؤلف حدودالعالم آن را آباد و خرم معرفی

کرده است دموورگان می گوید: « من فکر می کنم در تپه و تل شیروان خرابه های شهری از عهد ساسانیان را بازیافته ام و علت اولیه ی تاسیس آن را چشمه پرآب به نام سراب کلان معرفی کرده است وی در سالهای ۱۸۹۳-۱۸۹۶ دره شهر و شیروان را بررسی نموده است از مورخان اسلامی که از شیروان سخن رانده اند می توان از مقدسی، ابن خردادبه، ابن فقیه، ابودلف، مسعر، یاقوت، اصطخری ابن واضح و ابن اثیر نام برد.

سراورل استین در شیروان ویرانه های ساختمانهای دیگری از عهد ساسانیان کشف نمود. (واندنبرگ، ۱۳۴۸، ۹۶) بهمن کریمی در مسیر سفر سراورل استین از مناطق غرب کشور و دیدن کرده اند و در رابطه با شیروان آورده است « آبادی و خرابه های این شهر از گچ و سنگ متعلق به دوره ی ساسانیان و عیناً نظیر دره شهر است و آن را شهر عجیب و حالیه خرابه های به جا مانده است. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۷)

با توجه به آثار بجا مانده و با توجه به سخن سیاحان و مورخان و تطبیق آن با وضعیت فعلی شیروان قابل مقایسه است وجود آثار و بناها در طول دره سراب کلان و حاشیه رود شیروان و تل توپره ریز و ورودی دره و بناهای دو طبقه با طاقهای قوسی بر مصالح بکار رفته قابل تطبیق است.

#### **۲-۳-۴ راه ارتباطی شیروان به صیمره در قرون اولیه اسلامی**

یک راه باستانی در حاشیه ی رودهای شیروان و صیمره در جهت غرب به شرق به سمت روستای رودبار غرب امتداد دارد این راه از نواحی بوربور، شوراب خانعلی، ورگچ، سرکان، سیاه سیاه، چم گرداب، ظهیری و چم جنگل می گذرد و سپس به چم ریته و چم شیر رودبار در کنار صیمره می پیوندند به گفته ی اهالی منطقه روستای چم شیر بنای از سنگ و گچ در این محل در کنار صیمره وجود داشته احتمال داده اند پل باشد که این محوطه را به منطقه طرحان در شرق وصل نموده که بعلت تغییر مسیر رودخانه و فرسایش اثری از آن بنا بجا نمانده است.

راولینسون مسیر شیروان به رودبار پیموده می نویسد: «... در این جا آثار شهری نسبتاً بزرگ موسوم به رودبار که شباهت بزرگی به شیروان دارد یافت می شود. احتمالاً همان شهر «رودبار» است که بنیامین تودله از آن نام برده و یادآور شده که ۲۰۰۰۰ خانوادگی یهودی در آن سکونت داشته اند» وی هم به راه رودبار به طرف بان پرور ولارت اشاره دارد و می نویسد: «به نظر من راه شیروان به لارت یکی از دشوارترین گذرگاه ها بین کوههای زاگرس و جلگه ی سوسیان است اما با این حال عبور کالسکه از آن امکان پذیر است. (راولینسون، ۱۳۶۴، ۶۲-۶۰)

سیروان از دیدگاه مورخان اسلامی (به کسر سین، سکون یاء، فتح راء) اینگونه آمده است:

احمدبن ابی یعقوب کاتب گوید: شیروان را ماسبذان نیز می گویند ماسبذان با فتح میم و فتح همه آن شهری است کهن در میان کوهها و دره ها ساخته شده از این حیث مانند کله است آب چشمه هایش از میان شهر می گذرد هم او گوید: میان شیروان و صیمره دو مرحله است در «المشترک» آمده است که: شیروان کوره ای است به بلاد جبل و آن همان کوره ماسبذان است و نیز گویند که شیروان نیز از قراء نسف است و نیز موضعی است نزدیک به ری است. (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۴۷۹)

صیمره و شیروان میوه گرمسیری و سردسیری دارند آب روان در خانه هایشان می رود و در همه کوهستان هیچ دریا نیست و کوههای بسیار است و از حد شهر زور تا حلوان تا صیمره و شیروان تالور تا حد سپاهان و تا حد شاپرخواست و از آنجا بازگردد و به قاشان و همدان بازآید و تا حدود آذربایجان همه کوهستان است. (اصطخری، ۱۳۴۷، ۱۶۵-۱۶۶) (شکل ۴-۲)

### ۳-۳-۴ پل شیروان

در مدخل غربی روستای سراب کلان در کنار پل جدید، آثار پل قدیمی شیروان دیده می شود این پل از سنگ و گچ ساخته شده بر روی آبکنه غربی روستا ایجاد شده احتمالاً



آغاز مسیر راه شیروان به سمت گردنه ی مله گون و حاشیه ی غربی زاگرس بوده است.  
(محمودیان، ۱۳۸۴، ۴۹)

## ۴-۳-۴ مقایسه معماری شهر شیروان با دیگر بناهای تاریخی ساسانی و

### اسلامی

سبک معماری شیروان با مجموعه شهر باستانی صیمره و قلعه های پشته های کبیرکوه از جمله قلعه ی شیخ مکان و بهرام چوبین و پل آب برده در نزدیکی دره شهر قابل مقایسه است یک بنا، نوع طاق و نوع مصالح آنها تقریباً مانند هم هستند تمامی بناهای دره شهر (صیمره) از قلوه سنگ رودخانه ای ساخته شده اکثر خیابانها منظم و شهری است با قصر و کاروانسرا و..... می باشد.

دمورگان در باره صیمره می نویسد: «خانه ها مرکب از یک طبقه ی هم سطح زمین، طاق داری با گچ اندود قلوه سنگ بناهای صیمره از کناره های رود سمیره از نوع قلوه سنگ که در ساختمان شیروان مورد استفاده قرار گرفته گچ مورد استفاده در شهرهای شیروان و صیمره از کوهها و تپه های اطراف حاصل شده است سقف های بنای هر دو شهر یاد شده از قلوه سنگ و ملات گچ به صورت گچبری درآمده و با طاقهای هلالی ساخته شده است.

سیف الله کامبخش فرد در رابطه با صیمره آورده است: «در حال حاضر نشانه هایی از قوس ها و انحناهای طاق و نیز سایه روشن هایی از عوارض خیابان بندی و کوچه و سیستم شبکه ی ارتباط شهری مشهود است در خیلی موارد طاق جناقی که حاکی از تغییرات معماری از ساسانی به اسلامی این وضعیت و سبک معماری شیروان نیز مداخله می شود که یک بنای سنگی در مسیر راه شیروان به سمت غرب در محل گردنه ی مله گون مشرف به شیروان یک بنای سنگی دیده می شود که احتمالاً بعنوان یک محل دیده بانی و حفاظتی مورد استفاده قرار می گرفته. که همین وضعیت در ارتفاعات دامنه ی

کبیرکوه در جنوب شهر دره شهر ملاحظه می کنیم که همان کاربرد حفاظتی و نگهبانی را از شهر دارد. ( کامبخش فرد ، ۲۵۱، ۱۳۸۰)

بطور کلی از مقایسه شهر باستانی صیمره با شیروان می توان گفت هر دو شهر در یک دوره ساسانی و اسلامی مورد استفاده قرار گرفتند و مورخان سیاحان از هر دو شهر به فراوانی سخن رانده اند و دیگر اینکه شهر مهم و از مراکز تجمعی بوده و سبک معماری هر دو شهر تقریباً همانند هم هستند و در یک عصر مورد استفاده بودند . از نظر سبک معماری، بخصوص طاقهای هلالی و نوع مصالح قابل مقایسه اند شرایط طبیعی و اقلیمی شیروان باعث شده تا قرن پنجم از مراکز تمدنی محسوب شود.

لسترنج در تکمیل این شباهتها مطالبی از خود و دیگر مورخان اسلامی آورده است که : « در باختر لر کوچک در مرز باختری عراق عرب دو ولایت ماسبذان و مهرجانقذق قرار دارد که مهمترین شهرهای آنها شیروان و صیمره بوده که خرابه های آن هنوز پابرجاست ماسبذان امروزه در جنوب صحرای ماهیدشت است وی شیروان را از نظر دیگر مورخان آورده ابن حوقل آن را شهری کوچک که غالب ابنیه اش از گچ و سنگ بوده و مانند موصل میوه فراوان و بادام ، دستنبو داشته محصولات سردسیری و گرمسیری داشته . قزوینی از گوگرد و زاج و بوده و نمک ماسبذان گفته در پنجاه میلی خاوری ماسبذان، صیمره که با شیروان بی شباهت نیست قرار داشته و مدت زمانی پس از خراب شدن شیروان شهری آباد و بهتر از شیروان ولایت مهرجانقذق محیط بر صیمره در قرن چهارم بکثرت نعمت شهر داشت.

مقدسی به بزرگی و آبادی آن اشاره کرده یاقوت نیز از نخل و زیتون و پل عجیب و شگفت انگیز دو برابر خانقین که بین حلوان و خانقین است گفته است حمداله مستوفی: صیمره شهری نیک بوده و اکنون خرابست در همه کوهستان غیر از آنجا خرما نباشد. (لسترنج، ۱۳۷۷، ۲۱۸)

### ۴-۳-۵ شهر باستانی سیروان (شیروان) در عصر ساسانی و قرون اولیه اسلامی

براساس نظر مورخان و باستان شناسان ویرانه های شهر باستانی سیروان واقع در سراب کلان، روستایی در شیروان چرداول از توابع استان ایلام که در گذشته مرکز ماسبدان بوده است بعضی از اتاقهای بنا در سالهای اخیر ویران شده است آنچه از این بنا جالب توجه است بناهای دو طبقه و اتاقهای تودرتو و دیوارهای سنگی مستحکم و اتاقهای قوسی که سبک معماری شهر باستانی صیمره (دره شهر) قابل مقایسه هستند بطوریکه لسترنج آورده است که: «در باختر لر کوچک در مرز باختری عراق عرب دو ولایت ماسبدان و مهرجانقذق قرار دارد که مهمترین آنها «سیروان» و «صیمره» بوده و هنوز خرابه های آن دو شهر باقی است. (لسترنج، ۱۳۷۷، ۲۱۸)

راولینسون در رابطه با شهر سیروان می نویسد: «خرابه های سیروان (شیروان) کامل ترین بازمانده ی یک شهر ساسانی به شمار می آید. دیوار منازل عموماً عظیم و از سنگ و مخلوط آهکی فوق العاده محکم که از کوههای مجاور آورده شده، ساخته شده اند در تمام منازل زیرزمینی دارند که آن هم شامل اتاقهای هلالی مانند است. در میان خرابه های سیروان بازمانده های بنایی عظیم موسوم به قصر از شیروان مشاهده می گردد. (راولینسون، ۱۳۶۴، ۵۶)

### ۴-۳-۶ ذکر مسافتات سیروان تا صیمره

اصطخری در ذکر بلاد و شهرهای جبال صیمره و سیروان را نیز افزوده است که دارای میوه های گرمسیری و سردسیری دارند آب روان رودخانه های ایشان می رود همچنین اصطخری درباره ذکر مسافتات از دینور تا صیمره پنج مرحله از دینور تا سیروان چهار فرسنگ از سیروان تا صیمره یک روز راه از همدان تا دینور بیست و اند فرسنگ از دینور تا شهر زور چهار مرحله از حلوان تا شهر زور چهار مرحله ذکر کرده است. (اصطخری، ۱۳۶۸، ۱۶۵-۱۶۴)

وی همچنین در ذکر مسافتات عراق عرب آورده است که از تکریت تا کنار دریا بر روی مشرق مقوس یک ماهه راه و از بغداد تا سامره سه مرحله از سامره تا تکریت دو مرحله از بغداد تا کوچه چهار مرحله از کوفه تا قادسیه یک مرحله از بغداد تا واسط هشت مرحله از بغداد تا حلوان شش مرحله و از حدود صیمره و سیروان هم این قدر (۶ مرحله) و از حلوان تا قادسیه یازده مرحله. (اصطخری، ۱۳۶۸، ۸۱)

در باب ذکر حدود خوزستان آورده است: حدود خوزستان حد پارس و سپاهان است و حد شمالی آن حد صیمره و کرخه ولور تا به حدود جبال پیوندد حد خوزستان سوی پارس و سپاهان و حدود جبال و واسط بر یک حد مستقیم است. (اصطخری، ۱۳۶۸، ۸۹؛ ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۱۳۵۴)

#### ۷-۳-۴ سیروان از نظر مورخان اسلامی و باستان شناسان

مقدسی در رابطه با صیمره و سیروان آورده است که: قباد پسر فیروز سرزمین خود را از بهترین زمین یافت و از عراق شروع می شود که ناف زمین هاست دلگشادترین آنها سیزده جاست از جمله سیروان، مهرجان، قذق (مهرگان کدک)، قرماسین (غرب کرمانشاه) و باخیزترین آنها بندنیجین و ... قحط زده ترین ..... باکسایا، ماسبذان بخیل ترین طبق نظر ابن فقیه نه شهر که از جمله آنها ماسبذان خرمندترین مردمان در هفت شهر از جمله ماسبذان و مهرجانقذق سبک ترین آنها در ده جا دید: از جمله ماسبذان فریبکارترین ماسبذان و مهرجان قذق و ... بهترین میوه از جمله ماسبذان کوتاه بین ترین ماسبذان (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۷۵-۳۷۲)

مقدسی از سیروان گفته است که: «بکسراول، سرزمینی است کوهستانی و آن سرزمین ماسبذان است بلکه آن چسبیده به ماسبذان که به رهبری آذین بن هرمزان بر علیه سپاه اسلام قیام می کنند سعدبن ابی وقاص نیز از فتح حلوان نیروهای آذین که از کوه به

دشت وارد شده بودند سپاهی به رهبری ضرابن خطاب فهری بر آنها پیروز شدند و روان شدند بسوی سیروان و آن روز ماسبذان زیر خاکستر رفت (مقدسی، ۱۳۶۱، ۲۹۶).

از ابی منذر هشام بن سائب به ما رسید که او گفت قتیبه بن مسلم فیروزبن کسری را شکست داد و گشود سرزمینها قبادبن فیروز ۱۳ جایگاه را برای خودیافت که از میان آنها ماسبذان و مهرجانقذق و قرماسین، و بر نهاوند دست یافت وبا در سرزمین بندنیجین و قحطی را در ماسبذان آورده است (همان، ۲۰۹).

در اقلیم جبال چندین بار خسوف و زلزله در آن دیده شده و مناطقی که مشرف بر عراق هستند از مرز صیمره که دارای کوههای رنگارنگی است می باشد این سرزمین از ۳ شهر و ۷ ناحیه تشکیل شده از جمله اصفهان، همدان، و ری و ۷ ناحیه قم، کاشان، صیمره، کرج، ماه کوفه، ماه بصره، شهر زور. (همان ۲۹۵) و مقدسی ماسبذان را جزء سرزمین پهلویان یاد کرده است (همان، ۲۹۶).

سیراوند: شهریست کوهستانی با چشمه های زیاد و باغها و میوه هاو دینور همان ماه کوفه، ماسبذان بزرگ و آباد خیزشی زیاد روستاهایی به آن چسبیده در مناطق کوهستان. (همان، ۳۰۲)

شیروان همانند دره شهر از کوه مانشت که در جلوی کبیرکوه واقع است در آنطرف رودخانه صیمره واقع گشته که همانند دره شهر است آبادی آن از سنگ و گچ که قدمتش به دوره ساسانیان برمی گردد رودخانه شیروان را (مانند رودخانه شیخ مکان - دره شهر سیگان) تشکیل می دهد و به صیمره می ریزد. خرابه های این شهر نشان از شهری عجیب و زمینهای حاصلخیز که قصری در وسط داشته. راولینسون از پشت کوه به شیروان آمده این شهر را با رودخانه معروف به همان اسم دیده ولی چون با رودخانه صیمره سفر نکرده است ندانسته که رودخانه شیروان به صیمره می ریزد و این قسمت از نقشه او اشتباه است. کوه منشت در تابستان هم برف دارد و مایحتاج اهالی را کفایت می کند این نواحی (صیمره طرهان - رودبار) بجزر مشگان که گرمسیر است شیروان که در زمان اوایل اسلامی آباد بوده

این شهر عریض نبوده چرا که در تنگی واقع است ( آب شیروان پس از یکساعت به صیمره می ریزد. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۷)

ابن فقیه گوید: ماسبذان و مهرجان کذک (صیمره) هر دو یک حکومت دارند. یاقوت به نقل از ابودلف مسعربن مهلهل ینبوعی می گوید: درخت؛ در شیروان بسیار است شهری است دلچسب آب روان در میان خانه ها عبور می کند چشمه ها دارد ( این چشمه ها از کوه منشت سرچشمه می گیرند) خانه و خرابه های بسیار خوب صورت عجیب در شیروان یافت می شود و عجایب آثار. ابن الاثیر حالات قلعه شیروان می نویسد: وگوید شاه ملک الرحیم در شیروان بحبس افتاده است.

تل شیروان: تلهای قدیم از عهد ساسانیان در قسمت راست ساحل دره صیمره جایی که رودخانه از جنوب غربی به جنوب شرقی تمایل پیدا می کند. محل تقاطع پشتکوه و کبیرکوه واقع شده است. دموورگان در فاصله ۲۰۰۰ متری نزدیک آنجا یک شهر عیلامی موسوم به هاراداپانو تصور می کند. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۴۸).

**فصل پنجم**

**ایالت**

**مهر جانقدق**

**صیمره**

## ۵-۱ ایالت مهرجانقذق

در رابطه با لفظ مهرجان قذق تعاریف مختلفی آمده است اصل کلمه مهرگان کدک بوده که کدک به معنای ناحیه - مکان در زبان ارمنی به معنای استان می باشد عده ای تصور کردند بخاطر وجود جمعیت و مناطق دینی نسطوری در این منطقه یعنی خانه مهرک ها و با نام سریانی بت «مهرکایه» مرکز شهر صیمره در ارتباط می باشد از گفتار کولسنیکف برآمده است در صورتی که لفظ مهرگان یا مهرک برای منطقه صیمره اعمال نشده بلکه بنا بر گفته جغرافیایانویسان و مورخان اسلامی مهرگان کدک بوده که چون در زبان عربی گ به جیم و ک به ق تبدیل می شود مهرجانقذق آمده است یعقوبی مهرجانقذق را متعلق به سده سوم هجری در نزدیکتر صیمره می داند در اصل ارتباط با یکی از قبایل کرد دارد که محل اصلی آن صیمره است کردها در یکسری مناطق بودند هرمرزان یکی از خاندانهای ۷ گانه پارسی بود و قوم وی در مهرگان قذق بوده و ولایت اهواز بودند که کرد بودن این اقوام را به اثبات رساند و زبان آنها پهلو (که مردم ۵ ناحیه با آن سخن گفته اند نهایند، همدان، ماسبذان، صیمره و کرمانشاه) بوده است هرمرزان در پاسخ به عمر خود را از دودمان سرزمین مهرگان معرفی می کند که فرزندش آذین را در ماسبذان می فرستد برای مقابله به اعراب و فرزند دیگرش منوچهر را به حلوان عازم می کند. (عباسی، ۱۳۸۳، ۹۰-۸۷)

جدول ۵-۱)

مهرگان و ماسبذان یکی از مراکز مهم خرم دینان (پیروان مزدک و فرقه زرتشتیان) بوده است هنگامی که بابک در سال ۲۰۰ هـ ق شورش کرد و شورش وی ۲۰۰ سال طول کشید از این مناطق نیرو می گرفت و در سال ۲۱۸ هـ با لشکریان خلیفه المعتصم بالله عباسی در همدان گرد آمدند و شکست خوردند زمین لرزه ای در سال ۲۵۸ هـ روز شنبه و یکشنبه رخ داد و حدود ۲۰ هزار نفر منطقه بی مهرگان به کام مرگ کشاند که حیات اجتماعی آنها را از بین برد (طبری، ۱۳۶۸، ۶۴۳۲). مردم این نواحی آیین خرمدینی را رها



نکردند و مسلمان نشدند مقدسی می گوید: اینان به پیامبران بی گمانند، به دیه هاشان مسجد ندیدم با آنها مناظره کردم، گفتم شما که این آیین داری چرا مسلمانان به جنگ شما می آیند؟ گفتند مگر ما توحیدگر نیستیم؟ گفتم آری ولی شما فریضه پرودگار را ترک کرده. گفتند ما هر ساله مالیات به سلطان می دهیم! (مقدسی ، ۱۳۴۹ ، ۲۵) مردم این نواحی چون اعراب را در حکم فاتحان سرزمین های خودشان تصور می کردند، همواره با آنها درگیر و در حال جدال بودند؛ در جنگ علیه آنها شرکت می جستند و به هر کس که علیه خلفا شورش می کرد یاری می رساندند حتی خوارج هم که عرب بودند اما به لحاظ عقیدتی و سیاسی با حکومت خلفای اموی درگیری داشتند مدتی را در این ناحیه سپری کرده اند و مردم این ناحیه به آنها پناه داده و در جنگ با حکومت اموی به آنها یاری رسانده اند خوارجی که در ناحیه مهرگان بودند از فرقه ای از ارقه پیروان نافع بن ارزق بودند اقلیتی از آنها نیز به اسلام درآمده بودند.

## ۲-۵ مهرجانقذق از نظر مورخان و جغرافی نویسان اسلامی

جغرافیون عرب پشتکوه عموماً ماسبذان و پیشکوه و صیمره را خصوصاً مهرجان کذک نامیده اند این راه نیز شاهراه بین شوش - دزفول - کرمانشاه و ذهاب و خانیقین بوده است و عموم مسافرین به همین راه آمد و شد می کرده اند. مقدسی صیمره را مهرجان کذک می نامد اظهار می دارد زمینی بسیار وسیع و حاصلخیز و آباد بوده و در سال ۲۵۸ هجری در اثر زلزله ویران گشته و ۲۰ هزار تلفات داده است اصطخری این ملک را دیده و از راههای مشکل آن صحبت می دارد در زمان یاقوت این شهر بکلی خراب بوده ۰ دره شهر پایتخت مهرجان کذک است) یاقوت از پلی بین صیمره و طرهان اسم می برد و آن را از عجایب پلهای عالم می شمارد ( این پل چم آب برده است) از چم آب برده گردنه سختی و سپس سراسیمی به زمینی هموار به نام رمشکان قسمتی از طرهان است یاقوت می گوید: «مهرجان کذک و صیمره یکی هستند.» المقدسی نیز صیمره را مهرجان کذک می نامد و

اظهار می کند زمینی بسیار وسیع و حاصل خیز و آباد بوده و در سنه ۲۵۹ هـ ق در اثر زلزله ویران گشته و بیست هزار تلفات داده است در زمان یاقوت این شهر بکلی ویران شده (دره شهر پایتخت مهرجان گزک است). ابن فقیه گوید: قباد شاه ساسانی حکماء و اطباء را به شیروان آورد و باز گوید: ما سبذان و مهرجان گزک (صیمره) هر دو به یک حکومت بوده اند. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۴۸-۱۲۳)

مقدسی صیمره را مهرجان کزک می نامد اظهار می دارد زمینی بسیار وسیع و حاصل خیز و آباد بوده و در سنه ۲۵۸ هجری در اثر زلزله ویران گشته و ۲۰ هزار تلفات داده است.

اصطخری: این ملک را دیده و از راههای مشکل آن صحبت می دارد در زمان یاقوت این شهر بکلی خراب بوده (دره شهر پایتخت مهرجان کزک است)

در سفرنامه سر اورل استین آمده: از چم آب برده به رمشکان قسمتی از طرهان جلگه صاف دکنتر اسمیت دو تپه معروف این جلگه را به اسم چغاسبز و چغابیل حفاری کرد و دموگان شرحی راجع به رمشکان که در آنجا آب جاری نبوده و آب چاه و زراعت گندم و تریاک و پنبه کاری و آب و هوای آن را خوب و بیلاقی معرفی کرده است. از رمشگان به تنگ و گردنه خلیل کش و پس از یکساعت به طرهان که جلگه وسیع و قشنگ ختم می شود و سپس به تل بابا کردعلی و به تنگ سد آب منتهی می شود سپس جلگه زیر تنگ که رودخانه صیمره در کنارش عبور می کند کنار صیمره جلگه رودبار (روبری) نزدیک چغاسبز رودبار و از دهات لوتو از صیمره عبور و به دهات چم گرداب و شیروان منتهی شده است پس از آن بوسیله صیمره به هلیلان منتهی می شود راه دیگر هلیلان از چرداول داشت ولی از راه آبی منطقه ویسکور و آبادی سر طرهان می باشد خرابه ها شهرگرخوشاب نیز به زمان ساسانی و عباسی برمی گردد که از گچ و سنگ است. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۹-۱۲۶)

### ۳-۵ صیمره از دیدگاه مورخان اسلامی

صیمره به فتح صاد سکون یاد فتح میم وراء: ابن حوقل گوید: شهری است کوچک آب و درخت و کشتزارهای فراوان دارد شهری است مصفا آب در خانه ها و محله های آن می گذرد در کتاب احمد کاتب آمده است که: صیمره شهری است در مرغزاری پهناور و در آن چشمه ها و رودهاست میان صیمره و سیروان دو مرحله است در «المشترک» آمده است که: صیمره ناحیه ای است در بصره مشتمل بر چند دیه. (صیمره نیز شهری است از جبل از جانب خوزستان دارای میوه ها و آب ها) در «اللباب» نیز مطالبی شبیه به همین درباره آن نگاشته آمده است. (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۴۷۹)

یاقوت حموی می گوید: «شهری است از نواحی جبل از سوی خوزستان و آن را به نام مهرجانقذق خوانند و آن آبادان و دارای میوه ها و آبها است.

حموی در رابطه با صیمره می نویسد: «سرزمینی است بین جبال و خوزستان و آن شهری است در مهرجان قذق و در آنجا خرما و زیتون و گردو این را ابوالفضل می گوید که با جماعتی از همدان بسوی عراق از سمت چپش وی به اصطخری استناد کرده که آورده است صیمره و سیروان دو شهر کوچکی است و ساختمانهای آن از سنگ و آهک است و لیمو و گردو درخت گردشگاه و آب جاری است. (حموی، ۱۳۷۶، ۴۳۹)

در جای دیگر از مهرجانقذق بکسر اول و سکون دوم به معنای خورشید محبت دلسوزی معنایش روح و جان است گاهی ذال ضمه می گیرد شاید اسم فردی است معنایش محبت است قذق شهری زیبا بزرگ دارای شهرها و روستاهای در نزدیکی صیمره از نواحی کوهستانی از قسمت راست از حلوان عراق به سمت همدانی در نواحی کوهستانی. (حموی، ۱۳۷۶، ۲۳۳)

سیروان و صیمره جزء ایالت جبال بودند. در این رابطه لسترنج می گوید: «در باختر لر کوچک در مرز باختری عراق عرب دو ولایت ماسبذان و مهرجان قذق قرار دارد که مهمترین شهرهای آنها، سیروان و صیمره بوده و هنوز خرابه های آن دو شهر باقی

است. ماسبذان امروز بناحیه ای گفته می شود در جنوب صحرای ماهیدشت واقع است سیروان (یا سیروان) بگفته ابن حوقل شهری کوچک و غالب ابنیه اش از گچ و سنگ بوده مانند شهر موصل، میوه فراوان و بادام و دستنبو داشته محصولات سردسیری و گرمسیری در آنجا بعمل می آمده، و نخلیات هم چنانکه گفتیم داشته است. قزوینی از معادن گوگرد و زاج و بوره (borax) و نمک ماسبذان گفتگو کرده است در پنجاهمین خاوری ماسبذان شهر صیمره که با سیروان بی شباهت نبود قرار داشت و مدت زمانی پس از خراب شدن صیمره که با سیروان بی شباهت نبود قرار داشت. ولایت مهرجان قذق که محیط بر صیمره بود در قرن چهارم بکثرت نعمت شهرت داشت و مقدسی به بزرگی و آبادی آن اشاره کرده است. یاقوت درباره صیمره گوید: هم نخل و هم زیتون و هم بادام و هم برف دارد و در راه بین صیمره و دهکده مجاور آن، طرحان، پل عجیب و شگفت آوری است به اندازه دو برابر پل خانقین، که بین حلوان و خانقین است (لسترنج، ۱۳۷۷، ۲۱۹-۲۱۸؛ ابودلف، ۱۳۴۲، ۶۱).

قزوینی از صیمره مطالبی آورده است می نویسد: «ولایتی است و چند پارچه ده از اعمال بصره و در کنار شهر موسوم به «معقل» واقع شده اهل آن موصوف به حماقت می باشند چنانچه در سنه چهارصد و پنجاه هجری شخصی ابن الشباس نام، دعوی الوهیت کرد و اهل این محال، قبول این معنی را از او نموده به عبودیت او پرداختند. (قزوینی، ۱۳۷۳، ۴۷۰)

و حدودالعالم آمده است که: «صیمره و سیروان دو شهر کند آبادان و خرم آنجا خرما باشد (حدودالعالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۶۰، ۱۴۱)

اصطخری آورده است که: در همه کوهستان درخت خرما نبود الا به صیمره و سیروان و شایر خواست و هم اندک مایه بود در همه کوهستان هیچ دریا نیست و کوههای بسیارست مگر از همدان تاری و تا قم و از حد شهر زور تا حلوان تا صیمره و سیروان تا لور تا حد سپاهان و شایر خواست و تا حد سپاهان و حد پارسی و از آنجا بازگردد به

قاشان و همدان بازآید و تا حد شهر زور و حدود آذربایگان همه کوهستانی است. (اصطخری، ۱۳۶۸، ۱۶۶)

مقدسی در احسن التقاسیم آورده صیمره سال ۲۵۸ توسط زلزله خراب شد و ۲۵ هزار نفر تلفات داده و بلاذری نیز فتح آن را توسط سائب بن اقرع از جانب ابوموسی اشعری تأیید می کند. (بلاذری، ۱۳۶۴، ۶۷)

#### ۴-۵ ارتباط صیمره و سیروان از دیدگاه مورخان و باستان شناسان

بقول راولینسون (راولینسن) در ص ۵۴ و ۵۲ کاملترین بقایای شهر ساسانی در ایران می داند امروزه بنام شیروان که در هر کرانه غربی رودخانه صیمره قسمت مهم خرابه های دره صیمره بقول راولینسن ص ۵۸ : داراشهر) در کرانه غربی رودخانه صیمره در جهت سفالی رود سیروان در حدود هشت میل بالای مصب رودخانه مهم فرعی شرقی «کشکان» که از خرم آباد می آید) واقع است (اشتین ص ۲۰۶)ظظ

دمورگان ج ۲، ص ۱۲۴-۱۲۶) « طرحان» ( یاقوت ج ۳ ص ۳۲۵) با بخش امروزی طرحان واقع در کرانه شرقی صیمره تطبیق می کند این مکان سرراه بازگشت ابودلف به کرمانشاه واقع است. پلی که ابودلف توصیف می کند اکنون پل آب برده نام دارد در یکی از پیچ های رود صیمره برپا بوده و «سیروان» را به «طرحان» متصل می ساخته. مهرجان قذق یک دژ متعلق به «هرمزبان» آخرین فرمانروای ایرانی قبل از فتح اسلام برپا و اقامتگاه وی در «صیمره» بوده است. مهرجان قذق خرابه های اصلی داراشهر در آنجا می باشد. (ابودلف، ۱۳۴۲، ۱۲۳-۱۲۲) ابودلف مراحل میان طرز و کرمانشاه را پیموده وی از راه «دره صیمره» دور زده و بمکان اخیر رسیده است.

راولینسون آورده است که «..... مسیر خیابانها، بازارها، محل کاروانسراها و

عمارت این شهر بخوبی آشکار است. (راولینسون، ۱۳۶۳، ۶۵)

راویلنسون و هرتسفلد نیز که این شهر را دیده اند برای دیدنش از کنار رودخانه کرخه گذشته اند آبادیهای صیمره در تنگه های کبیرکوه واقع بوده بیش از ۵ پنج هزار خانه داشته است از ابتدای تنگ تا انتهای آن یعنی دامنه کوه آثار و بنا از گچ و سنگ نمایان است محل قنات و کاروانسرا دیده شد. سفالهای شکسته و کاشی و ظروف لعابی از زمان عباسیان بدست آمد در سمت راست شهر خندق سمت چپ آب شهر عبور می کند در کوههای مجاور چشمه هایی موجود است در زمان یاقوت بر اثر زلزله شهر خراب شده (اواخر آل بویه) عمارتها رو هم ریخته شده (افتاده) سنگ و گچ به اندازه ای محکم است که هنوز پابرجا و محکم اند این شهر مکان تجارت مانند دهدشت نبوده بلکه مکانی سکنه نشین و زراعتی بوده زمان ساسانیان آباد شده و موقع عباسیان حمل سکونت بوده مانند منجینق سپس تا زمان آل بویه مانده است. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۲)

ابتدا تنگ قلعه غلامرضا خان حکومت صیمره بوده و بعدها دهاتی در اطراف قلعه بنا ساخته اند این راه شاهراه بین شوش - دزفول - کرمانشاه و ذهاب و خانقین بوده است و عموم مسافرین به همین راه آمد و شد می کرده اند. (همان، ۱۲۳)

هرتسفلد از راه آبدانان و دهلران به اهواز رفته راه کمی بد بود ولی نزدیکتر است از گردنه کور اسپید از صحرا با گل و گیاه و زمینهای وسیع تنگهای بنام چوبینگ، شیخ مکان - دره شهر - سیکان که از آنها قاجاق از عراق به پشتشکوه و صیمره آورده از این تنگها به پشتکوه و صیمره آورده. (پشتکوه عیلام)

## ۵=۵ شهر تاریخی صیمره (دره شهر)

سابقه کاوش این شهر به ورود دموورگان در سال ۱۸۹۰ م (۱۲۶۹ هـ ش) مصادف می شود وی ابتدا در شوش به کاوش پرداخت هدف وی یافتن شهرها و شناسایی و معرفی مکانهایی بود که در فتحنامه آشوری و نقشه های دروازه بلاوات، واقع در جنوب شرقی موصل یعنی نینوا آمده بود البته دموورگان در چند مورد نظریاتش رد شده است از جمله در بررسی تپه زاغه که آن را جایگاه اونتاش گال معرفی کرد که پنجاه سال بعد هیئت فرانسوی

دیگری زیگورات چغازنبیل را بعنوان پایتخت اونتاش گال معرفی کردند. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۲۴۷)

دمورگان در سال ۱۸۹۰ محل شهر عیلامی حایدالو (هایدالو) را حدود شهر خرم آباد کنونی معرفی کرد اما بعدها گیرشمن موقعیت جغرافیایی این شهر را در محل شوشتر کنونی مشخص کرده است از ایرادات و یا اشتباهات دیگر دموورگان اعلام شهر تاریخی دره شهر را که دوره ساسانی و اسلامی می باشد بعنوان ماداکتوی عیلامی است.

دره شهر زمانی بازارها، خیابانها، کوچه ها، سراها، رواقها، طاقها، گنبدها و مساجد و معابر فراوان داشته است که همه از قلوه سنگ، گچ و ساروج ساخته شده بودند دموورگان محل تلاقی رود سیمره و رود کرخه، تصور کرده بود و دره شهر را ماداکتوی عیلامی معرفی کرد که گیرشمن این نظریه را رد کرد. در حالیکه تلاقی رود سیمره با رود کشکان واقع شده است دموورگان محل ماداکتو را بخش وسطای رود کرخه معرفی کرد.

در سال ۱۹۳۶ م اورل استین انگلیسی، ضمن سفر و بررسی در غرب و جنوب غربی ایران، ویرانه های دره شهر را مربوط به دوران ساسانی معرفی کرد؛ او آثار معماری اسلامی، در طبقات فوقانی را نادیده گرفته و یا نیافته بود بقایای شهر قدیم دره شهر در حدواسط شهر جدید و روستای بهمن آباد قرار دارد و از یک سو به وسیله خانه های شهری محصور است. انتشار نتایج بررسیهای دموورگان، اورل استین واریخ اشمیت در مورد اهالی ایلام و لرستان در سرخدم کوهدشت لرستان از ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸ م سبب شد که در سده اخیر، به شهر کهنه دره شهر را به نام ماداکتو ضبط، و بعنوان پایتخت دوم عیلامی تلقی شود. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۴۱-۴۰)

## ۵-۶ شناسایی و نقشه برداری دره شهر

هیئتی از باستان شناسان به سرپرستی سیف الله کامبخش فرد، در سال ۱۳۶۲ هـ ش ضمن تعیین محل ایستگاهها و استقرار آنها خط حریم منطقه را به وسیله ۷۰ بلوک سیمانی

مشخص کردند آنها که از خط الرأس بخش جنوب تپه پامیل به سوی نقطه صفر گمانه زنی را آغاز کردند به چهار کف از چهار دوره ساسانی و اسلامی برخورد شد قدیمی ترین بنای دوره ساسانی را روی خاک بکر یافتند و آثار دوران اسلامی، تا سده ۵ و ۶ هـ ق همراه با بازسازی بقایای معماری دوره ساسانی به دست آمده اند مصالح معماری قلوه سنگ، گچ، ملاط ساروج بوده اند بناها به شکل چهار طاقی طاقهای هلالی و جناغی، راهروها و گنبد‌های مختلف داشته اند این نوع معماری، خاص دوره ساسانی است، بناهای موجود در دره شهر تا سده های اولیه اسلامی نیز بازسازی مورد استفاده بوده اند. قدیمی ترین آثار معماری دوره ساسانی در عمق ۷/۲۵ متری بوده که بر روی خاک بکر است و آثار عیلامی یافت نشده است. در نقاط دیگر نیز همان مصالح معماری گذشته و راهروهای صلیبی و گنبد‌های شلجمی و اهلجیمی را چه در طبقات پایین و بالایی متحمل شده است. عکس (۱-۵)

باستان شناسان بیشترین دلیل رد شهر عیلامی در دره شهر را وجود تفاوت بافت شهری و نوع مصالح عیلامی و ساسانی را در این شهر می دانند. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۴۱-۴۰).

## ۷-۵ موقعیت و حدود جغرافیای باستانی دره شهر

دره شهر در ۴۵ کیلومتری غرب پل دختر و در ۱۲۸ کیلومتری جنوب شرقی ایلام در متهی الیه دامنه شمالی کبیرکوه و حدود ۴ کیلومتری کرانه جنوبی رود سیمره واقع است این شهر از شمال به رشته کوه مله ورود سیمره؛ از شرق، به ادامه رود سیمره و تلاقی آن با رود کشکان؛ از غرب به بخش بدره؛ و از جنوب به کبیرکوه محدود است. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۲۵۳-۲۵۲).



## ۵-۸- موقعیت بقایای شهر کهنه (دره شهر):

بقایای شهر قدیم که قسمت اعظم زمینهای غربی شهر را دربرگرفته اند، از شمال و شمال شرق به زمینهای کشاورزی و خانه های سازمانی؛ از شرق به قسمتی از اراضی کشاورزی خیابان آسفالتۀ دره شهر؛ از جنوب به روستای رشنو آباد، و بخشی از زمین زراعتی و سپس به روستای بهمن آباد، و از غرب به ارتفاعات کجاوه را، وساییکان محدود است.

## ۵-۹- کیفیت معماری و نوع مصالح دره شهر

بقایا و ویرانه های دره شهر که از قلوه سنگ از کناره های رود سیمره گچ از زمینهای اطراف که از جنس گچ بود تهیه می کردند. طاقهای هلالی و گهواره ای تیرچوب، قوسها و انحنای طاقها، سقف های گنبدی با مصالح مذکور خیابان بندی وجود طاقهای جناقی خاکی از تغییرات در شکل معماری از ساسانی به اسلامی است تغییرات و سبک جدید دره شهر، وجود دو دوره مستمر ساسانی و اسلامی است. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۲۵۴-۲۵۳)

در بخشی از شهر، مجموعه ای منظم در محوطه ای به ابعاد  $60 \times 30$  متر وجود دارد دور تا دور آن اتاقهایی با سقفهای هلالی و مصالح معمول از قلوه سنگ و گچ و ساروج به احتمال زیاد بقایای یک کاروانسرا است و یک مسیر رود خشک فصلی به چشم می خورد، پوشش و طاقی با شیوه ای که گفته شد بر دهانه آن بعنوان پل استقرار یافته قسمتهایی از آن هنوز برپاست ادامه پوشش هلالی و خمیده، در سراسر مسیر رودخانه نشان می دهد.

بر ارتفاعات تخت چناره بقایای ساختمانی از قلوه سنگ و ساروج و گچ به طول ۳۰ و عرض ۱۱ تا ۱۶ متر وجود دارد که بلندی قسمتهای موجود آن  $2/5$  متر است. چشم انداز این بنا تمام محدوده دره شهر و جلگه های آن تا حاشیه سیمره بوده است، و احتمالاً بعنوان محل دیده بانی برای حفاظت شهر بوده است. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۲۵۱)

قدمت دره شهر با توجه به سکه های یافت شده به زمان خسرو سوم ساسانی و جانشینانش می رسد این شهر پنج هزار خانه با جمعیت ۲۰ هزار نفر داشته است. (ایزدینا، ۱۳۶۳، ۶۶۷).

بقول سیف الله کامبخش فرد که آورده: دموورگان صدسال زودتر از دره شهر دیدن کرده و به جهت نزدیکی شهر به رودخانه خروشان «صیمره» به اشتباه و اختلاط آن را با کرخه گمان برده که همان ماداکتوی ایلامی است و ذکر آن در کتیبه دروازه «بلاباد» رفته وی اولین باستان شناسی است که از دومین پایتخت پادشاهان کشور ایلام را بیابد او می گوید: محل این ویرانه ها در دهانه کرخه و صیمره در دره شهر کنونی واقع است در حالیکه آنچه که در دره شهر وجود دارد تلاقی دو رود صیمره و کشکان است و نه کرخه؟ پنجاه سال بعد از آقای گریشمن ماداکتو را در محل وسطای رودخانه کرخه ثبت کرده است ۱۹۳۶ اورل اشتین مسافرت خود را در غرب و جنوب غربی گذرانده وی ویرانه هارا مربوط به دوران ساسانی دانسته و معماری اسلامی را نادیده گرفته و یا نیافته است وی در لندن کتاب جاده های باستانی غرب ایران را چاپ کرده است. (ساک، ۱۳۴۳، ۲۴۹)

اریخ اشमित ۱۹۳۴-۱۹۳۸ م با انتشار مقاله ای شهر کهنه دره شهر بنام مادگتو ضبط کرده و آن را پایتخت دوم ایلامی گردید مادگتو بطور کلی منتفی و مردود اعلام گردید تپه تیقن قلعه نظامی، اواسط هزاره دوم خط الرأس تپه پامیل چهار کف از چهار دوره ساسانی و اسلامی برخوردار گردیده و در حقیقت قدیمی ترین احداث بر روی خاک بکر بوده است و آثار اسلامی با ساسانی تا قرن ۴ و ۵ هجری ادامه یافت که مصالح قلوه سنگ ملاط گچ و ساروج چهار طاقی با طاقهای هلال و جناغی راهروها و گنبدها از قلوه سنگ و گچ بوده است این معماری خاص دوره ساسانی است کهنترین آثار معماری در عمق ۷/۲۵ متر نسبت به زمینهای اطراف با مصالح قلوه سنگ و گچ ساروج معماری چهار طاقی طاقها راهرو صلیبی گنبدی شلمجی و اهلجی در طبقات زیرین و زیرین یافت شد (همان، ۲۵۱).

مؤلف شرفنامه می نویسد : لرستان در دست دو برادر بنام بدرمنصور بوده بدر بر لر بزرگ و منصور بر لر کوچک اداره تا قرن ۶ وضع پرداخت مالیات تغییر نکرد والی کوفه مالیات دریافت کردیم نیمه دوم قرن ۴ هجری حسنویه کرد در لرستان شمالی و قسمتی از مرکزی مسلط کردند تا سنه پانصد و شش هجری. ( ساکی ، ۱۳۴۳ ، ۲۴۱ )

## ۱۰-۵ صیمره و کرخه و موقعیت (مادگتو)

رودخانه صیمره با عبور از دره شهر به موازات کوه مله به طرف شرق و جنوب شرقی از روستای ارمو (باب سیف الدین) در نزدیکی چم مهر رودخانه کشکان از جناح ها شمالی به آن می پیوندد در مسیر دره شهر به چم مهر آثار دو پل قدیمی بنامهای چم نمشت و گاومیشان بر روی رودخانه دیده می شود تلاقی دو رودخانه صیمره و کشکان مسیر آن بطرف ماژین و اندیمشک منحرف می شود و از این به بعد «کرخه» نامیده می شود.

«مادگتو» کنار کرخه که بصورت دژی محکم و محصور بین دو رودخانه که باستان شناسان غربی بخاطر نزدیکتر صیمره به کرخه انرابامادگتو اشتباه گرفته اند چون دره شهر فعلی در نزدیکی ساحل راست رود صیمره بیش از ۳۰ کیلومتر با محل تلاقی کشکان و صیمره فاصله ندارد. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۲۵۳)

برخی محوطه های ۶۰×۳ منظم دور تا دور اطاقها و سقف های هلالی نمایشگر بقایای کاروانسراست که در مسیل رودخانه فصلی و خشک به چشم می خورد. پوشش طاقها و بر دهانه رودخانه ادامه پوشش هلالی و مقوس نشان می دهد سرتاسر مسیر رودخانه در ارتباط با تردد میانگین شهر بطور مسقف ساخته شده ارتفاعات، دامنه شمالی کبیرکوه در جنوب دره شهر بنام (تخت چناره) معروف است از قلوه سنگ و ساروج و گچ با ۳۰متر عرض، ۱۶ متر قطرو ۱۲ متر ارتفاع که ۳/۵ متر این محل چشم اندازی بر کل محدوده دره شهر و جلگه آن تا حاشیه صیمره تسلط داشته است احتمالاً بعنوان محل دیده بانی مورد استفاده قرار گرفته است یعنی جنبه حفاظتی داشته در فاصله تقریبی ۳ کیلومتر از

جناح شرقی بقایای شهر تاریخی در دامنه و شیب ارتفاعات شرقی شهر و مشرف به جاده دره شهر - آبدانان ساختمان یک چهارطاقی دیده می شود این اثر نسبتاً سالم قلوه سنگ گچ و ساروج مصالح چین و گنبدی شکل گرفته است. دهلیز ورودی در جناح شمالی دره شهر و جنوب آن جاده اسفالتی به سیکان بقایای معماری و پایه دیوارهایی با مصالح قلوه سنگ و ساروج دیده می شود تپه که ارتفاع قریه (قلعه گل) فاصله ۱ کیلومتر از جناح شمالی شهر تاریخی. از بقایای معماری، بند، سد، دژیل سد و تنگ چوبینه، دژ و پناهگاه شیخ مکان «ماحو» و پل چم نمشت و گاومیشان است.

عبدالله قوچانی در مقاله خود آورده است . صیمره شهری است معروف که در قدیم جزء جبال بوده وی تصویر دو سکه نقره که در سالهای ۳۹۳ و ۳۹۶ هر ضرب شده متعلق به این شهر چاپ نموده است (قوچانی، ۱۳۷۳، ۵۱). حمید ایزدپناه آورده: «خرابه های صیمره که متعلق به زمان ساسانیان می باشد چهارراهها، کوچه ها و معابر آن نظم ویژه ای را در شهرسازی این دوره نمایان می کند. (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۴۶۹) آقای استین به حفاری در تل کوزه گران پرداخته که آثار اواخر هزاره سوم قبل از میلاد را یافته است و ویرانه های دره شهر را از دوران ساسانیان معرفی می کند. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۰) شکل (۱-۵)

## فصل ششم

تأسیسات مربوط به راههای ایلام

ادوار اسلامی

## ۱-۶ تأسیسات مربوط به راه در دوره هخامنشی

وجود پلها و کاروانسراها اگر چه از دوره هخامنشی کشف نگردید ولی وجود راههای مختلف و مجهز شاهنشاهی از وجود چنین تأسیساتی بی بهره نبوده است هرودت از خوبی راه و آسایشی که برای مسافران فراهم بوده یاد کرده بطوریکه آمده است: خشایارشا در یکی از جنگها از سربازان و مهندسان برای ساخت پل محکم تنبیهات شدیدی قائل شده است .

از مهمانخانه های میان راه که استات مس نامیده می شدند. (ایستگاه statamoso) که معمولاً فاصله این ستات مسها به اندازه یک روز راه یا یک منزل در حدود چهل و پنج فرسنگ بوده است چاپارخانه از جمله اقداماتی بوده که در این زمان صورت گرفته و ایجاد دژهای نگهبانی در معبرهای مهم با اسبان تازه نفس که در چاپارخانه تجدید قوا می کردند و کارنامه و پیام رسانی داشتند هرودت از چاپارخانه های دولتی به آگ گاروی Aggarui یاد کرده است هیچ جنبنده ای نمی تواند بسرعت چاپارها حرکت کند با توجه به یافته های باستان شناسان از شواهد همانند وسائل نقلیه از اسب و گاو بعنوان نماد حمل و نقل در دوران هخامنشی به مراتب بیشتر رواج داشته است (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۷۵-۷۶)

از دوران هخامنشی و اشکانی آثاری مانند پل کاروانسرا، میل کشف نشده است ولی در مسیر راهها حجاریها و سنگ نبشته ها همانند بیستون بر سر راه همدان و کرمانشاه تنگ سروک در راه قدیم بیشابور گویای وجود راهها می باشد ولی از دوره ساسانی آثار زیادی همانند پل کاروانسرا و ... بوده که بیشتر پلها در جنوب غربی و غرب ایران بخاطر وجود رودخانه در مسیر راهها بوده است و در زمان اشکانیان مسیر راهها به همان طریق سابق بوده است و اغلب جنگهای ایران و روم بخاطر دست یافتن بر شاهراههای بزرگ و مسائل اقتصادی بوده است. (همان، ۸۹-۸۱)

## ۲-۶ راهداریها و فضاهای مرتبط با راه

کاروانسراها: به رباطهای بزرگ و جامع کاروانسرا می گویند که علاوه بر اطاق و ایوان دارای باره بند و طویله و انبارات اغلب باز کوچکی بنام علافخانه دارد و بر روی سر در آن چند اطاق قرار گرفته به کاروانسالار اختصاص دارد گاهی در دو سوی کاروانسرا و رباط بر جهایی جهت دفع راهزنان قرار گرفته است.

خان : همان کاروانسرا است (زبان تازی)

آب انبار : (امبار) منبع آب نوشیدنی که از ۳ قسمت شامل :

۱- تنوره یا خزینه گنبدی شکل

۲- بادگیر پیرامون گنبد

۳- گورو - راجینه یا پلکان و پاشیر

- راهرو پلکان پرشیبی که آب انبار (همکف خزینه) را بزمین می پیوندد. دو سوی آن دوسکو برای استراحت گاه در پاگرد پلکان یک یا دو غرفه یا سرداب ایجاد می کردند (افسر، ۱۳۷۰، ۱۲۴)

حوض - برکه - پایاب - چاه : تأمین آب نوشیدنی برای مسافران و چهارپایان در مناطق خشک و کویری حوضهایی جهت ذخیره آب باران یا کندن پایاب به منظور دسترسی به آب روان در جاهای کویری هر دو فرسنگ یکبار برکه های سرپوشیده یا چاه خانه ایجاد می کردند. (همان، ۱۲۶)

میلها و مناره های راهنما معمولاً در کنار راه آبی بخصوص در خوزستان و فارس دیده می شود. (همان، ۱۲۷)

رباط : به ساختمانهای کنار راه و بیرون از شهر و آبادی اطلاق می شود رباط بمعنای منزل گرفتن و آسودن در میان راه بکار می رفته، علاوه بر حوض و آب انبار اطاقهای متعددی که گرداگرد حیاطی را فراگرفته است. (همان، ۱۲۴)

ساباط : به کلیه بناهایی که به منظور آسودن و استراحت بکار می رفته است . ساده ترین شکل آسایشگاههای کنار راه همان ساباط است که دارای سه تا ۷ دهانه سرپوشیده که در دو سوی آن تختگاههای کوچکی به اندازه یک تخت یا نیمکت قرار دارد و اغلب دهانه میانی آن درگاه آب انباری است که آب خنک و گوارا دارد رباط و کاروانسرا گاه بسیار ساده است که منحصر به حیاط دور بسته که حوض یا پایابی در وسط دارد آخور در زیر سکو و ایوان پیشانی اطاقها یا کنار صفحه های بیرون است که در نقاط سردسیر گنبد دارد و گاه باره بند، انبار بازار بالاخانه و برج و بارو و علافخانه دارد. (افسر، ۱۳۷۰، ۱۳۱) گاهی در پیرامون میلهها، هر جا که مناسب بوده رباطها و ساباطها و آب انبارها نیز می ساخته اند. (همان، ۱۴۷)

**برید و چاپار :** شهر یاران هخامنشی برای اداره مملکت در اسرع وقت فرمانها را به دورترین نقاط کشور می رساندند. این سنت تا دوران اسلامی نیز ادامه می یافت. تحت عنوان برید متداول و آغاز برقراری برید در اسلام زمان بنی امیه، عبدالملک بن مروان برای تنظیم و اداره مملکت انجام شد در زمان هارون جعفر برمکی دیوان برید را اداره می کرد ۹۳۰ مرکز برید در قسمتهای مختلف کشور وجود داشت در ایران آن را رباط می خواندند. فاصله مراکز بریدی در ایران معمولاً دو فرسخ و در کشورهای غربی اسلام چهار فرسخ بوده است و بریدها از اسب و استر در ایران استفاده می کردند رئیس پستخانه صاحب البرید می گفتند صاحبان برید وظیفه داشتند تمام اخبار سیاسی، قضائی، اقتصادی و امنیت مملکت را به مرکز برسانند. (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۱۸۶-۱۸۳)

ساختمان کاروانسراها معمولاً دارای معماری در گوشه و گاهی در میان اضلاع دیوارها برجهایی قرار گرفته بطوریکه دروازه میان دو برج یا شبه ستون جای دارد و دارای سردری است که گاهی برخی از آن ساختمان دو طبقه ای ساخته اند در کاروانسراها اطاقهای مسافران معمولاً پیرامون حیاط ساخته می شده و پشت آنها اصطبل قرار داشته که در چهارگوشه داخلی بنا قرار داشته کاروانسراهای تجارتي داخل شهرها عموماً دو طبقه



هستند. آب انبارها با اشکال مستطیل با سقف ساده و بعضی صلیبی شکل با سقف آجری سقف کاروانسراهای ایرانی نوک تیز و شیب دار است پشت بام مسطح و با شیب کم بر اطرافهای بزرگ سقف شکل قوسی دارد. تمامی درها و تورفتگیها حیاط و اطاقها و ایوانها در زمان صفویه به سقف هلالی ساخته شده اند بسیاری از کاروانسراها تزئینات دروازه ورودی آجرکاری - کاشیکاری، گچبری و سنگ کاری می باشند تزئین = در نمای خارجی کاروانسراها در قسمت دروازه ورودی طاق نماها و ایوانها بکار می رفته است. (کیانی، ۱۳۷۹، ۲۰۷-۲۰۵)

## بخش اول: کاروانسراها

### ۶-۳- معماری کاروانسراها.

با توجه به قدمت طولانی ساخت کاروانسرا در ایران و در ادوار اسلامی به نامهایی مختلف رباط، کربات، ساباط خان، کاروانسرا رو به توسعه نهاد نام کاروانسرا مشتق از کاروان - کربان به معنی گروه مسافران (قافله) و سرای به معنی خانه و مکان است که قدمت آن در دوره هخامنشی و اشکانی برمی گردد.

کاروانسراها بصورت مربع یا مستطیل با مصالحی چون خشت و آجر بنا گردیده و اطاقها و اصطبل هایی در اطراف داشته است کاروانسراها بصورت ۴ ایوانی و مصالح از لاشه، سنگ آهک و گچ بوده است در ادوار اسلامی عواملی اقتصادی - مذهبی، نظامی در شکل یابی و توسعه کاروانها دیده می شود در اوایل اسلام در دوره ال بویه - سامانیان وال زیار کاروانسرا و آب انبارها و رباط چاهه چهار ایوانی سده پنجم عصر شکوفایی هنرهای اسلامی به ویژه معماری است ایجاد راههای تجارتي و امنیت جاده ها باعث روز افزونی، تجارت و اقتصاد شد در مسیر جاده ها کاروانسراهای متعدد بنیاد گردید کاروانسرا بصورت ۲ ایوانی و ۴ ایوانی در دوره غازان خان کاروانسراهای متعدد در طول جاده ها و عصر طلائی کاروانسراها متعلق به دوره صفوی است. کاروانسراها در دوره اسلامی از آجر و سنگ ساخته شده اند. (کیانی، ۱۳۷۹، ۲۰۳-۲۰۰)

## ۱-۳-۶ انواع کاروانسرا در ایران

- ۱- کاروانسرای مدور
  - ۲- کاروانسرای چندضلعی حیاط دار. از داخل و خارج قرینه کاروانسرای مدور از خارج دایره ای شکل در داخل چند ضلعی
  - ۳- کاروانسرای دایوانی ( به شکل مربع - مستطیل )
  - ۴- کاروانسرا با تالار ستوندار عموماً بعنوان اصطبل استفاده می گردید.
  - ۵- پلان چهاردیواری کاروانسراها بیشتر در ادوار اسلامی و سلجوقی متداول بوده است.
- از کاروانسراهای مهم استان ایلام می توان به دو مورد در شهرستانهای ابدانان و مهران اشاره کرد:

### ۲-۳-۶ کاروانسراهای استان ایلام

#### ۳-۳-۶ کاروانسرای پنج برار

این کاروانسرا در مشرق جاده ابدانان به مورموری در پنج کیلومتری آن و در نزدیکی چشمه پنج برار و در غرب شهر پنج برار واقع است طول بنا ۵۵ متر و عرض آن ۲۲/۵۰ متر است. طاق های پلان بنا را تا حدودی بازسازی نمودند که قسمت عمده ای از آن پابرجاست. سفالهای این منطقه متعلق به اواخر ساسانی و قرون اولیه اسلامی می باشد. شکل (۶-۱)

#### ۴-۳-۶ قلعه و کاروانسرای قالوه گلان

این قلعه در حاشیه شرقی رودخانه گنجان چم و از شمال به تپه گلان و در مسیر ایلام- مهران در مقابل پل باستانی گلان I واقع شده است مساحت محدوده ۲۰۰۰ متر و در ابعاد ۳۴ × ۴۰ می باشد. این کاروانسرا در سه ردیف اطاق تشکیل شده در جهات شمالی - جنوب و غرب دارای یک فضا با پلان دایره ای و سقف گنبدی و حیاط مرکزی آن دارای

هفده اطاق که یکی از اتاقها احتمالاً مرکز شاه نشین باشد و دارای ستون مرکزی در ابعاد ۷×۵/۵. مصالح آن از خشت خام با چینه و قلوه سنگ و اندود گچ می باشد که بنا متعلق به دوره اسلامی متاخر است. در ضلع شرقی حیاط مرکزی ابزار سنگی هاون به عمق ۳۰ سانتی متر مشاهده می شود. شکل (۶-۲) (محمودیان، ۱۳۸۳، ۸۴-۸۳)

### بخش دوم : قلاع

#### ۴-۶ انواع قلعه و کاربرد آنها

انسان همواره در طول تاریخ در مقابل طبیعت خانه با حصارهایی برای محافظت ایجاد می کرد که اغلب جویبارها ابتدا یک معبر ورودی داشتند که در زمان ساسانیان تبدیل به دروازه شد حصارهای اولیه فاقد برجهای دفاعی در فواصل منظم یا غیر منظم بودند. (کیانی، ۱۳۷۹، ۱۶۹)

استحکامات ایران به چند دسته تقسیم می شود:

- ۱- دیوار دربند یا باب الابواب
- ۲- ارگ یا قلعه میانین و شهرستان بارو و خندق و چهار تا هشت دروازه و پل روان است باروی دهکده جلگه ای به شکل مربع، مستطیل ساخته شده و در چهار کنج بنا، چهار برج دفاعی است معمولاً یا یک یا دو دروازه دارد.
- ۳- استحکامات و دژهای کوهستانی شکل هندسی ندارند چند پاره دهکده اطراف خود را حفاظت می کرد و در مواقع اضطراری ساکنان آنجا به داخل قلعه پناه می بردند.
- ۴- قلعه های ارتباطی که ساکنان آن محدود به نگهبانان بود در مواقع معین تعویض می شدند.
- ۵- قلعه های راهداری که برای حفاظت راهها از راهزنان و شیروان ساخته می شد.

۶- قلعه های نظامی که به نام رباط خوانده می شدند دهکده هایی که امروز به نام

فهرج (= پهرک = پهره) خوانده می شدند محل این نوع دژهای سرحدی است.

۷- قلعه هایی بنام آتشگاه بر سر قلعه های بلند که میدان دید زیاد داشت و در دشت

بر روی تپه ساخته می شدند و با آتشگاه مسیر خود در ارتباط بودند و خبر را در

روز با دود و در شب با آتش مخابره می کردند. (کیانی، ۱۳۷۹، ۹۴)

### ۶-۴-۱ دژها و مصالح بنای آنها

دژهای جلگه ای که طرح سطحی آن ها مربع یا مربع مستطیل که چهارکنج آن چهار

برج مدور برای دفاع بنا شده بعضی به شکل دایره ای مصالح آنها از خشت و گل بندرت

بعضی بااجروگچ باروی این دژها چینه ای یا از خشتهای قطور ساخته شده است قطر

باروها تا سه متر می رسد خندق و پل روان و دروازه و دربند در بنای این دژها دیده شد

قلعه های رعیتی از این نوعند. نوعی دیگر دژهای کوهستانی از غارهای عظیم دامنه

پرتگاهها به وجود آمده اند پای اغلب دژهای کوهستانی پرتگاههای عمیقی بالای پرتگاه

آنجا که قله کوه هموار می شود، باروی قلعه به چشم می خورد بالای بارو کنگره و سنگ

اندازها بنا شده است در امتداد بارو و در فواصل غیر معین برجهای جنگی و نگاهبانی است

دو طرف دروازه قلعه دو برج عظیم جهت دیده بانی. بنای داخلی دژهای کوهستانی

اطاقهای متعدد برای دژنشینان و گاهی محلی برای اسبان و قاطران و انبار حیاط در میان و

طاقها در چهار طرف آب انبار در دل سنگ ساخته اند طاقی از سنگ و گچ یا آجر چاهها

یا برای رسیدن به آب یا انبار حبوبات و در دل سنگ آخورهای برای اسب و قاطر تراشیده

اند. (کیانی، ۱۳۷۹، ۹۳)

### ۶-۴-۲ قلعه های تاریخی ایلام در قرون اولیه اسلامی

با توجه به شرایط طبیعی استان ایلام سلسله جبال زاگرس بین فلات مرکزی و بین النهرین امتداد دارد آثار قلاع متعددی در دامنه کوهپایه ها ، و دره ها و ارتفاعات مشرف به جلگه ها دژهای مستحکم خطوط دفاعی با بهره گیری از مصالح بومی ساخته شده اند با توجه به وجوه اشتراک معماری و نقش کاربری قلاع، راهها و معابر باستانی ارتباط دهنده تمدنهای فلات مرکزی و تمدنهای جلگه میان رودان بوده است که این قلاع اغلب مشرف بر راههای باستانی بوده اند. و نقش کاربردی در جهت حفاظت و حراست از منطقه در مقابل دشمن و در مواردی بعنوان مرکز حکومتی حاکمان مورد استفاده قرار گرفته اند.

(کیانی، ۱۳۷۹، ۲۹)

هر قلعه دارای تأسیساتی می باشد از جمله حصار بلند پیرامون که دژ می نامند و وسائل دفاعی ، دیده بانی اتاقهای متعددی، بازداشتگاه ، نگهبانی و ... حاکم نشین و تالار اصلی، حیاط اصلی و مرکزی قلعه از آنجا که ارتباط سیاسی میان دو تمدن مرکزی و بین النهرین از دره ها و معابر غرب زاگرس امکان پذیر است حاکمان برای سلطه بر این مناطق اجباراً اقدام به ساختن دژها و قلاع مستحکم نمودند شرایط سیاسی - اجتماعی حاکم بر ایلام و بین النهرین در اواخر ساسانی قرون اولیه اسلامی موجب ارتباط بیشتر بین مرکز حکومت خلفا و ساکنان مرکزی و شرق فلات ایران شده است احتمالاً بیشترین قلعه های بجا مانده در این استان منسوب به دوران تاریخی باشد (همان، ۳۰)

### ۳-۴-۶ قلعه چکربولی چوار chakar-E-bovli

این قلعه در روستای چکر واقع در کوهستان بولی از توابع بخش چوار شهرستان ایلام از آنجا که این قلعه در مسیر ارتباطی چوار به سومار و سرزمین بین النهرین قرار گرفته است از نظر استراتژیکی اهمیت بالایی برخوردار بوده است و قابل مقایسه با قلعه یزدگرد در استان کرمانشاه می باشد در قسمت بلندی ساخته شد دژی بسیار مستحکم ارتفاع قسمت شمالی آن از سایر قسمتهای آن بیشتر است تعداد ۱۱ اتاق با طاقهای قوسی در قسمت جنوبی قلعه ایجاد شده است که بر حیاط مرکزی تسلط دارند مصالح بکار رفته

سنگ و گچ است داخل اتاقها با گچ اندود شده است سفالهای نخودی و قرمز با شاموت شن گوشه قلعه، اتاقهای دیده بانی قرار دارد (محمودیان، ۱۳۸۳، ۴۱) .

قلع استان ایلام از جهت موقعیت قرارگرفتن آنها، مصالح سنگ و گچ، دژهای پیرامونی، اتاقهای نگهبانی، و سایر تأسیسات ساخته شده در اکثر قلاع با هم همخوانی دارند و این شرایط اختصاص به قلاع منسوب به قرون اولیه اسلامی است و بافت معماری قلاع دوره اسلامی متأخر از این شرایط مستثنی است نکته قابل اهمیت در بررسی قلاع ارتباط استراتژیک آنهاست در بسیاری موارد بصورت زنجیره ای با هم ارتباط دارند بطوریکه ناحیه مرزی حائل بین کوه و دشت را از جنوب به شمال با هم مرتبط می کند مثلاً قلعه شهاب در جنوب، قلعه چنگوله، قلعه ملکشاهی، قلعه صمیر، قلعه خرمه، قلعه اسماعیل خان، قلعه چوار، قلعه سرنی، قلعه کوشک در استان ایلام بر ترتیب با هم ارتباط داشته در محدوده شمال غربی این خط دفاعی به قلعه یزدگرد غرب استان کرمانشاه متصل می شود این سبک معماری در پشت قلعه آبدانان نیز دیده می شود. ( همان ، ۱۳۸۴ ، ۴۲ )

#### ۶-۴-۴ قلعه چوار (قلا)

قلعه قلا در ۱۲ کیلومتری غرب شهر چوار، و ۲ کیلومتری شهر ایلام بر سر راه چوار به نواحی مرزی با عراق واقع است غرب آن پرتگاه طبیعی قلعه بصورت دژ زمینیها دیوار جانبی قلعه از راس تپه تا زمینهای پیرامون امتداد می یابند ساختمان داخل محوطه قلعه و برجهای دیده بانی احتمالاً این اثر متعلق به اواخر قرون تاریخی و اوایل اسلامی می باشد (محمودیان، ۱۳۸۳، ۲۶).

## ۶-۴-۵ موقعیت طبیعی و جغرافیایی قلعه

شمال و غرب این تپه به پرتگاه طبیعی محدود می شود دامنه جنوبی و جنوب شرقی با شیبی ملایم به اطراف منتهی می شود محل قلعه موقعیت استراتژیکی آن را می رساند بر راه گنجوان و حاشیه غربی استان ایلام واقع شده است جاده خاکی روستای مورت به قلاع از جنوب این حمل می گذرد در حاشیه شمالی آن رود فرعی قلا که به رود «گدارخوش» می پیوندد بر فراز تپه در مسیر چوار - مورت تجریان به سمت دهستان چکربولی و ناحیه مرزی با کشور عراق ایجاد شده است. (همان، ۲۷)

موقعیت جغرافیایی این قلعه بصورتی است که با قلعه های دیگر در ارتباط می باشد ارتباط جاده ای، ارتباط با امکانات اولیه قلعه سرنی در ناحیه مرزی ایران و عراق در غرب تپه قلاع واقع شده است. (همان، ۲۷).

## ۶-۴-۶ ویژگی و توپوگرافی قلعه قلا

دیوار عرضی کمر بند بیرونی حصار و دژ قلعه بجز در دامنه جنوبی و جنوب شرقی با شیب ملایم به پایین رودخانه منتهی می شود بین دیوارهای دفاعی از رأس تپه به سطح زمینهای پیرامونی کشیده شده و برخی جاها شیب دامنه تند است. آثار آن قلوه سنگ لاشه ، ملاط گچ، مصالح دیوار اتاقها اندود گچ می باشد سفالها چرخ ساز و معدودی دست سازند اکثراً بدون لعاب و پوشش گلی رنگ سفال نخودی و آجری تزیین ساده و منقوش است. دیوارهای عرضی کمر بندی در پیرامون تپه اتاقهای نگهبانی، راهرو زیرزمین، مناطق مسکونی، آثار معماری در شمال قلعه با دیوارهای بلند در وسط آن حفره بزرگی است. نوعی زیرزمین است برای آوردن آب طول برخی دیوارها ۳۰۰ متر است که اتاقهای نگهبانی روی آن سه دیوار عرضی در پیرامون تپه است که طول حصار کمر بند بیرونی ۵۰۰ متر می رسد. در قسمتهایی از این دیوارها اتاق ها و جایگاه دیده بانی تعبیه شده است

از جهات سه گانه غربی، شمالی و شرقی به پرتگاه ختم می شود. احتمالاً این بنا متعلق به اواخر دوره تاریخی و اوایل اسلامی می باشد. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۲۸-۳۱) شکل (۶-۳)

#### ۶-۴-۷ قلعه کله جوب ۲

قلعه در جنوب جاده ایوان=کرمانشاه در شمال رودخانه گنگیردر فاصله ۷۰ متری کله جوب بر روی تپه نسبتاً مرتفع که زمینهای هموار کشاورزی آن را دربرگرفته اند. در موقعیت جغرافیایی  $N:33/52/35$  ،  $E:46/14/19$  واقع شده است مساحت  $7200M^2$  ارتفاع آن ۶ متر عرض تپه ۶۰ متر طول آن ۱۲۰ متر می باشد. با قلوه سنگ و گچ نیم کوب بصورت درهم و نامنظم سقف بناها ریخته شده آثار خیزطاقهای گهواره ای آن دیده نمی شود در حاشیه دیواره ها طاقچه ها، شکافها با طاقهای هلالی مشخص می باشد کاربرد بنا اختصاصاً نظامی بوده با توجه به مسیر ورود و خروج به شهر بنا خارج از حریم محوطه فرهنگی تاریخی جوب زر در چند کیلومتری غربی آن بوده که کار کنترل امنیت و نگهبانی ورودی غربی شهر را انجام می داده است. شرق شهر جوب زر قلعه ای بنام تپه قلاع در دو طرف دشت باز قلعه جوب زر دو قلعه نظامی بر روی تپه هایی ساخته شده از شمال به بانکول از جنوب به گنگیر می باشد قلعه بر اثر زلزله تا سال ۳۴۴ هـ ق به حیات خود ادامه داده است. (پیرانی ، ۱۳۸۱ ، ۱۲۰)

#### ۶-۴-۸ قلعه گوریا

در موقعیت جغرافیایی  $16^{\circ} 54' 33'' - 2^{\circ} 52' 46'' E$  در شمال باید درپادامنه غربی تپه گوریادر جنوب رودخانه گنگیر و روستای سرتنگ علیا در سه کیلومتری جنوب شرقی گنبد جهانگیر بر تپه نسبتاً مرتفع قرار داد از شمال به دست سرتنگ از جنوب و غرب به مسیل رودخانه فصلی و ارتفاعات بایه سرچشمه می گیرد از شرق به تپه های گوریا با ارتفاعات بایه بنا  $36000$  میانگین ارتفاع ۵ متر عرض ۴۰ متر طول ۵ متر باشد قلعه نظامی است در دهانه تنگه و پادامنه تپه گوریا به جهت تسلط برگذرگاه دشت سرتنگ



وجود بناها و قلعه های متعدد در مسیر گذرگاه و در امتداد رودخانه اهمیت آن را از لحاظ امنیتی می رساند. پروفیسور لویی واندنبرگ از آتشکده نیز دیدن کرده اساس معماری یگری اتاقهای کوچک و بزرگ با کاربردهای متفاوت با راهروهایی باریک و بلند در جهت های غربی - شرقی و شمالی - جنوبی ختم می شود این اماکن به وسیله درگاههایی با طاقهای هلالی بصورت تودرتو و گاه مجزا با هم در ارتباط می باشند اتاقها دارای ابعاد مختلف اکثراً بزرگ به وسیله طاقهای گهواره ای مسقوف اکثر طاقها فروریخته محوطه توسط آوار سقف پر شده خیز اکثر طاقهای بنا باقی مانده که با توجه به آن می توان شروع و چگونگی اجرای طاقها را از روی دیوار به دست آورد نمونه طاقهای گهواره ای به صورت نیم ویران موجود می باشند با توجه به خیز طاقها و ارتفاع دیوارها بنظر می رسد سقف این اماکن با همدیگر اختلاف سطح داشته است. اطاقهای بزرگ با طاقی مرتفع و اتاقهای کوچک دارای طاقی کوچکتر دو طبقه دیوارها بسیار قطور از قلوه سنگ و گچ نیم کوب ساخته شده است.

شکل (۶-۴) ( پیرانی ، ۱۳۸۱ ، ۶۱ )

#### ۶-۴-۹ قلعه شمیران

در ۵ کیلومتری جنوب شرقی روستای سرتنگ  $32^{\circ} 54' N$   $46^{\circ} 7' E$  با مختصات ملی در نزدیکی سرتنگ به سیاه گل دامنه ارتفاعات بابه محصور در تنگه (دره) عظیم شمیران در سه جهت شمال، جنوب و غرب گنگیر که با پیچ و خم در آن جریان دارد در بالای صخره های مرتفع و پرتگاههای  $3500W^2$  تنگه بنایی قلعه ای موجود می باشد بنام تنگه شمیران به «قلعه شمیران» معروف است مساحت بنا و ارتفاع از سطح رودخانه ۱۱۵۰ متر می باشد پوشش آن رسی و سنگلاخی قلعه نسبتاً عریض محصور در پرتگاهها و شیب تند باروی آن با برجهای دیده بانی به فواصل نامنظم بر روی پرتگاهها صخره ای اتاقکی نگهبانی پلان مستطیل به فاصله ای حدود ۱۰۰ متری شرق بنا به طرف ارتفاعات قلعه محصور و کنترل شده است بنا تخریب شده پی و داغ دیوار و دیوارهای اتاق

نگهبانی - دیده بانی نسبتاً سالم مانده است مصالح از قلوه سنگ ریز و درشتی از جنس صخره ای ارتفاعات ملاط گچ نیم کوب بصورت درهم و نامنظم در اثر زلزله و ... ارتفاع ناچیزی از آن بجا مانده قلعه بر کل محوطه و سرتاسر تنگه اشرف و کنترل دارد ساختمان مرکزی فرماندهی یا اصطلاحاً شاهنشین بوده مشرف بر محیط اطراف قسمت غربی بنای شاهنشین شیبی ملایم با یکسری تأسیسات و ساخت وسازها داغ دیوار کاربردی مسکونی انبار اصطبل و ... سوا از برج و بارو بر صخره های جانبی تنگه مرتفع شمیران که رودخانه گنگیر در آن جریان دارد. با پرتگاههای صخره ای و شیب بسیار تند می باشد احتمالاً تنها راه دسترسی به قلعه راه مالروی شرقی از این طریق به روستاهای سرتنگ سفلی و علیا و بناهای تاریخی گوریه، قلعه جهانگیر و قلعه گوریا در فواصل نزدیک به هم و از این طریق به محوطه تاریخی جوب زر در ارتباط بوده این راه مالرو تنها راهی است که مورد استفاده قرار می گیرد که با ساخت تنها اتاقک نگهبانی با تأسیساتی در شرق این راه به قلعه داشته دشت سرتنگ و تنگه شمیران مهمترین گذرگاه کوهستانی قابل تردد بوده محوطه های تاریخی دشتهای شمالی و جنوبی بهم مرتبط است. مساحت قلعه ها در فواصل نزدیک در میان دشت و تنگه دلیل بر اهمیت آن بوده قلعه بر ارتفاعات کاربری نظامی و کنترل بر راه را داشته در سطح بنا چشمه منبع آب طبیعی با آب انبار مشاهده نشد. تنها از طریق آب رودخانه بوده در نزدیکی اتاق نگهبانی در شرق بنا در قسمت داخلی قلعه آسیاب سنگی (هاون) از نوع سنگ غلتان دیده می شود. دارای پنج برج دیده بانی که یکی از برجها محل ورود و خروج و مهار برج دیگر مراقبت از قلعه دارد عرض دیوار بیش از یک متر می باشد محیط دژ ۷۰۰ متر دروازه ی ورودی تقریباً ۱۷ متر عرض دارد برج نگهبانی دارای دو اتاق تقسیم شده است طول ساختمان ۱۴ متر و عرض آن ۷ متر است ورود و خروج به داخل قلعه از طرف شرق برج نگهبانی بوده است.

سفالها شامل لبه صاف برگشته به بیرون خشن و نازک با خمیره قرمزخودی و تمپر و شن و دانه های سفید چرخ ساز پوشش گلی تزئینات نوار افزوده دور کمر به شیوه طنابی

و خمیره قرمز و نخودی با تمپر ماسه بادی فرم بدنه و کف صاف لعاب آبی فیروزه ای تک رنگ و شیشه به رنگ آبی و سبز به فرم پایه به روش دمی (فوتی) ساخته شده فاقد نقش می باشد این بنا مربوط به دوران ساسانی است اما همانند محوطه ها هم عصر در قرون اولیه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. (پیرانی ، ۱۳۸۱ ، ۱۸۷-۱۸۴)

### ۶-۴-۱۰ تاریخچه قلعه شمیران

از این قلعه می توان بعنوان «دژ سبدان» نام برد چرا که اریوجان (ایوان) مرکز ماه سبدان بوده و این قلعه از یک طرف به کوه اتصال دارد و رودخانه گنگیر آن را دور می زند از شباهت آثار ساخت و ملاط آن با ساختمان آتشکده و خرابه های اطراف سرتنگ، و خرابه های اریوجان بی شک مربوط به یک دوره هستند که تا اواسط دوره صفویان پابرجا بود و در اثر درگیری بین مردم و مأموران دولتی بخاطر عدم پرداخت مالیات قلعه محاصره و ویران ساختند در کنار این قلعه ، اوردی بان واقع است یعنی محل استقرار نیروهای دولتی صفویه که برای حمله به قلعه جمع شده بودند نامیدند این قلعه در ۳ کیلومتری روستای سرتنگ سفلی و در ضلع جنوبی جاده قرار دارد تنگه و دره این محل را بنام شمیران می خوانند. فریا استارک قلعه را شامیران نامیده آن را مخروبه در امتداد دره سرتنگ که قبرستانهایی با محتوی وسایل مفرغی در حوالی آن یاد کرده است. (استارک، ۱۳۶۴، ۲۰۵)

در حمله نیروهای عضدالدوله حاکم آل بویه به سرزمینهای تحت سلطه دولت حسنویه گُرد با توجه به اینکه در این دوره منطقه غرب از جمله مناطقی بود که تحت نفوذ و سیطره دولت حسنویه بود و همچنین با توجه به اینکه قلعه (دژ) معروف شمیران جزء قلعه های مهم این حکومت بود مورد حمله و به تصرف نیروهای عضدالدوله درآمد «گفته شد که رکن الدوله ، عضدالدوله را به جانشینی خود انتخاب کرد و دو پسر دیگرش فخرالدوله و مؤید الدوله را تحت فرمان عضدالدوله قرارداد، اما فخرالدوله با عضدالدوله به

مخالفت برخاست و به یاری عزالدوله شتافت عضدالدوله، چون از امر عراق آسوده خاطر شد. در همین سال ۳۶۹ هـ ق به بلاد الجبل (مقصود قسمتی از غرب و مرکز ایران است) آمد تا بر همدان و دینور نھاوند چیره شود و قلعه های حسنویه گُرد را فتح کند و نیز تدبیر کار فخرالدوله را بنماید. (فقیهی، ۱۳۶۶، ۸۵)

از جمله قلاع دیگر در استان ایلام و شهر ایوان قلعه سایتان در جنوب غربی روستای کله جوب و شمال گنگیر دیوارهای بجامانده یک متر و سقف کلیه ساختمانها ویران شده مصالح آن از قلوه سنگ و گچ ساخته شده دارای ۱۰ اتاق با راهروهایی بهم متصل شده اند طاق قوسی و محیط آن ۲۰۰ متر در فاصله قلعه بناهایی از بین رفته اند به فاصله ۲۵۰ کیلومتری که در طرف غرب این قلعه تپه دیده می شود. تپه یا قلعه کلان، در جنوب دهستان کلان با فاصله ۳۰۰ متر در شمال گنگیر ارتفاع آن بیش از ۳۰ متر روی تپه ۶۰ متر طول و ۳۷ متر عرض داده این تپه در بین روستا کلان، نهرخان علیا و علمدار قرار گرفته و تپه یا قلعه خان نیز در غرب شهر ایوان در اثر فرسایش و کشت از بین رفته که آثار سفال آن چشم میخورد.

آثار منطقه میش لورنه (میه لورنه mayalavarena: در سمت چپ ساحل رودخانه گنگیر سمت راست جاده ایوان به سومار و نزدیک سومار غرب بقایای از ویرانه هایی یافت می شود با سنگ و ساروج و گچ که در کنار گورستان قدیمی است که سال ۱۳۵۷ توسط باستان شناسان بلژیکی حفاری شده است در اثر احداث جاده سال ۱۳۵۷ هـ ش قبرها نمایان شده اند که با سنگ درست شده اند و با تخت سنگهای بزرگ پوشانده اند قلعه بعدی قلعه محمدزمان یا گزخزینه یا قلعه جواهر در روستای نرگس در طرف شمال آن روستای اسماعیلی واقع است ارتفاع آن ۵۰ متر دارای شیب تند روی قلعه ۳۵ متر طول و ۳۰ متر عرض با راهروهایی که توسط اهالی مسدود شده خانم فریا استارک از قلعه محمدزمان به نام تپه نرگسیه یاد کرده است در شمال قلعه گورستانی می باشد اهالی آن را محل ضرب سکه حکام محلی منطقه می داند آنرا گزخزینه نامیدند. (استارک، ۱۳۶۴، ۲۰۵)

## ۶-۴-۱۱ محوطه تاریخی گاومیش (کَلگ)

این محوطه از شرق و جنوب به پادامنه ارتفاعات شره زول در منطقه کوهستانی سیاهگل از شمال به رودخانه گنیگر و جاده خاکی سرتنگ - سیاهگل، از غرب به زمینهای هموار حاشیه رودخانه منتهی و محدود می شود در حاشیه شمالی جاده و رودخانه به فاصله ۵۰۰ متری این محوطه واقع شده است. این محوطه شامل دو بخش مسکونی و نظامی دیده بانی (قلعه نگهبانی) بوده که اماکن مسکونی آن در پادامنه غربی ارتفاعات و مشرف به اراضی هموار و بخشی از اراضی زراعتی قلعه نگهبانی به دیده بانی آن به فاصله ۳۰ متری و با یکسری تأسیسات مجزا در بالادست محوطه بر فراز رشته تپه ماهورهای شرقی قرار گرفته که با دیدی کامل بر چهار جهت تنگه کاملاً مسلط می باشند این محوطه در حاشیه جنوبی رودخانه گنیگر در موقعیت جغرافیای  $E: 46^{\circ} 4' 50''$ ،  $N: 33^{\circ} 59' 40''$  بر روی نقشه توپوگرافی  $1/50000$  منطقه قرار گرفته است این محوطه در بخش شرقی و جنوب شرقی آن بسیاری از اماکن و تأسیسات آن در اثر تسطیح اراضی از بین رفته است وجود این محوطه و قلعه شمیران و آتشکده سیاهگل در مسیر راه باستانی سیاهگل به تنگه سرتنگ و دشت ایوان و زرنه اهمیت تاریخی آن را روشن می کند.

مصالح از قلوه سنگهای نتراشیده در ابعاد مختلف و ملاط گچ نیم کوب بصورت نامنظم شیوه معماری و نحوه اجرای اماکن، طاقها - طاقچه ها و خصوصاً مواد فرهنگی بدست آمده در مقایسه با سایر بناهای مشابه محوطه مربوط به دوره ساسانی است که در قرون اولیه اسلامی نیز سفالهایی یافت شده با نقاشی زیر لعاب احتمالاً وقوع زلزله نیمه اول سده چهارم هـ ق موجب تخریب آنجا شده سفالهای لعاب دار و بدون لعاب سفالهایی دارای خمیره قرمز و نخودی بوده از شاموت ماسه و شن در ظروف خشن خطوط خراشیده شانه ای خطوط مورب کننده زیکزایی بر روی شانه ظروف خالهای کننده نیشگونی و سفالهای لبه برگشته گردن کوتاه بدنه کشیده چرخ ساز لعاب سبز فیروزه ای - ابی

لاجرودی با نقوش نوار افزوده دور کمر با خطوط کنده مورب نقاشی زیر لعاب سبز لجنی پوشش گلی (اسلیپ) نقوش هندسی و اشکال هندسی ظروف آشپزخانه ای با شاموت شن و ظروف شیشه ای نازک به رنگ آبی روشن می باشند.

#### ۶-۴-۱۲ قلعه کوه خرمه چرداول

#### ۶-۴-۱۳ موقعیت جغرافیایی قلعه خرمه

این دژ در فاصله ۱۰ کیلومتری شمال شرقی چرداول قرار دارد که از جمله ارتفاعات زاگرس می باشد در جهت شمال غرب - جنوب شرق مشرف بر روستاهای شباب و زنجیره دامنه غربی بر دشت میان کوهی و دامنه شرقی بر شهرستان اسلام آباد رودخانه چنارج از شمال شرقی کوه عبور می کند دیوارهای دفاعی آن به طول ۱۰ کیلومتر در خط الرأس کوه و دارای غار باستانی، چاههای آب، محوطه و گورستانهای باستانی و اتاقهای دیده بانی در مرتفع ترین قسمت کوه است عرض دیوارها ۱/۵ متر و ارتفاع ۲ متر است دامنه شمال شرقی آن مشرف به دره «چم قیوله» این برج و دیوارها و دو روستا از جنوب شرقی و شمال غربی کوه را بهم وصل نموده است (محمودیان، ۱۳۸۳، ۳۶).

قلاع خرمه متشکل از اطاق و برجهای دیده بانی بر روی صخره های قله کوه ایجاد شده است مصالح بنا شامل سنگهای کلوخ و گچ است راهی برای عبور به داخل قلعه وجود دارد که قسمت غربی آن صعب العبور است قرار دارد نواحی شمال و شرق صخره های بلند و نفوذناپذیر اتاقها تخریب شده اند وجود برج دیده بانی و چاههای آب سفالینه های نقش دار نخودی و قرمز شباهت این دژ با قلعه اسماعیل خان ایلام را می رساند این قلعه متعلق به اواخر ساسانی و اوایل دوران اسلامی مورد استفاده بوده است. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۳۷).

#### ۶-۴-۱۴ نقش کاربردی قلعه خرّمه

کاربرد اصلی قلعه از آنجا که در نقاط استراتژیک با معماری خاص و مستحکم ساخته می شوند برای امر نظامی در مورد قلعه نیز از آنجا که بر قله کوه خرّمه بنا شده که دارای اتاقهای متعددی است که جمعیت بیشتر قلعه نشینان را نشان می دهد با دیوار و دژ محکم در قسمت شمالی و جنوبی و از آنجا که در خط الرأس شرقی کوه و بر لبه ی صخره ها مشرف بر دامنه های شرقی است و در موارد صعب العبور دژ قطع شده نشانه نظامی بودن آن است. (همان، ۳۸)

#### ۶-۴-۱۵ قلعه سام

این قلعه که قدمت آن به اواخر ساسانی و اوایل اسلامی برمی گردد از الحاقاتی که به قلعه سام اضافه شده چهار طاقی می باشد که مربوط به دوره اسلامی می باشد در سمت شمال غربی آن است سطحی بالاتر از قلعه یک دژ نظامی که به شکل مربع می باشد در چهار گوشه آن چهار نیم استوانه با زوایای جانبی احاطه کرده است که دچار فرسایش شده غیر از ضلع جنوبی آن، محدوده داخل دژ بر سطح نامنظمی است که بر بستر صخره قرار گرفته است ارتباط به سمت بیرون مجموعه که چشمه ای است برقرار می کند این الحاقات که بخشهایی که مجموعه پایین را مرتبط می کند یک محور حفاظتی و دیده بانی را می رساند تغییرات کاربردی و عملکردی در دوران بعد از اسلام نیست به دوره قبلش انجام گرفته است. (شکل ۶-۵) (همان، ۷۲)

## ۶-۴-۱۶ پشت قلعه آبدانان:

این قلعه رودخانه دویرج از پای آن می گذرد مصالح آن سنگ و گچ است دور تپه برج و بارو محصور با ارتفاع حصار ۳ متر دیوارهای قلعه تقریباً سالم با برجهای نگهبانی، بارو، شاه نشین، و اتاقهای مسکونی پلکان ... است دیوارها قلعه را به سه قسمت مجزا تقسیم کرده اند برجها در فواصل مساوی در اطراف دژ بصورت کنگره دار و اتاقهای کوچک دیده بانی و طاقهای قوسی شکل است اتاقهای نیم دایره طاقنماها در قسمت جنوب و جنوب شرقی است. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۱۹-۱۸) (شکل ۶-۶)

این دژ بیشتر جنبه نظامی دارد در قسمت غربی تپه تونلی به چشم می خورد به طول ۱۳ متر و ارتفاع ۳-۴ متر که از تراشی صخره ها ایجاد کردند و در قسمتهایی با سنگ و ساروج و بالای آن آثار برج دیده بانی به چشم می خورد احتمالاً برای آبرسانی بوده است جنوب غربی آن پنج اتاق به ابعاد ۴×۳ متر با سقفهای قوسی شکل کف اتاقها از سطح زمین پایین است و اتاقها دریچه دارند دور دژ را با کانال طبیعی خندق ایجاد کردند مصالح بکاررفته در قلعه سنگ گچ و ساروج است (محمودیان، ۱۳۸۳، ۱۵).

نحوه مساحت قلعه: بر روی تپه مشرف بر روستای پاقلعه قسمت شمال و شرق قلعه پرتگاه و قسمت غربی دیوار بلند با ارتفاع ۲ متر و عرض ۱/۵ یک دیوار حصار است همچنین در آبدانان قلعه هزار در نیز وجود دارد که قلعه هزار در، از سبک معماری این قلعه متفاوت است. (همان، ۱۹) (شکل ۶-۷)

## ۶-۴-۱۷ پشت قلعه ۲

در ۵ کیلومتری شهر آبدانان در جنوب ارتفاعات دینارکوه، سیاه کوه و دهلران و از شمال ارتفاعات کبیرکوه از شرق به استان خوزستان و از غرب به زرین آباد دهلران منتهی می شود این اثر مربوط به دوران ساسانی و اسلامی است و با پا قلاع چوار شباهت دارد



مصالح آن از سنگ و گچ نیم کوب دور تا دور آن بارویی بیضوی احاطه کرده و بر روی آن برجکهای بلند و دریچه های دیده بانی و طاقهای گهواره ای یا هلالی قرار دارد این بار و تخریب شد و تنها در بعضی قسمتها حدود ۳ متر باقی مانده است. در جنوب و جنوب شرقی محوطه بنای شاه نشین که مشرف بر کل محوطه و با طاقها و طاقچه ها هلالی از قلوه سنگ نتراشیده و ملاط گچ نیم کوب و دستی و اتاقهای مسکونی که  $\frac{1}{4}$  از فضای داخل محوطه را شامل می شود بخش مسکونی قلعه در بلندترین نقطه آن قرار دارد. اتاقها با طاقهای گهواره ای ، طاقچه ها به صورت نیمه مخروطه که گاه قطر بعضی از آنها به یک متر می رسد مصالح آن از قلوه سنگ بصورت درهم و گاه رگه چین و از گچ نیم کوب بعنوان ملاط استفاده کردند.

مشخصه برجهای متعدد دیده بانی راه و دسترس به آب (تونل) در مواقع اضطراری کاربرد نظامی آن را اثبات می کند تونل در قسمت غربی تپه در فاصله ۴۳ متری به طول ۱۳ متر و ارتفاع ۳ الی ۴ متر در درون صخره کنده شده در برخی قسمتها با طاقهای هلالی مسقف گردیده جهت گذار از قلعه تا تونل ۳۰ متر فاصله است که هنوز داغ دیوارهای آن موجودات است بر روی تپه نه چشمه و نه آب انباری می باشد. (پیرانی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۳۱)

با مقایسه این بقایا با آثار دیگر منطقه از لحاظ معماری مربوط به دوران ساسانی است که با مطالعه بر روی سفالهای سطحی محوطه مربوط به قرون اولیه اسلامی است در ۵ کیلومتری غرب شهر آبدانان جنب غربی روستای پشت قلعه حد فاصل روستای مذکور و روستای جابر الانصار (فرهاد آباد) تپه ای منفرد و نسبتاً مرتفع وجود دارد که رودخانه جاری از پادامنه ارتفاعات کبیرکوه در منطقه سراب آبدانان از پای آن گذشته و با حفر تنگه ای در قسمت صخره ای تپه آن را از سایر رشته تپه ماهورهای غربی مجزا نموده است.

صخره بصورت پرتگاه درآمده قلعه مشرف بر چهار جهت اصلی و مشرف بر کل منطقه است این قلعه که در دوران ساسانی و اسلامی برمی گردد امامزاده پیرمحمد در دوران اسلامی در قرن ۸ و ۹ هجری قمری برمی گردد. (همان، ۳۵)

**الف - برجهای نگهبانی:** به وسیله طاقهای قوسی شکل (طاق آهنگ) به شیوه ضربی مسقف بوده برجها با فواصل تقریباً یکسان در ابعاد (۲۰۰×۱۶۰) سانتی متر با پلان مربع با دریچه ها و طاقچه ها باز و کوچک و بزرگ در چند جهت دیده بانی طاقچه های هلالی مسدود که کاربردهای مختلف داشته است جزئی از تزئینات معماری بحساب می آیند درگاه ورودی برج در عرض ۱۰۰ سانتی متر دارای طاق هلالی و هم اکنون آثار ۸ برج نگهبانی بصورتی پراکنده نیم مخروبه این برجها در قسمت شمال و شمال شرقی، و یک دو مورد جنوب دیوار قلعه موجود می باشد. (پیرانی، ۱۳۸۳، ۳۵)

با پیگیری آثار فرهنگی - تاریخی برجای مانده بصورت شهرک یا آبادی و .... از غرب به شرق و یا بالعکس متوجه راهی تجاری - بازرگانی و یا گذرگاهی که این محوطه ها را به هم مرتبط نموده این گذرگاه از کنار این تپه گذشته است به شهر بزرگ جولیان و از آن به طرف شهرها یا راههای اصلی دیگر ختم می شده است احتمالاً کار حفاظت و کنترل و تأمین نیروی امنیتی راهها و کاروانها را بر عهده داشته است زیرا آنقدر گسترده است که عده کثیری در آن زندگی کنند و از طرفی خیلی محکم و با دقت ساخته شده است سفالهایی بدست آمده مربوط به قرون اول تا نیمه اول قرن چهارم هجری ۳۳۴ هـ ق (آل بویه) می باشند احتمالاً سال ۳۳۴ هـ ق همراه با زلزله تخریب شده چرا که مورخان زلزله را کل استان از جمله سیروان و ماسبدان ذکر نمودند.

پشت قلعه یعنی شهری که پشت قلعه موجود می باشد و قلعه هزاردرب نیز شامل اماکن تودرتو دارای راهروهای باریک و بلند و سالنهای گسترده بوسیله درگاههای بیشمار به یکدیگر مرتبط می شود. در سده اول تا سوم هجری فعال بوده مصالح آن از قلوه سنگ و گچ نیم کوب ساخته شده است همانند پشت قلعه است.

دلیل ساخت پشت قلعه کاربری نظامی توده و می توان وجود یک راه باستانی در محل عنوان نمود این مسیر راهی فرعی بوده که از ارتفاعات و پادامنه ارتفاعات دینارکوه گذشته و پس از آن با گذر از محوطه تاریخی جولیان، سراب داغ، سیاه کوه و مورموری، دشت عباس و ... به دشت خوزستان متصل می گردید. (پیرانی، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۳۸-۳۸)

#### ۶-۴-۱۸ قلعه هندمینی (شهر درون)

آثار شهر باستانی با دیوارهای سطحی شیب دار پلکانی، آسیاب و شبکه آبرسان و خانه های مسکونی با اطاقهای دیده بانی بر سر راه ارتباطی در دامنه شمالی کبیرکوه در جنوب بدره که طول آن ۵۰۰ متر و عرض ۲۰۰ متر از قلوه سنگ که دارای ۵ دروازه، دروازه شمالی آن به فراش معروف است که بزرگترین دروازه آنست و از راهی به نام فراش شروع شده و به غاری به نام قلاع در شرق دره منتهی می شود از سنگ فرشها، ایستگاههای بجای مانده در مسیر این راه پرفت و آمد که با قلعه حاکم شهر در ارتباط بوده انتهای راه به دروازه ای به نام «ماکانی» ختم می شده است دو چشمه آب در مسیر راه به نام کیمو و آیره قرار دارد دیوار پلکانی سنگی در بعضی موارد از ملاط گچ استفاده شده ارتفاع در جایی که شیب بیشتر دارد ۵ متر است و در مواردی از سنگهای تراشیده با عرض ۵ تا ۱۰ متر و طول ۵۰۰ متر می باشد. شبکه آبرسانی آن با آسیابهای آبی و آبشار ارتباط داشته است که در فاصله ۳۰۰ متری شمال شرقی آن می باشد آسیاب آبی با سنگ و ساروج لوله استوانه ای قالبهای ۵ متری برای ورود به آن شبکه ای ایجاد شده از سه لایه شامل سنگ و گچ و ساروج. (کریمی، ۱۳۸۰، ۷۸)

وجود آب انبارها، سیلوهای ذخیره آذوقه، کوچه ها، ساختمانها، معابر، دو جوی از دو طرف چشمه آب درون و درست کردن پلکانهایی برای سطح شیب دار و بیش از ۲۰ آسیاب در شرق دره و ۵ چشمه آب آهکی هر یک درون غاری یا زیر صخره ای واقع است آب انبارها درست کردند که عبارتند از چشمه های (کیمیا) آره درمان باوه سلمان و وجود و مقبره مقدس بنام شاه زنگی و خدریا خضر و قلعه صعب العبور که خانم استارک در

مسیر سفرش آثار عصر آهن و مس و سفال قرمز رنگ یافته. قبرستان آن را به هزاره اول ق.م می داند که نقوش حیوانی بر روی قبرها بکار رفته است. هر چه از طرف شرق دره به غرب سرازیر شویم از عظمت ساختمان کاسته می شود که احتمالاً این قسمت خانه های کوچک مربوط به طبقات پایین اجتماع باشد. و در مدخل ورودی دره مقبره ای وجود داشته که به شاه زنگی معروف است شاید همان رکن الدین باشد که با سنگ و گچ ساخته شده و زیارتگاهی برای اهل محل می باشد. (کریمی، ۱۳۸۰، ۷۹)

در محله ای به نام چهل میخی آثار ساختمانی در ابعاد ۳×۳ با قلوه سنگ و گچ و آجرهای قهوه ای رنگ با پوشش کف و غاری در ۱۰۰ قرآن که عرض ۲ متر و ارتفاع ۳ متر دیده می شود اطراف آن انبار غله و آثار ساختمانی چند طبقه با نوع طاقهای منظم هندسی. علاوه بر آثار تاریخی پشته درون و سربند بناهایی از سنگ و گچ ساخته شده دارای اندود ساروج می باشد یک قبرستان دوره اسلامی متأخر نیز یک راه ارتباطی در دره درون وجود دارد آن راه در انتهای محوطه یال جنوبی به سمت ورودی دره و روستای فعلی «آب چشمه» ایجاد شده است راه یاد شده ۲/۵ متر عرض دارد دیوار سنگی را تراشیده اند تا برای ارتباط مهیا شود و سفالهای قرمز رنگ و نخودی و چرخ ساز و خمره های بزرگ به سبک دوران مختلف دیده می شود (همان، ۷۹).

#### ۶-۴-۱۹ قلعه های جنوب استان ایلام

#### ۶-۴-۲۰ قلعه شهاب زرین آباد (شیخ)

این قلعه در منطقه زرین آباد از توابع شهرستان دهلران در محدوده ای نسبتاً بلند از شمال به جاده شوسه روستای بردی از شرق به دره عمیق از جنوب رودخانه متصلی شهاب از غرب زمینهای کشاورزی دره های پیرامون به طول ۱۷۶۰ ساخته اند شامل چندین دیوار است

الف - دیوار غربی : در جهت شمال به جنوب با طول ۵ متر پی بنا ۵/۵ متر عرض

دیوار ۲ متر با مصالح قلوه سنگ ، گچ ، قطر دیوار ۶ متر

ب - دیوار جنوبی : به طول ۱۲ متر که اتاق نگهبانی در جنوب غربی آن است.

ج - دیوار شرقی : دیوار به طول ۱۵۰ متر در جهت جنوب به شمال است (محمودیان، ۱۳۸۳، ۲۳). بنای حصار در جبهه شرقی به طول ۱۰۰ متر شمالی - جنوبی و دره ای به عمق ۵۰ متر در حاشیه شرقی آنست

د - دیوار شمالی : بنای اصلی قلعه در قسمت شمالی آن ساخته شده که تخریب شده طول این دیوار ۴۰۰ متر است. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۳۵)

این محدوده ۲۰۰×۲۰۰ متر و دیوار حصار به طول ۱۷۶۰ متر می باشد از آثار سفال خشن و چرخ ساز و نخودی ساده و بدون لعاب با تزئینات نواری و مصالح سنگ و گچ مشاهده می شود. (همان، ۳۵)

ارتفاع دیوار اتاق شماره (۱) ۲/۸۰۰ قرائت آثاری از فیلیپوشی در جنوب شرقی فضا دیده می شود فضای شماره (۲) دارای دو در ورودی و اتاق شماره چهار دارای طاق ضربی فضای شماره (۳) دو در ورودی با طاق ضربی به عرض ۱/۴۰ متر فضای شماره (۴) دارای ۳ در ورودی عرض فضا ۲/۵۰ متر سقف آن قوسی شکل است فضای شماره (۵). احتمالاً این فضا دالان اصلی قلعه می باشد. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۴۰)

حصار اصلی قلعه : قر دیوارهای قلعه ۱/۸۰ متر با مصالح قلوه سنگ و گچ دیوار جبهه شمالی مشرف به پرتگاه که چهار متر پایین تر از قلعه ساخته شده است سفالها با تزئینات نقش برجسته ، طنابی نقش کند، متعلق به دوران ساسانی ولی برخی آن را به قرون اولیه اسلام تا دوران متأخر می دانند. (همان ۴۱)

#### ۶-۴-۲۱ قلعه میمه ی زرین آباد

میمه مرکز بخش زرین آباد از توابع شهرستان دهران است که در منطقه بیلاقی و دامنه جنوبی رشته کوه عظیم کبیرکوه واقع شده است و این رودخانه از شرق دهلران عبور کرده از مرز خارج می شود. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۳۸)

شرح اثر: منطقه میمه بخاطر موقعیت خوب کشاورزی و پوشش جنگلی شرایط مناسبی برای انسانها در ادوار گذشته بوده است این قلعه در شمال میمه بر فراز تپه ماهورهایی مشرف به کلشهر و جاده اصلی ایلام - میمه ساخته شده است که مساحت قلعه ۳۵×۱۷ متر شامل زیرزمین، راهرو، اطاقها، برج دیده بانی، پله مصالح قلوه سنگ، گچ و نمای داخلی دیوارها با ساروج اندود شده است. (همان، ۳۹)

#### ۲۲-۴-۶ قلعه پنج برار مورموری (قلعه تاجیر)

موقعیت جغرافیایی: در کوهپایه های جنوبی مشرف بر دشت مورموری بر بلندیهایی شرقی مشرف بر رودخانه پنج برابر باقی مانده است. در جنوب تپه ماهورهای جبهه جنوبی است دژ پیرامونی با سنگ و گچ ساخته شده ابعاد دژ ۸۰×۶۰ متر می باشد حدود ۷ کیلومتر با بخش کلات مورموری فاصله دارد عرض دژ ۱/۵ متر حصار قلعه مربع شکل و با نظم هندسی در چهارگوشه بنا دایره ای شکل بنا محل و جایگاه نگهبانی از قلعه می باشد. با گچ اندود پر قوت سوراخهایی برای نگهبانی و پاسداری از قلعه است حاشیه غربی اثر، رودخانه پنج برار جریان دارد آسیابهای متعددی قلعه فعلی اسلامی است پی بنا شواهد فرهنگی سفال خشن با شاموت سنگریزه بنای داخلی دژ ۴/۵×۷/۵ متر که ۵۰ متر از پی دیوار باقی است این بنا تخریب شده است. (محمودیان، ۱۳۸۳، ۴۹) (شکل ۶-۸)

#### ۲۳-۴-۶ قلعه سیس مورموری

قلعه سیس مورموری در محدوده غربی رودخانه پنج برار قرار دارد این قلعه در ۷ کیلومتری شمال غربی مورموری می باشد رشته کوه کاسه ماس و رودخانه پنج برار. اتاق ها، دالان سراسری و حیاط مرکزی زمینی به ابعاد ۲۵×۲۵ متر به قلعه سیس معروف

است اتاق ها در جهات مختلف به سمت حیاط مرکزی است سفال خشن قرمز و نخودی و ساده است شمال شرقی بنا آثار خروجی کوچکی دیده می شود طاق بنا قوسی لاشه سنگ موجی و گچ اندود شده است. (همان ، ۵۳)

## بخش سوم: پل ها

### ۵-۶ معماری پل

با بررسی ویرانه های به جای مانده از قدیمی ترین پلها درمی یابیم با آنکه پل سازی پیشینیان در عهد خود یکی از شاهکارها بوده؛ ولی به علت عمیق بودن وسط رودخانه، عدم وجود اسباب و ابزار کافی و در نتیجه عدم رعایت پاره ای از نکات فنی، پایه ها بتدریج در اثر شسته شدن ویران می شده اند بعضی از پل ها پایه های مربع شکلند و در دوره ساسانی پایه های شکل تکامل یافته تری گرفتند و از وسعت بیشتری برخوردار گشتند.

الف) آب برها: اکثر پایه های پل مثلثی شکل یانیم دایره ای ایجاد می گردند. جهت خنثی سازی رانش حاصل از طاقهای بزرگ، نقش استحکامی پل در مقابل فشارهای سرسام آور آب در هنگام طغیان رودخانه ها در دوام پل تأثیر بسیاری دارد که از جمله کاربریهای مهم آب برها هستند.

ب) طاق دهانه ها: با توجه به خرابی پلها و مرمت آنها در دوره های بعد قوس پلها در دوره ساسانی به تکامل خود رسیده است. اکثر پلهای آن دوران دارای طاقهایی به فرم بیز یا هلوچین بوده اند، لیکن در دوران اولیه اسلامی بتدریج طاقهای تیزه دار یا جناغی به صور مختلف برای ساخت طاقها برگزیده شد تا قرن دهم فرم اصلی اش اجرا گردید لیکن در دوره صفویه فرم طاق دهانه های پل به خیز کمتری تمایل پیدا کرد پنج او هفت معمولی یا متوسط که به نام شاه عباس مشهور است رواج یافت.

کانه یا کنو: برای اینکه جلوی رانش طاقهای بگیرد بر روی پایه ها و اغلب عمود بر آنها دهلیزهایی ساخته می شد به آن کانه یا کنو می گویند. در دوران اسلامی پایه های کوتاهتر هستند این دهلیزها نقش مهمی در افزایش مقطع جریان آب در هنگام سیلابها و طغیان رودخانه ها ایفا می کند. کنونها به دو صورت پنهان و آشکار بودند.



ج) میل راهنما: یکی دیگر از راههای خنثی سازی رانش طاقها وجود میلها یا ستون باریکی بر روی پایه ها و طرفین طاقهاست که نیروی اضافی ایجاد می کند عده ای باستان شناس این میلها را وسیله جهت پیدا کردن معبر اصلی پل در هوای تاریک می دانند. (کیانی، ۲۰۹-۲۰۷)

پشتبند: راه حل دیگر جهت خنثی سازی رانش طاقهاست گاه بصورت منشور و گاه مستطیل شکل و پاره ای به شکل نیم استوانه ای و یا مخروطی می باشد. مصالح پلها در دوره هخامنشی و ساسانی از سنگ تراشی بتهای آهنی یا سرب مذاب و دوره های بعد اسلام از آجر با ملاط قیر چارو، ساروج و گچ استفاده می کردند در پایه سنگ لاشه و سنگ تراشی، آهک (چسبنده) به عنوان ملاط استفاده می کردند.

#### ۶-۵-۱ پل سازی در دوران اسلامی

با ورود اعراب به ایران پل سازی در یک یا دو قرن کند شد و این جریان به ۳(عامل) بستگی دارد:

- ۱- اعراب فاقد رودخانه بودند و فاقد امکانات علمی
  - ۲- فقدان امکانات و آشنا نبودن با موقعیت محلی
  - ۳- اشتغال به مسائل نظامی و سیاسی مدارک در خصوص اولین پل دروه اسلامی
- لسترنج در کتاب جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی از پل سنگی نزدیک شهر ارجان بر روی رودخانه تاب آن را به دیلمی پزشک حجاج بن یوسف ثقفی نسبت می دهد. احداث پل از قرن چهارم به بعد پیشرفت بازسازی پل های قدیمی به ۲ صورت در قرون اولیه اسلامی انجام گرفت:

الف) تقویت و مرمت طاقها:

این نوع مرمت تکمیلی نیز نامیده می شود در زمانی صورت می گرفت که بخشهایی از طاق چشمه های پل نیاز به تقویت داشت این نوع تعمیرات بیشتر در پلهای

منطقه خوزستان، لرستان و فارس دیده می شود. مهمترین پلی که تقویت شده پل کوار است بر سر راه فیروزآباد بر روی رودخانه قره آقاج در زمان ساسانیان موجود بوده ولی در عصر آل بویه چند دهانه آن مجدداً زیر بندی شده است.

ب) احداث طاق بر روی پایه های قدیمی :

این کار محاسنی دارد از جمله هزینه پی کنی و شالوده ریزی و پایه سازی صرفه جویی می شود. پایه های بعضی از پل ها که بر روی صخره طبیعی قرار داشت دارای استحکام و مقاومت زیادی بوده مهمترین پل هایی که پایه های ساسانی داشته و طاقهای دوره اسلامی چند پل در لرستان که به وسیله ابوالنجم بدر بن حسنویه مرمت گردیده است. معمولاً قرار گرفتن پل در مسیر راهها بر مدعای سوق الجیشی بودن این راههاست از جمله پل کر و دختر سیمره پل دختر ممولان، پل کشکان (فره وشی، ۱۳۷۴، ۵۴).

## ۶-۵-۲ روش ساخت پل در دوران اسلامی

۱- تعیین دهانه ۲- محل انتخاب ساخت پل ۳- تعیین هواکش پل (فاصله حداکثر،

آب طغیان تا زیر سقف پل) ۴- عملیات حفاظتی پل

پل نوعی ابنیه هندسی است که برای عبور از مانعی به منظور ادامه راه ارتباطی ساخته می شود در اصطلاح به منظور برقرار ارتباط روی فرورفتگیها صورت می گیرد هر پل از ۵ قسمت تشکیل می شود:

۱- سقف ۲- پایه ها ۳- پی ها ۴- کف بندی ۵- اتصال پل به راه

هر دهانه پل به راه روی دو پایه یا تکیه گاه قرار دارد بین دو تکیه گاه را دهانه می گویند آن قسمت که روی دو پایه را می پوشاند سقف نامیده می شود. چنانچه پل بر محور رودخانه عمود باشد پل راست و چنانچه غیر از زاویه ۹۰ درجه تشکیل دهد پل مورب و

بالاخره اگر محور طولی پل منحنی باشد پل پیچ نامده می شود (شالچیان، ۱۳۶۴، ۱). اکثر پل های تاریخی نوع اولند.

### ۶-۵-۳ روشهای نگهداری و حفاظت از پل

**دیوار مایل** از آنجا که مصالح ساختمانی پل از سنگ (لاشه تراش) قلوه سنگهای درشت ته رودخانه و سنگهای لاشه نزدیک محل احداث جهت نمای خارجی پایه ها و طاقهای سنگهای تراشدار و در دوره بعد از اسلام آجر خصوصاً طاق زنی و گاه در پایه و در بعضی موارد از شیر و تخم مرغ جهت استحکام و از آهک بخاطر چسبندگی آن آهک هوابند بیشتر در ملاط و ساروج استفاده می کردند (کرجی، بی تا، ۶۳) و از آهک آبند در پایه ها و پی ها استفاده می کند.

**طرز تهیه پودر آهک هوابند**: خرده خاکستر کوره آهک پزی با خاک رس و موادالیافی (لوثی) مخلوط کرده ملاطی جهت پایه پلها و سدها بدست می آورند .

**ملاط قیر چارو**: از شیره آهک با انگور و خرمای سوخته و گل رس خالص و شکر سنگ بدست می آید . احتمالاً در دوران اسلامی بکار می رفته است.

**ملاط گچی**: در طاق چشمه پلها گچ با مخلوط گچ و خاک.

**ساروج**: در دوران اسلامی تا اواخر قاجار در پل بندی استفاده می کردند .

**آهن و سرب**: پلهای دوران قبل از اسلام و اندکی از پلهای اسلامی از دو نوع مصالح که قسمت درونی پل از قلوه سنگ و نمای خارجی آن سنگ تراش دارد و برای استحکام قسمت درونی از بستهای آهنی و سربی استفاده می کردند و یا بوسیله سرب مذاب فواصل پلها را محکم می کردند. (مخلصی، ۱۳۷۹، ۱۲۳-۱۲۸).

**میل راهنما**: جهت خشی سازی رانش بر روی پایه ی طاق و دهانه ها به دو نیروی عمودی و افقی تبدیل می شود.

**پشته ها:** بر روی پایه ها رانش حاصل از قوس در دوره اسلامی بر روی این آب برها تکیه گاهی به اشکال گوناگون جهت وسعت دادن به پایه قوسی برای انتقال نیروی مایل و تقویت پایه ها ساخته می شد پشته ها به صورت نیم استوانه ای ، مخروطی، مستطیل ایجاد می شد. (مخلصی ، ۱۳۷۹ ، ۱۰۵۰۱۱۲)

**جان پناه :** طرفین پل را با دیوارهایی کوتاه ۱/۵ متر برای حفاظت از جان مسافرین و گاهی میل راهنما برای هدایت مسافرین که جان پناهی وجود ندارد می ساختند.

تزئینات بکاربرده در پلها بعد از اسلام آجر کاشیکاری که با پس و پیش گذاشتن آنها در عمل رانش نیز مؤثر بودند فقط تعداد معدودی پل از کاشی آن هم در لچکی طاقها بکار رفته است نقاشی در وسط پلها بطور اندکی دیده شده است اشکال هندسی به رنگهای زرد آبی سیاه حاشیه از کاشی و آجر مشتمل بر اشکال هندسی برای تزئین و سنگتراشان نیز سنگهای را برای تزئین پلها و زیبایی آن می تراشیدند.

دیواره سازی: جهت محافظت از طغیان بالا دست و پایین دست بند بوده و طول آن گاهی به دهها متر ۲ متر ضخامت از سنگهای بزرگ مایل ساخته می شده است.

#### ۶-۵-۴ اشکال مختلف پایه ها (موج شکنها در پلهای تاریخی)

پایه ها ۶ فرم دارند :

- ۱- نوک تیز زاویه دار ۲- پایه و پی منحنی ۳- پایه دو طرف زاویه دار و نوک تیز ۴-
- منحنی ۵- پلها پایه و پی در جهت مخالف جریان آب موج شکن زاویه دار و نوک تیز. و
- از طرف دیگر منحنی ۶- پلهایی که در دو جهت بالا دست و پایین دست دارای فرم آبشکن نیست.

شکل پایه ها به ۳ عامل نیاز است:

۱- عامل وزن ۲- سطح اتصال پل به بستر رودخانه ۳- شکل پایه پل که در میزان

جذب نیرو مؤثر است.

شکل پایه ها به آنها عملکرد آب شکنی می دهد که باعث می شود نیروی کمتری به

پل وارد شود. ۳ عامل وزن، شکل، سطح اتصال که اثرات فشار را خنثی می کند. شکل‌های

نوک تیز و منحنی جریان آب به سمت آبراه‌های پل هدایت شود در مواردی که جریان رود

تند است آب شکن ها در این موارد بصورت نوک تیز و زاویه دارند و در مواردی که رود

جریان آرام دارد بصورت منحنی و گرد است. (شالچیان، ۱۳۶۴، ۴۲)

#### ۶-۵-۵ روش اجرای طاقها در پلها

۱- اجرای ضربی

۲- اجرای رومی (منحنی)

طاقهای تیزه دار دارای رأس تیز از تقاطع دو قوس منحنی ایجاد می شود جناغی می

گویند به ۳ گونه تند کندکفته تقسیم می شود. طاق چهار بخش: از تقاطع طاق گهواره ای

چهار گوش بر روی ۴ دیوار برابر یا چهار تکیه کند بر روی ۴ نقطه ۲ پل استثنایی که

کاربرد زیادی ندارد.

#### ۶-۵-۶ فرم طاقها در دهانه پلها

طاق هلوچین یا بیز: اکثراً قبل از اسلام و پاره ای اسلام طاق بصورت بیضی که

بصورت تند و کند و کفته اجرا می گردد .

هلوچین تند: از استحکام بیشتری در دهانه بزرگ برخوردارند که از بهترین طاق

چشمه ها است .

هلوچین کند: قدرت ایستایی در دهانه بزرگ ندارد باید در دهانه کوچک به کارگرفته شود فرم این دهانه بیضی نزدیک به دایره است مثل پل بیستون هلوچین گفته: شامل انواع بیضی های خوابیده که بعلت عدم استحکام در دهانه بسیار کوچک ایجاد شده است.

## ۶-۵-۷ پل های تاریخی ایلام در دوران اسلامی

### ۶-۵-۸ پل چَم نمشت

این پل در مسیر رود سیمره، و ۴ کیلومتری شمال درّه شهر، مقابل روستایی چَم کلان احداث شده است. مصالح ساختمانی آن را قلوه سنگ و ساروج تشکیل می داده اند، و در حال حاضر بقایای پایه های بیرونی و موج شکنهای آن دیده می شوند کیفیت معماری پل، نوع مصالح بکاررفته، و روش ساخت آن، با آثار تاریخی دره شهر مطابقت دارد و رسیدن قدمت ساختمان آن به دوران ساسانی، محرز است این پل که ظاهراً تا سده های اخیر مورد استفاده بوده است با خطی مستقیم به دهلیز ورودی آثار دوران ساسانی دره شهر، مربوط می شود. (کامبخش فرد، ۱۳۸۰، ۶۱)

ابودلف جغرافیدان و جهانگرد عرب که در سالهای ۳۳۱-۳۴۱ هـ ق، از شهرهای ایران دیدن کرده است می نویسد: «میان سیمره و طرهان، پل بزرگ زیبا و عجیبی برپا می باشد که دو برابر پل خانقین است. (ابودلف، ۱۳۴۲، ۶۱)

یاقوت حموی معجم البلدان (۶۲۳ هـ ق) ضمن توصیف شهر سیمره، درباره پلی که بر روی رود سیمره واقع است، می نویسد: «سیمره هم نخل و هم زیتون و هم بادام و هم برف دارد و در راه بین سیمره و دهکده مجاور آن طرحان، پل عجیب و شگفت انگیزآوری می باشد که از عجایب پلهای عالم است...» از آنجا که پل چَم نمشت به فاصله ۴ کیلومتر از دره شهر فاصله دارد بستر به عمق ده متر پایین تر از پایه های پل برای خود ساخته است تخته سنگها در ساختمان پایه ۱ متر عرض و بیش از ۱ متر طول دارد نما و زنجیره های

طاقها از روی پایه با آجرهایی بزرگ ساخته شده اند پل از شمال به دامنه کوه «مه له» mala که جنوب طرحان و رومشکان محصور کرده است دنباله راه صیمره و طرحان از تنگه موسوم به میروره mirora از آن می گذرد پیش از اسلام با سنگ و ملاط عریض شده است از این راه اکنون عبور و مرور نیز می شود که نزدیکترین راه طرحان به صمیره است (ایزد پناه، ۱۳۷۲، ۴۲۳). سر اورل استین سال ۱۳۱۴ چنین نوشته است: این پل معروف به چم آب برده است اما پل از رودخانه ای که زمینی سخت متشکل از گچ و آهک یک تا نیم میل فاصله گرفته پس از چم آب برده به طرف گردنه حرکت کرده و از گردنه بالا رفتیم آنجا سراسیبی کم بود زمینی هموار و مسطح این زمین «رومشگان» قسمتی از طرحان است استین ختم نواحی صمیره را به اینجا آورده است و بعد از آن اولین مکان طرحان شروع می شود. (کریمی، ۱۳۲۰، ۱۲۵)

این پل ۱۸ چشمه داشته و اندازه دهانه هر طاق، بین دو پایه، ۱۵ متر و طول تمام پل بیش از ۲۷ متر است این پل ارتباط دهنده صمیره به طرحان بسوی کشکان و خرم آباد امتداد یافته است با وجود چشمه ها و نیز طول آن از پل گاومیشان به مراتب کوچکتر است (افشار سیستانی، ۱۳۷۲، ۲۳).

### ۶-۵-۹ پل کر دختر (پل جایدر)

از بناهای ساسانی بسیار خوب و سومین پلی است که بر روی رودخانه صیمره احداث شده است از آنجا که آب رودخانه تغییر مسیر داده است این بنای عظیم بر سر راه جاده شوسه اندیمشک به خرم آباد واقع است بعضی پایه های آن هنوز پابرجاست از کنار پل جاده به دو قسمت تقسیم می شود راهی بطرف خرم آباد و راه دیگر کنار رودخانه کشکان با پیچ و خم تا به ملتقای رودخانه کشکان و صیمره می ریزد این پل بر روی رودخانه کشکان قرار دارد. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۱۶).

پل کرودیت (پسرودختر) نیز دو مسیر روستای چم بور از توابع جرداول واقع شده  
قدمت آن به زمان ساسانیان برمی گردد (شکل ۶-۹)

**۶-۵-۱۰ پل گاومیشان:** بر روی رودخانه سیمره پس از تلاقی با کشکان ایجاد شده  
است نام گاومیش به معنی محل پرورش گاومیش یا «گومیشه» می باشد سر اورل استین  
گاماسا آورده که از ۲ کلمه گاوه و ماش گاو به معنای گاو و ماش به معانی گاومیش یا گاو  
میشو(نر) هر چند که پایه های آن مربوط به دوران ساسانی است اما در دوره اتابکان  
لر کوچک تعمیراتی بر آن یافته است قوس جناقی با آجر مرمت شده است پایه های آن از  
دوره ساسانی بجا مانده در دوره اوایل اسلام استفاده شده است ۵ چشمه بزرگ دارد که فقط  
یک چشمه آن باقی مانده است پایه ها و تکیه گاههای اصلی پل مدور و قطور هستند  
مصالح آن از سنگهای مکعبی بزرگ و تراشیده در ابعاد مساوی بصورت رگ چین بر روی  
هم چیده شده و پایه های اصلی پل را بوجود آورده اند که از قلوه سنگ و گچ پر شده اند  
و سقف آن آجر می باشد طاقهای جناغی و دالان ها، راهروها همگی از آجرها در ابعاد  
۲۵×۲۰ سانتیمتر نمای داخلی ملاط گچ مزین شده این پل طاقچه های مسدود و باز و موج  
شکن هایی دارد بوسیله راهروها به چند پله بهم متصل می شوند وجود پله ها در میان  
دالان ستون بیانگر این امر است این پل فقط یک پل ارتباطی نبوده با توجه به راهروهای  
داخل اتاق ها پلکان و کاروانسرا بعنوان سرپناه بهنگام عبور استفاده می کرده اند سال ۳۳۴  
هـ.ق بر اثر زلزله تخریب و در دوره های بعد مرمت شده سال ۱۰۰۸ به گفته راولینسون  
توسط حسین خان بزرگ والی ایلام و لرستان به طول ۱۸۰ گام تعمیر نموده است. (کریمی،  
۱۳۲۹، ۱۷۸-۱۱۷)

گاومیشان تازه تر مربوط به اوایل اسلام است کلمه بدر «اطا» به خط کوفی  
یادگاری از بدر پسر حسنویه متوفی ۵۵ هـ.ق است که احتمالاً آن را تعمیر کرده است  
اکنون تمام رود سیمره با بستری که از کوه ایجاد کرده بین دو پایه آخری عبور می کند که



طاق آن نیز شکسته است سایر چشمه ها سالم مانده اند بستر رود صیمره ۸ متر پایین تر از کف چشمه های پل است.

مشخصات پل: پل از شرق به غرب ۲۳ متر و دارای ۱۲ چشمه که ۸ چشمه آن بزرگ است اندازه هر دهانه طاق ۱۴/۵ متر بلندترین طاق ۱۴ متر ارتفاع چهار طاق شرقی ۱۵ متر طول و عرض هر پایه ۱۶×۷ متر که بلندترین طاق به تپه غربی منتهی می شود پهنای کنونی روی پل ۵/۵ متر بدنه طاق در جهت افقی معابری با طاق بلند تعبیه شده است. (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۴۲۸) (شکل ۶-۱۰)

#### ۱۱-۵-۶ پلهای ایوان

در مسیر سومار به ایوان دو پل بزرگ و کوچک بنامهای پل چهار دهنه در نزدیکی سومار و بر روی رودخانه گنگیر و پل یک دهنه شیرپناه که بر روی یک مسیل رودخانه فصلی در ۱۰ کیلومتری جنوب طاق شیرین و فرهاد قرار گرفته با توجه به اینکه یک راه باستانی بصورت میان بر در این محل وجود داشته که از طریق دشت سومار به تنگه رودخانه کنگیر «سیاه گل» ختم می شده است یک راه فرعی دیگر از طریق تنگه کوشک به طرف پل شیرپناه و پس از آن در مسیر طاق شیرین و فرهاد به دشت زرنه ختم و متعاقباً از طریق گردنه قلاجه به کرمانشاه و جاده ابریشم ختم می شده است این بنای فرهنگی از جمله بناهای بین راهی و اقامتگاهی بوده که به منظور انجام امورات مربوط به مرز و تردد کاروانیان و مسافرین و حتی چاپارخانه و یا نوعی مکان جهت اخذ عوارض قانونی بوده است.

#### ۱۲-۵-۶ پل یک دهنه شیرپناه

پل در موقعیت جغرافیایی با مختصات  $N: 45^{\circ}55'5''$  و  $E: 33^{\circ}57'4''$  در ابتدای تنگه کوشک در منطقه کوهستانی در ۱۲۰ متری ساحل شرقی رودخانه کنگیر و در

۱۰ کیلومتری جنوب بنای طاق شیرین و فرهاد در ۲۷ کیلومتری شهر سومار، در ۳۵ متر و طول آن ۱۷ متر و عرض معبر ۴/۵۰ متر بر روی مسیل آبهای فصلی در جهت شرق به مغرب و مسیر شرقی رودخانه گنگیر می باشد طول تقریبی ۱۰ متر طول ۳/۵۰ متر ارتفاع ۸ متر عمق مسیل از سطح معبر پل حدود ۱۲ متر بوده است. بر روی دیواره پایه جنوبی پل، آثار خیز طاق تک چشمه پل در ارتفاع ۳ متر از کف و پایه پل به صورت قلوه سنگهای بیرون آمده از دیواره اصلی به چشم می خورد که با یک توصیف شروع خیز طاق چشمه پل در این ارتفاع بوده است در تنگه کوشک یکی از راههای باستانی در دوران اسبق بوده و در داخل تنگه از بنایی به نام طاق شیرین و فرهاد از آن بعنوان یک بنای بین راهی یاد کرده اند این پل بر روی مسیلی به طول ۱۷ متر احداث گردیده یکی از راههای اصلی و پرتردد می باشد که کاربری بنای طاق شیرین و فرهاد را بعنوان یک بنای بین راهی ثابت می نماید. (شکل ۶-۱۱)

#### ۶-۵-۱۳ پل چهاردهنه شرف آباد

پل چهاردهنه با تعداد چشمه های بیشتر از پل شیرپنا بر روی دروخانه گنگیر که ساحل شرق و غرب آن را در دوران اسبق جهت تردد کاروانیان به هم مرتبط می نماید این پل در ۵ کیلومتری شهر سومار در نزدیکی روستای شرف آباد در محل بریدگی صخره های سنگی تنگه ای ایجاد نموده اند که در کم عرض ترین قسمت بریدگی صخره ها آب رودخانه نیز به شدت در آن جریان دارد بنای پلی با چهار چشمه شناسایی گردید که ساحل شرق و غرب رودخانه را به هم مرتبط نموده و از آن طریق به دشت سومار ختم می گردد از پل چهاردهنه شرف آباد به طرف شمال (تنگه کوشک و تنگه رودخانه گنگیر به طرف سیاهگل و سرتنگ) کمی پایین تر محل تلاقی دو رودخانه گنگیر و کوشک قرار دارد این راه باستانی به دو بخش تقسیم می شود که کی از این راهها به طرف سیاهگل ادامه داشته که بیشترین آثار فرهنگی تاریخی مربوط به دوران ساسانی - اسلامی در ساحل جنوب

شرقی رودخانه واقع شده اند و دیگر راه به طرف تنگه کوشک و از کناره طاق شیرین و فرهاد گذشته و پس از آن هر دو به دشت زرنهایوان ختم گردیده و از طریق گردنه قلاجه به اسلام آباد و کرمانشاه و جاده اصلی متصل می شوند همانند بنای همعصر خود نیز از مصالح قلوه سنگهای نتراشیده در ابعاد مختلف بصورت نامنظم بکار رفته و از گچ نیم کوب بعنوان ملاط استفاده گردیده است و مربوط به دوران ساسانی بوده که در دوران اسلامی نیز مورد استفاده بوده است.

#### ۶-۵-۱۴ نحوه بستر و پایه پل کرودیت

در آن محل که پل کرودیت قرار گرفته آب رودخانه در دو قسمت غربی و شرقی تقسیم شد است برآمدگی صخره ای در میان این دو شاخه و نزدیک بودن دیواره های ساحلی رودخانه به ویژه کناره های صخره ای آن عاملی بوده است تا سازندگان پل های قدیمی ، این مکان را محل مناسبی برای قراردادن پایه ها تشخیص دهند. بنظر می رسد در جهت شرقی به غرب پل دارای شش پایه بوده باشد (پرویز، ۱۳۸۰، ۲۲۷) سه پایه میان پل که بر روی صخره های برآمده بستر احداث شده اند و یک پایه در ساحل غربی میان شکافهای صخره ای که با تحمل آخرین طاق تمامی عرض رودخانه را پوشانده و ارتباط پل را با ساحل غربی برقرار کرده است. (همان، ۲۲۷) (شکل ۶-۱۳)

#### ۶-۵-۱۵ پایه های پل سیاه پله :

پایه شماره یک : فاصله بین پایه شماره یک و دو که تمامی عرض رودخانه را پوشانده بدرستی اندازه گیری نشده است. عرض دهانه ۲۰-۲۰ متر، طول پایه در سمت حرکت آب با احتساب نیم دایره ها ۱۴/۶۶ متر و ضخامت ۷/۶۰ متر می باشد ارتفاع پایه از کف صخره تا زیر پاتاق حدود ۴/۳۰ متر جدار خارجی پایه با سنگهای اهکی ساخته شده است هسته درونی پایه سنگهای پاک تراش بزرگ و زاویه دار در شش ردیف ممتد که

باعث مقاومت آن در مقابل ضربات فشار آب می باشد بخش میانی پایه ها که دیواره های طاق بر آن واضح است سنگهای قلوه ای شکسته بصورت غوطه ای ساخته شده است. (همان ، ۲۲۷)

#### ۶-۵-۱۶ پایه های کرودیت (پسر و دختر)

در منطقه کوهستانی غرب ایران بعلت وجود رودخانه های عمیق برای ایجاد ارتباط بشر نیاز به ساخت پل ها داشته است و از طرفی این پلها نشانگر تبحر معماران دوران گذشته را نمایان می کند. (پرویز، ۱۳۸۰، ۹۴)

پلها در مقابل آب، سیلاب، و مقاومت در مقابل طبیعت از مصالح مرغوب تر و مقاوم تر تکنیک برتر آورده شده است. وجود پل نشان می دهد که استان ایلام محل تلاقی جاده ها و شبکه عظیمی از راهها بوده است. (همانجا، ۹۶-۹۴) در پلها در دوران مختلف معمول شده اند قبلاً پایه پلها را بر روی صخره ساخته اند تا جریان آب پایه پل را تخریب نکند استان ایلام در مسیر شمال به جنوب ما بین استان خوزستان و همدان قرار گرفته در محور شرق به غرب نیز ارتباط اصفهان با تیسفون و یا بغداد از طریق این استان فراهم شده است همچنین جاده شوش به بیستون و شوش به ماسبدان راه انشعابی دیگر که از ایلام می گذشته است. (همان جا، ۹۶)

موقعیت مکانی : این پل بر روی سیمره غرب هلیلان از توابع چرداول واقع شده است که دارای ۵ دهنه و ۱۰۰ متر طول با راه عبور ۷/۶۵ متر بود که اینک تنها دو دهانه از آن باقی مانده است ارتفاع متوسط پل از سطح بام تا روی صخره میانی حدود ۱۳ متر است. (پرویز، ۱۳۸۰، ۱۴۰)

نام محلی پل کرودیت «سیاه پله»، سرطرحان، هلیلان، کرودیت (پسر و دختر) و یا پلدختر نیز در گزارش ها افزوده شده برای رسیدن به پل از طریق روستای چم بور بیژنون

(باریکه فرخیوند) امکان پذیراست والفرام کلایس بعلت شباهت پل با معماری پل کشکان مربوط به ۳۸۹ هـ ق آنها را همزمان می داند (ملازاده، ۱۳۷۹، ۲۱۳).

سراورل اشتاین اولین اروپایی در سال پنجم آوریل ۱۹۲۶ م موفق شد از پل بازدید نماید ۱۹۳۸ در مجله جغرافیایی تصاویر و توصیف پل در سال ۱۹۴۰ منتشر کرد. (پرویز، ۱۳۸۰، ۱۴۵-۱۴۰) اشتاین هدف از ساخت پل را اینچنین آورده است غیرممکن است از علت ساخت آن اطمینان حاصل نمود، شاید برای فراهم نمودن مسیر خوزستان به کرمانشاه از طریق هلیلان و طرهان در دو سمت رودخانه باری در طول حوزه و سواحل سمیره از نبود چنین وسیله ارتباطی افسوس خوردم. (stein, ۱۹۶۹ . p. ۲۴۰)

در زمان ساسانیان و اوایل اسلام ساخته شده اشتاین آن را توده عجیبی از مصالح آغشته خطوط حکاکی شده که خطوط قلاب مانند با زوایای قائم بلوکهای سنگ برید انتهای مخروطی شکل برای بسط و اتصال سنگها در داخل مصالح میانی پایه ها فراهم شده است همین روش توسط سنگ کاران رومی در سوریه استفاده شده است تأثیر معماری روم در سرزمین پارس در واقع در شکل تیزدادن این طاق به روشنی نماینگر احداث آن در اواخر ساسانی و اوایل دوره اسلامی که در قرن ۱۱-۹ میلادی تخمین زده می شود. (۲۴۱- ۱۳۶ . pp. ۱۹۶۹ و stein)

نمای غربی این پایه پانزده رج سنگ پاک تراش بکار رفته علت آن هم ناهمواری صخره بوده برای مقاوم بخشی به آن صدمه زیادی دیده و این تقویت بخشی است ضلع شرقی بیشتر می باشد.

پایه شماره (۲): این پایه بر روی پرتگاه مشرف به رودخانه چهار ضلعی در دو سوی آن آب شکن، نیم دایره ای است. (پرویز، ۱۳۸۰، ۲۲۷) طول پایه ها در جهت حرکت آب به احتساب نیم دایره ها ۱۴/۶۶ و ضخامت آن نیز ۷/۶۵ متر می باشد ارتفاع پایه از کف صخره تا زیر پاتاق حدود ۴/۳۰ متر می باشد پشت سنگهای پاک تراش توسط سنگهای بزرگ و زاویه دار ۶ ردیف ممتد تقویت شده تا فشار را تحمل نماید اما بخش میانی پایه

ها که دیواره های طاق بر روی آن واقع هستند توسط سنگهای قلوه ای و شکسته بصورت غوطه ای پر شده اند. (همان، ۲۲۷)

نمای غربی این پایه ۱۵ رج سنگ یا پاک تراش بکار رفته در مقایسه با علت تقویت این بخش را پایه ناهمواری صخره و مقاومت بخشیدن به پایه است. (همان، ۲۲۷)

پایه شماره ۳: فاصله پایه شماره ۳ تا کناری ۱۰/۲۰ متر می باشد این پایه نسبت به پایه ها مجاورش وضعیت بهتر دارد. سطح کلی پایه با احتساب آب شکن ها  $۱۶/۲۳ \times ۸۰$  متر است. (پرویز، ۱۳۸۰، ۲۲۷)

سنگهای بکاررفته در قسمت جلوی آب شکن ها تا حدودی بزرگترند که طول و عرض یک نمونه از آنها  $۹۰ \times ۷۳ \times ۳۹$  سانتی متر می باشد جداره خارجی پایه از کف صخره تا پاکار قوس به ارتفاع  $۴/۳$  متر توسط هفت ردیف سنگ حجاری شده پاک تراش رج چینی شده است نمونه از آنها به طول و عرض  $۶۵ \times ۶۰ \times ۳۵$  سانتیمتر می باشد پایه تقریباً مربع است با ابعاد  $۷/۶۰ \times ۷/۸۰$  متر که آب شکن های نیم دایره ای به شعاع  $۴/۰۳$  متر در جلو و  $۴۴$  متر در سوی دیگر پایه بیرون زده اند. (همانجا، ۲۲۷)

پایه شماره ۴: فاصله آن تا پایه سوم ۱۰/۲۰ متر است که تساوی فاصله پایه هارا هم نشان می دهد غیر از دو ردیف از سنگهای پاک تراش در جداره خارزی ضلع غربی زیر پاکار طاق این پایه بر روی صخره برآمده ای بنا شده است بخش اعظم مغز پایه به صورت غوطه ای از سنگهای دانه درشت رودخانه ای پر شده است.

پایه شماره ۵ و ۶: از چگونگی ختم پایه چهارم به ساحل شرقی اطلاعی در دست نیست تخریب پایه پنجم و بستر قرارگیری این پایه محل عبور شاخه شرقی رودخانه بوده است.

به فاصله ۳۴ کیلومتر از پایه چهارم مصالح بخشی اعظم آن در سرپل شرقی باقی مانده است. پایه شماره ۵ نیز با ضخامت ۸ متر و دهانه با عرض ۱۳ متر که با فاصله باقیمانده هم اندازه است ثابت بودن پایه شماره چهار با مصالح یافته شده قابل اثبات است.

## ۶-۵-۱۷ توصیف طاق ها

وضعیت طاقهای پل سیاه پله اینگونه است که دو طاق بهم پیوسته بر روی پایه های میانی فقط باقی مانده است و با توجه به پایه ها پل دارای پنج چشمه طاق بوده است. (پرویز، ۱۳۸۰، ۲۴۰)

احتمالاً بزرگترین طاق هم سطح سر پل غربی بوده که شاخه اصلی رودخانه از میان آن گذشته چیزی نمانده عرض آن  $7/80-7/60$  متر بوده است پایه ها نشان می دهد که پا طاق های این پل در یک سطح ساخته شده اند و در آخرین رج سنگهای پاکتراش باریک در محل پاتاق حفره هایی جهت تیرهای چوبی مشاهده می شود (همان، ۲۴۰).

حفره های ردیف اول، چهار سوراخ در یک راستا با فاصله  $2/30$  و قطر  $17$  سانتی متر و عمق  $190$  سانتی متر که این حفره های جای دستکهای چوبی جهت اجرای قوسی چوب بست بکار رفته اند شیوه ساخت قوسهای رومی حدود  $1/80$  متر از انحنای قوسی توسط یازده ردیف سنگ ها قواره ای ریشه دار در میان ملاط پشت خود محکم شده اند سنگها بصورت اریب ساخته شده اند.

چیدن طاق از دو سوی پایه و تواماً صورت می گیرد برای ساخت بقیه قوس از قالبهای تخته ای که توسط شمعک های چوبی نگهداری می شده است و از شیوه غوطه ای و یا دبه ای استفاده شده پس طاق با قوس رومی در بالا به هم قفل می گردد قوس دیگری با مصالح سنگ بر روی آن اجر می گردید که نقش اصلی انتقال بار بر روی آن است پس از اجرای «طاق روی سنگی» با شفته ریزی و دیوارچینی و کونال بندی مناسب روی قوس تا سطح گذر چیده و فرش می شود انحنای قوسی در زیر طاق با پوشش از گل و گچ اندود شده که اجرای قوس با شکل گیری و بقیه کونالها نیز همراه بوده است. کونالها به شکل اطاقهای مستطیل شکل که بطور قابل ملاحظه ای بار وارده بر گردنه قوس ها و پایه کاسته است نمای شمالی و جنوبی دیوارهای جانبی پل توسط سنگهای کوهی که در قواره های

مربع کوچک ساخته شده در ۲۴ ردیف به ارتفاع ۸/۵ متر تا سطح بان با سنگ روکاری شده بنظر می رسد دیوارها ۶ متر پشتبند بوده است.

هندسه قوس: بلندی طاق از بالاترین سطح تا کف بستر سنگی ارتفاع ۱۲/۷۰ متر و ضخامت طاق ۱/۷۰ متر ارتفاع زیره تیر تا کف صخره ۱۱ متر و افراز آن ۶/۷ متر برآورد شده است ارتفاع پاکار قوس تا کف صخره ای بستر، اندازه های متفاوت ۳/۵۵، ۳/۶۳؛ ۳/۸۵ و ۴/۳۰ متر نشان می دهد علت این تغییر قرارگیری کف پایه بر روی ناهموار صخره است دهانه طاق ۱۰/۲ متر فاصله دو پایه در دو دهانه همجوار یکسان تکرار شده.



**فصل هفتم**  
**بقاع متبرکه**  
**استان ایلام**

## ۱-۷ معماری بقاع متبرکه

از آنجا که بقاع متبرکه گویای وجود دوره اسلامی در استان ایلام می باشد در طول بعضی از راههای باستانی و شهرهای باستانی قبر امامزاده ها یافت می شود. از جمله در ایلام چهار بنای قدیمی وجود دارد باباپیرمحمد، سید صلاح الدین محمد در آبدانان ، بقعه مهدی صالح در دره شهر و بقعه سیدابراهیم در دهلران متعلق به قرن ۷ و ۹ هجری می باشد غیر بقعه مهدی صالح سایر بناهای مذکور یک اتاق ورودی که از طریق آن به اتاق مقبره می باشد ورودی آن در ضلع شمالی است نمای داخلی و بیرونی آن طاقنماهایی وجود دارد و هر سه دارای گنبدهای دپوش می باشند همچنین نمای داخلی و بیرونی این بناها با گچ پوشیده شده است و فاقد تزئیناتی مانند گچبری، کاشیکاری و کتیبه هستند در عین حال تفاوتی با یکدیگر دارند در بنای سیدابراهیم علاوه بر اتاق ورودی چند اتاق دیگر نیز وجود دارد بعبارت دیگر از چند واحد تشکیل شده است تفاوت این بناها از لحاظ گنبد می باشد که بنای سیدابراهیم بصورت هرمی هشت ضلعی و باباپیرمحمد بصورت هرمی دوازده ضلعی و گنبد سید صلاح الدین محمد بصورت مضرس یا ارچین می باشد مصالح بناها از قلوه سنگ بوده تنها گنبد بیرونی صلاح الدین محمد از آجر می باشد دارای ۳ سردابه گنبد بصورت تک پوشی داخل آن محرابی گچبری شده با آیاتی از قرآن کریم در ورودی آن در جهت شرقی می باشد ایوان بنا از الحاقات بعدی آن از قلوه

سنگ و گچ ساخته شده است. بناهای باباقاسم و محمدباقر شیروان دارای ظاهری قدیمی با نقشه مربع ساخته شده است. بنای محمدباقر دارای پلان چلیپایی می باشد در ورودی آن در ضلع شمالی و دارای گنبد نیمه کروی و از قلوه سنگ و گچ ساخته شده اند بقعه باباقاسم شبیه بنا تخریب شده مهدی خلیفه عباسی در ایلام می باشد که طبق منابع تاریخ قرن ۶ هجری است. سنگ قبر بقعه سیدحسن در مهران نام و نسب مشخص دفن شده نوشته شده در مهدی صالح نمای گچبری شده قبری با آیاتی از قرآن وجود داشته به غیر از بناهای نوساز بر روی قبر هیچ یک از بناها ضریح وجود ندارد تنها بر بقعه باباپیرمحمد در آبدانان اتاقک گنبد دار کوچکی با قلوه سنگ ریز و گچ ساخته شده تنها دو بنای علی صالح و سیدحسن و مهران دارای کتیبه ساخت بنام و نام بانی بر روی قطعه سنگ متعلق به دوره قاجار والیان پشتکوه می باشد در علی صالح کتیبه گچبری تاریخ ساخت بنا و نام شخص دفن شده وجود دارد اکثر بناهای ایلام از قلوه سنگ و گچ ساخته شده اند بقعه مهدی صالح در دره شهر و گنبد بناهای سیدصلاح الدین محمد آبدانان و بابا قاسم و محمدباقر در شیروان از آجر ساخته شده اند قدیمی ترین بقعه مهدی خلیفه عباسی سال ۵۶۴ توسط المستر شد خلیفه عباسی بنای باباقاسم در شیروان از لحاظ معماری شبیه مهدی خلیفه عباسی می باشد.

بقای جابر در بدره و سید صلاح الدین محمد آبدانان تحت تأثیر معماری عراق و جنوب ایران قرار داشته بقعه بابا پیرمحمد در آبدانان سید ابراهیم معماری ایران مرکزی و مناطق شرقی نوشته اند. مهدی صالح در ماژین دره شهر دیوارهای کم عرض تماماً آجراست ارتفاع بنا بلند و متعلق به سال ۷۷۰ هـ ق می باشد با طاقنما بلند و گنبددار می باشد بقعه باباپیرمحمد اواخر قرن ۸ و ۹ بقعه سید ابراهیم قرن ۹ هجری می باشد .

## ۲-۷ بقعه مهدی صالح

از آثار دوره اسلامی در دره شهر می توان به بقاع مهدی صالح ، بابا سیف الدین بقعه جابر و بقعه پیرمحمد و آثار تعمیرات پل های اصلی گاومیشان و ... اشاره نمود.

بقعه «مهدی صالح» در بخش مازین دره شهر در ۱۴۵ کیلومتری حرم آباد با گنبد هرمی شکل با استفاده از نمای آجری از شاهکارهای قرن هشتم می باشد مقبره بصورت چهارگوش با زوایای چهارگانه آن به گوشواره های مناره مانندی منتهی می شود ارتفاع مناره ها یا همان گوشواره حدود ۱ متر از ارتفاع ساختمان اصلی بلندتر است و متصل به متن بنا می باشد در ورودی مقبره به جانب مشرق باز می شود ابعاد آن ول ۵/۲۰ متر عرض ۳ متر راهروی آن با استفاده از ساروج سخت اندود شده است از داخل راهرو دو در ورودی قرار دارد یک در ورودی به اطاق کوچکی که محل خادم بقعه است و در دیگر به داخل بقعه باز می شود در ورودی اصلی در ابعاد ۱۴۱×۹۰ سانتی متر بصورت هلالی است که پس از آن از سنگ و دیوارهای اصلی از آجر با ملاط گچ ساخته شده است داخل مقبره دو سطح متفاوت است هنگام ورود به سطح اصلی چهار پله پایین مقبره مهدی صالح قرار گرفته است طبقه زیرین کلاً با نمای آجری ساخته شده طاق آن جناغی ارتفاع طاق روی مقبره ۲/۶ متر است (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۴۲۸). در وسط داخل بقعه در طبقه دوم نمای قبری مشاهده می شود که از سنگ و گچ ساخته شده روی قبر با سفال به صورت هندسی ساخته شده است سفالها منشور شکل پنج وجهی هستند طول سفالها ۱/۵ متر و هر یک از سطوح جانبی آن ۲۷۰ سانتی متر می باشد که آیات شماره ۲۲ و ۲۳ سوره مبارکه حشر با خط نسخ بصورت گچبری و دنباله آیه در سطح شمالی آن نوشته شده و بر قاعده شرقی قبر ذکر تسبیحات اربعه نوشته شده و قاعده غربی آن تخریب شده است بر دیوار جانبی بنا در داخل مقبره آیاتی گچبری شده که در

قسمتهای شرقی و شمالی از بین رفته ، ساده و گچ اندود شده است (مرادی، ۱۳۷۹،

(۸۹)

در سال ۱۳۴۳ دیوار و قسمتی از طاق غربی بنا فروریخته و تنها گچبریهای دیوار جنوبی تا اندازه ای باقی مانده است این دیوار امروزه نیز تخریب شده است آیاتی از سوره مبارکه «الفتح» با دو خط کفی و نسخ گچبری شده بوده است. تزئینات زیبا از نقش و نگارهایی که در گچبریهای آن به چشم می خورد گچبری دو طرف محراب بصورت منظم و متوازن دو دایره همانند و هماهنگ گلهای زیبایی گچبری شده است که در قالب دو مجموعه دایره ای هشت پر مشاهده می شود هر یک از این گلهای دارای حواشی زیبایی است که در وسط یک گل هشت پر یا ذرت مشاهده می شود در بالای محراب مقبره در داخل گچبری جناغی، نقوش دیگری با دو حاشیه مختلف وجود دارد که در قسمت پایین محراب سوره مبارکه «توحید» و پایین تر از آن قسمتی از آیه الکرسی با بهره گیری از خط کوفی با مهارت و زیبایی خاص گچبری شده است این گچبری بسیار چشمگیر و زیباست و لانه زنبوری است در دو طرف محراب نیز چهار جمله «لا اله الا الله، محمد رسول الله، نصر من الله و فتح قریب و بشرالمومنین» به طرز زیبایی گچبری شده است (مرادی، ۱۳۷۹، ۹، (شکل ۷-۱)

### ۳-۷ گنبد اصلی

ارتفاع گنبد از کف زیربنا تا سقف ۱۸/۴۵ متر بوده است نمای داخلی آن ابتدا چهارگوش به هشت گوشه تقسیم شده و بعد هر یک از این قسمت ها مجدداً به طاقهای کوچکتری تقسیم کرده است و مرتباً این ملاتها کوچکتر و بر تعداد آنها افزوده می شود تا محلی که به یک طاق ضربی ساده گنبد پوشیده می شود ایزدپناه از قول دو نفر از معمرین منطقه که نقل نموده اند که قبل از تخریب دیوار غربی نام و مشخصات صاحب قبر و استاد گچ کار و صحار آورده : ۱- شیخ الراشدین و سلطان المحققین و العلماء ابرسانیان شیخ

صالح نورالله مرقدہ عمل استاد حاجی اصفہانی ۲- سلطان المحققین و شیخ الراشدین ،  
سید صالح نورالله قبرہ، اولاد منتهای «؟» ابن سید سابان ... قطب الدین ..... جبرئیل .....  
عمل استاد حاجی خوارزمی ، تاریخ سبع مایہ و سبعین. (مرادی، ۹۲، ۱۳۷۹)

## ۷-۴ بقعہ جابر

بقعہ جابر در مسیر راہ شوسہ جنوب بخش جابر تا سیکان در ۳ کیلومتری درہ شہر  
راہ جیب رو کہ از سرتنگ عبور می کند معبر کوهستانی راہی باریک از میان صخرہ ہا و  
تختہ سنگہا با شیب تند عبور می کند این راہ از درہ ای بین دو کوه گچی ملہ ریتہ  
mellarita و چال می chalmy موسوم اند می گذرد بہ ایلام می رود یکی از راہہای  
باستانی است کہ باختر را بہ خاور مربوط می ساختہ است نزدیک بہ انتہای درہ در دامنہ کہ  
چال می مقبرہ ای با گنبد و کیفیت ساختمانی دانیال بنام جابرین عبدلہ انصاری است کہ  
راہی از کنار مقبرہ می گذرد دنبالہ شاعرہی است باستانی کہ از تیسفون و بغداد بہ  
مہرجانقدق و شاپور خواست و شرق می رفتہ است.

مشخصات مقبرہ : در اندازہ  $1/5 \times 1$  و عرض  $9 \times 15$  با ۸ ستون و ۹ طاق شمالی  
جنوبی و ۹ طاق شرقی غربی کہ بلندتری طاق آن ۲ متر است دو پلہ کان پایین تر از کفش  
کن  $7 \times 15$  کہ داخل آن مربع شکل ہر ضلعش  $4/7$  متر دیوار جنوبی محرابی بہ بلندی ۱۸۰  
و پهنای ۷ سانتی متر ساختہ است گنبد ۱۰ طبقہ ۸ ضلعی کہ ارتفاع ہر طبقہ ۸ سانتی متر  
است تماماً از سنگ و گچ و با تزئینات گچکاری ساختہ شدہ است (ایزد پناہ، ۱۳۷۶، ۴۲۷-  
۴۲۵).

## ۵-۷ بقعه مهدی عباسی

۶-۷ مشخصه مقبره :

در نزدیکی مسجد جامع کنونی ایلام فضای مستطیل شکلی در ابعاد  $4/30 \times 4/60$  متر بوده که سقف آن گنبدی شکل به ارتفاع تقریبی ۹ متر که در سطوح داخلی آن با گچکاری تزئین شده است مصالح آن لاشه سنگ و ملات گچ می باشد در سال ۱۳۵۲ هـ ش تخریب شده و امروزه کتابخانه عمومی شماره یک اداره ارشاد اسلامی احداث شده است.

فریا استارک در سفر خود اینگونه آورده است که : گنبدی دیدم متعلق به المهدی بالله از ساختمانهای اسلامی است در همان سالهای اول بعد از مرگ مهدی بقعه ای بر فرازش ساختند در زمان خلیفه المسترشد، بقعه مهدی توسعه داده شد و تعدادی بعنوان متولی در آنجا خدمت می کردند. (ایزدپناه، ۱۳۷۶، ۴۲۷)

## ۷-۷ بقعه مهدی عباسی به روایت مورخان اسلامی

مهدی بنا بر روایت بعقوبی : « مهدی یازده شب از محرم گذشته سال ۱۶۹ از بغداد رهسپار عراق عجم شد در قریه ای بنام «رد» از قرای ماسبذان فرود آمد به شکار آهو به درون ویرانه ای با سگها در پی او تاختند در ویرانه او را صدمه زد و هشت روز مانده از محرم ۱۶۹ در چهل و هشت سالگی درگذشت حکایت شده است مهدی بامدادی با علی بن یقطین و جماعتی از همنشینان خود گفت امروز بامداد گرسنه ام پس نانی و گوشت سردی برای وی آوردند و خورد پس گفت من در این اطاق می روم و می خوابم پس از این واقعه مهدی جز ده روز زنده نماند تا بدرود زندگی گفت و خلافتش ده سال و یک ماه و بیست روز بود و پسرش علی بن ریطه بر وی نماز گذارد و در [رد] به خاک سپرده شد و هشت پسر بر جای گذاشت موسی هارون - علی عبیدالله - اسحاق - یعقوب - ابراهیم -

منصور (یعقوبی، ۱۳۸۲، ۴۰۳) یعقوبی نیز حلوان، ماسبذان و مهرجانقذق را بوسیله پادشاهان پارس معرفی می کند. (همان، ۲۱۸).

دینوری آورده: « روز شنبه هفدهم ماه ذی الحجه مردم با مهدی پسر منصور خروج کردند آنها را سرکوب کرد سال صدو شصت و نه به «گرگان» رفت و مهدی به «ماسبذان» رهسپار شد و به تفرج و خوشگذرانی در آنجا بماند و در چهل و سه سالگی در همانجا بمرد، مدت خلافت مهدی ده سال و یک ماه و نیم بود. (دینوری، ۱۳۴۶، ۴۰۳)

منصور دوانیقی دومین خلیفه در سال ۱۵۸ هـ ق در مکه درگذشت و فرزندش عبدالله محمدالمهدی، جانشین او شد وی در سال ۱۶۹ هـ ق در ایالت ماسبذان کشته شد. راولینسون می گوید: « در نوشته های شرقیان از شهری به نام الرود، واقع در ایالت ماسبذان نام برده شده که آرامگاه مهدی، خلیفه مشهور عباسی در آنجا قرار تداشته است از تشابه اسمی و همچنین با در نظر گرفتن این واقعیت که در این ناحیه خرابه، شهری دیگر یافت نمی شود، می توان دریافت که شهر الرود، همان رودبار است، اما در خصوص مرگ خلیفه مهدی، تاریخ نویسان روایات مختلف ذکر کرده اند، ولی آنچه با واقعیت نزدیکتر می باشد، این است که او در ناحیه رودبار به هنگام تعقیب بزکوهی، در حال تاخت به دروازه یکی از منازل مخروبه برخورد کرده و کمرش شکسته و جان خود را از دست داده است.» (راولینسون، ۱۳۶۲، ۶۱)

امامؤلف کتاب مجمل التواریخ و القصاص می نویسد: « .... و بسیاری کارها و فتح ها کردند و از سال صدوشصت و شش، مسجدالحرام و مسجد مدینه رسول بفرمود تا فراخ کردند و عمارتش بیفزود، و چون سال صدوشصت و نه درآمد، مهدی به ماسبذان بمرد....» (بهار، ۱۳۱۸، ۳۹۶-۳۹۴)



**فصل هشتم**  
**راههای ایلام**  
**در دوران اسلامی**

## ۸-۱ انشعاب راهها و مرزهای ورود به ایلام

ابتدا بعنوان مقدمه بطور کلی به قدمت راهها و تأسیسات مربوط به آن در دوران تاریخی و قبل از آن می پردازیم سپس با توجه به اینکه راههای باستانی در استان ایلام را شرح داده شد در اینجا لازم است به ذکر تأسیسات مربوط به راهها نیز پرداخته شود از آنجا که مشخصه راهها که اکنون بر اثر کشاورزی و عوامل طبیعی از بین رفته اند از طریق مشخصه های راهها می توان به وجود راههای باستانی و مسیر آنها با توجه به آثار از جمله قلاع، پلها، آرامگاهها، رودها پی برد از آنجا که جغرافیانویسان اسلامی و مورخان از وجود راهها و حتی مسیری که طی نمودند از جمله رودخانه ها و آثاری طبیعی دیدند از جمله وجودشعله های طبیعی در منطقه بولی که در اوایل اسلام بصورت مسیری در طول راهها مشاهده نمودند دلیل بر اثبات مسیر راههای باستانی و اسلامی می باشد ابتدا به تأسیسات مربوط به راهها در دوران هخامنشی می پردازیم سپس به شرح قلاع، پلها، آرامگاههای استان ایلام می پردازیم.

در گذشته قسمتهای مختلف آسیای باختری باستان دائماً با یکدیگر روابط داشته اند. راهی از سمت مشرق سنندج کوههای الوند را قطع کرد و در طرف غرب شهر سنندج مسیر مارپیچی خود را از میان کوهها طی کرده از سمت شمال دریاچه مریوان وارد کردستان عراق می شود. راه نسبتاً سهل دیگر از جنوب همدان و از طریق ملایر به دره بروجرد می رود و رشته عظیم کوههای غربی از لحاظ مسدود کردن به پای الوند می رسد

را به طرف خرم آباد سد می نماید آشوریها برای حمله به مادیها در قسمت جنوبی کردستان عراق از روی رودخانه دیاله نزدیک مرز ایران و عراق گذشته و از حوالی روانسر گذشته وارد ماهیدشت می شود.

راه دوم از زمینهای نسبتاً هموار مشرق سلیمانیه در سمت شمال دریاچه مریوان وارد ایران شده و با عبور از کوه الوند وارد جلگه همدان می شود.

راه دیگر از طریق نهاوند و بروجرد و شاپورخو است (خرم آباد) به شهرهای خوزستان مانند شوش، دزفول، شوشتر و اهواز می رفت و از اهواز این راه چند شاخه شده است.

ابودلف در قرن چهارم از راه میان اصفهان و اهواز از پل ایذج یاد کرده که در دوره ساسانیان این راه دریایی اهمیت بیشتری پیدا کرده است جاده بزرگ خراسان که از جاده ابریشم گذشته در محل پاتاق بین کرمانشاه و قصرشیرین وجود دارد از آثار راه سازی در گردنه ای بعد از قصبه کرند قرار دارد کوه به ارتفاع ۱۵۴۸ متر است که از آبهای کرخه و شاخه های دجله سرچشمه می گیرد و به طرف پایین جاده می ریزد و در عصر ساسانی پاره ای از کوه را بریدند که طاق گرا در این جاده قرار داده است (پیرنیا، ۱۳۷۰، ۹۸-۹۱)

از آنجا که در حیطه پژوهش با راههای باستانی اوایل اسلامی مد نظر است برخورد لازم می دانم که نگاهی به گذشته و قدمت این سرزمین از لحاظ ارتباطات و راهها باستانی، از آنجا که بین النهرین در غرب فلات ایران قرار دارد در زمان فرمانروایی هخامنشیان، ایلامیان، پارتیها و ساسانیان جزو قلمرو آنها محسوب می شده است و دوران اسلامی ساکنان بین النهرین با ساکنان فلات ایران در ارتباط بوده اند وجود راههای ارتباطی از ایران به بین النهرین ضروری بوده است یک راه باستانی از بین النهرین وارد دشت سومار شده و در امتداد رودخانه گنگیر به طرف ایوان آمده و پس از ورود به ایوان، وارد شیروان چرداول (شیروان باستان) شده و از آنجا یک شعبه آن به صمیره - شهر باستانی و از آنجا به شوش منتهی می شده است شعبه دیگر این راه از ایوان (اریوجان) به طرف اسلام آباد فعلی و از

آنجا به کرمانشاه امروزی می رفته است وجود شهرهای اریوحن، شیروان، صیمره و شهرهای دیگر باعث شده پادشاهان باستان به احداث چنین راههایی بپردازند.

آثار بجامانده از راههای باستانی بر روی رودخانه گنگیر و دره های عمیق در امتداد این رودخانه وجود دارد از جمله پلی بصورت سالم در روستای نعله شکن سومار وجود دارد که در محل به پل «خدا» مشهور است و نوع معماری آن شبیه معماری دوره ساسانیان است که بصورت طاق ضربی ساخته شده است از سنگ نتراشیده و ساروج ساخته شده است به فاصله دو کیلومتری در شرق پل فوق بر روی رودخانه گنگیر در جایی به نام پل چهار دهنه آثار یک پل بزرگ با چندین دهنه وجود دارد که با سنگ کلوخ و ساروج ساخته شده است بعضی از دهنه های آن هنوز سالم هستند.

و در امتداد رودخانه گنگیر در جایی به نام «دن خان احمد» بقایای پایه یک پل وجود دارد که به علت عوامل تخریب سقف این پل ویران شده است.

حمید ایزدپناه در کتاب خود راههای باستانی لرستان را مشخص نموده است و بیان می کند که دو راه باستانی در منطقه لرستان و ایلام فعلی وجود داشته است یکی راه شمال به جنوب و دیگری راه غرب به شرق یکی از شاهراههای باستانی است که احتمالاً مسیر کوچ کاسیت ها و بعد راه ایلامیها و پارتها و ساسانیان بوده است و ... راه غرب به شرق در ایالت ماسبدان دو شعبه می شده است؛ راه شمالی به «حلوان» و راه شرق به شهر «شیروان» منتهی و به دو شعبه تقسیم می گردد اول راهی که به ولایت مهرجانقذق و مرکز آن شهر صیمره یا «دره شهر» می رفته است و شعبه دوم از شیروان به سمت شرق به جانب طرهان جدا می گردد و ابودلف سیاح عرب در سال ۳۴۱ هجری قمری از راه غرب به شرق از بین النهرین وارد اریوحن و شیروان و صیمره شده است سخن گفته است (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۵۶-۵۷)

هرگو گروته در باره چنین راهی می گوید: دره شیروان در دوره باستانی نیز منطقه آباد و حاصلخیزی بوده است. بقایای شهرها و قلعه های ساسانی در سراسر جلگه شیروان

پراکنده است به احتمال زیاد در زمان ساسانیان راهی مستقیماً تیسفون را به دره «هفت آو» (احتمالاً هفت چشمه ایلام باشد) و جلگه شیروان وصل می کرده است. فریا استارک نیز در سفرنامه خود در مورد این راه چنین می گوید:

«... به احتمال زیاد این جاده در تمام اعصار شاهراهی بوده باشد، زیرا طبیعت در اینجا شکافی طبیعی از رودخانه (گنگیر) به سمت جلگه های عراق ایجاد کرده و در امتداد این دره، در نقاط مختلف می توان آثار دوره اسلامی را پیدا کرد. وهنری راولینسون در سفرنامه خود از این راه باستانی چنین یاد می کند: «... جاده ای که از این منطقه می گذشته (=ایوان) یکی از راههای مهم ارتباطی دنیای باستان بوده و استرابون از آن به عنوان یک خط ارتباطی مهم که از ماساباتیس (مسبتیس) در امتداد نواحی جبال زاگرس به طرف شوش پیش می رود».

## ۸-۲ مسیر بغداد به سمت استان جبل

مورخان اسلامی این مسیر را اینگونه توصیف می کنند که هر کس بخواهد از بغداد به حلوان، رود که آنجا پادشاهان پارس را منزلهایی است دارای ساختمانهای شگفت انگیز پس از آنجا رهسپار «طراستان» شود که نهرهایی است آثار شگفتی که برخی با گچ و آجر بسته شده و برخی از این نهرها از قاطولها و برخی از نهروان آب می گیرد، و از «طراستان» به «جلولای و قیعه» روند که اول بلاد جبل (عراق عجم) است و جنگ دوران عمر بن خطاب علیه پارسیان در همینجا بود که سعد بن ابی وقاص از پی آنان رسید و سال نوزدهم از هجرت روی داده و از جلولاء به خانقین روند آبادیهای باشکوه از خانقین به قصرشیرین که شیرین زن خسرو بود که تابستان در این قصر بسر می برد مردم حلوان از پارسیان و کردهایند با اینکه از استان «جبل» است داخل و خارج نواحی «سواد» می باشد و این شهر به مرغزار معروف به «مرج القلعه» که ستوران خلیفه در چراگاههای همین محل می پرند پس از آنجا کرمانشاه روند پر جمعیت از پارسیان و گردان از کرمانشاه تا دینور سه

منزل است نام دیر آن ماه کوفه چه ماش در حساب بخشهای کوفه محل می شده است آن را چندین اقلیم و روستا است و مبلغ خراج آن املاک سلطنتی پنج میلیون و هفتصد هزار درهم است. (ابی یعقوب، ۲۵۳۶، ۴۵-۴۴)

### ۸-۳ راهها استان جبل (عراق عجم) براساس نظر مورخان اسلامی

از بغداد به مشرق تا محلی بان (به آن) «سه دروازه» گفته می شود از طرف مشرق آخر بغداد است پس تا پل نهروان راهش مستقیم است و نهروان سرزمین باشکوه کهنی است روی نهری که از جبل (عراق عجم) می آید و با آن «تامراً» گفته می شود سرچشمه می گیرد پس بعد از آن ناحیه ی از نواحی سواد را مشروب می سازد مرکبها و کشتیهای بزرگ در آن حرکت می کند پس هر گاه از پل نهروان بگذرد وی را چند رشته راه جبل پیش آید پس اگر بخواهد بر استانهای «ماسَبَدان» و «مهرجانقذق» و «صمیره» بگذرد هنگام عبور از پل نهروان بطرف دست راست رهسپار گردد و شش منزل تا شهر «ماسَبَدان» سیر کند و آن شهری است جلیل القدر با عظمت و پروسعت میان کوهها و دره ها که با آن «شیروان» گفته می شود و از همه شهرها به مکه شبیه تر است و در آن چشمه های آب سرگشاده ای است که در وسط شهر بسوی نهروان بزرگی که مزرعه ها و آبادیها و زمینهای زراعتی و بستانها را تا مسافت سه روز مشروب می کند جریان دارد و این چشمه ها در زمستان گرم و در تابستان سرد است و اهل این شهر، مردم بهم آمیخته ای از عرب و عجم اند (یعقوبی، ۲۵۳۶، ۴۴-۴۳)

و از شهر «شیروان» تا شهر صمیره که شهرستانی است معروف به «مهرجانقذق» دو منزل راه دارد و شهر صمیره در «مراج أفیح» واقع است و در آن مرغزار مردمی بهم آمیخته

از عرق و عجم، از فارس و کردهایند و ماسَبَذان خلافت عمر گشوده شد و خراج آن دو میلیون و پانصد هزار درهم می رسد. (همان، ۴۴)

بر اساس کتاب مسالک ممالک ابن خردادبه ردابه: « از خُلوان تا شهر زور ۹ چاپارخانه؛ از خُلوان تا سیروان شهر ماسَبَذان ۷ چاپار؛ از سیروان تا صَیمره شهر مهرجانقذق سه هزار پانصد هزار درهم مقرری (مالیات، خراج) بیان کرده است.

در صیمره وجود دو قلعه ذکر کرده است. مقدسی در رابطه با خراج صیمره مبلغ سه میلیون و صد هزار درهم ذکر کرده. (مقدسی، ۱۳۶۱، ۳۰۷)

نواحی کوهستان، ماسَبَذان و مهرجانقذق و ماه کوفه و آن دینوراست و ماه بصره که آن نهاوند است و همدان و قم است و مالیات ماسَبَذان و مهرجانقذق و حلوان و قومس را سی هزار درهم ذکر کرده است. وی شهرهای ری، اصفهان، همدان، دینور و نهاوند و مهرجانقذق و ماسَبَذان و قزوین و زنجان و دیلم را جزء شهرهای پهلویان ذکر کرده با ذکر مالیات آورده است. در جای دیگر آورده است قباد پادشاه گوید از بهترین میوه ها مدائن، ارجان، ری، نهاوند، خُلوان و ماسَبَذان است.

## ۸-۴ ذکر مسافات از عراق به فلات مرکزی

از تکریت تا کنار دریا یک ماهه راه از بغداد تا سامره سه مرحله دارند از سامره تا تکریت دو مرحله از بغداد تا کوفه چهار مرحله از کوفه تا قادسیه یک مرحله از بغداد تا واسط هشت مرحله، و از بغداد تا حلوان شش مرحله، و از حدود صیمره و سیروان هم این قدر، و از واسط تا بصره هشت مرحله، و از کوفه تا واسط شش مرحله، و از بصره تا دریا دو مرحله از حلوان تا قادسیه یازده مرحله و پهنای آن از سامره برکنار دجله تا حدود شهر زور و آذربایجان پانزده مرحله است (اصطخری، ۱۳۶۸، ۸۱) از شهرهای کوفه نهر نرس که برکنارش دیه های بسیاری است که علما از آنجا برخاسته اند اما گرد برگرد عراق از تکریت است در شمال تا حدود شهر زور در شمال شرقی تا خُلوان تا سیروان تا حدود

طیب در مشرق تا حدود جَبی در جنوب شرقی تا دریا در جنوب - حد عراق تا تکریت تا دریا بصورت قوس است. (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۳۲۹) ۰

ابن فقیه آورده است که قباد پزشکان را در سیروان که دهکده ای در ماسبذان دارای چشمه های آب گرم که رگه هایی از چشمه آب گرم ماه کوفه است پرنزهدت ترین جاها را ماسبذان و مهرجانقدق یاد کرده که طول آن ۳ فرسنگ و نود و سه دهکده پیوسته با هم با نخلهای منظم و نهرها جاری با گیاه زعفران و میوه های انگور، انار، گردو، بادام و سیب و امرود یاد کرده و ضمیر ناحیه جبل و از شهرهای یهودیان را که دارای دو دژ الحصنان یاد کرده است. (ابن فقیه، ۱۳۴۹، ۲۵-۲۴).

### ۸-۵ ذکر مسافت صیمره

ابن حوقل در صوره الارض در رابطه با مسافت بعد شهرهای جبال آورده است: «از همدان تا دینور بیست و اند فرسخ و از دینور تا شهرزور ۴ منزل و از حلوان تا شهرزور ۴ منزل و از دینور تا صیمره ۵ منزل و از دینور تا سیروان ۴ منزل و از سیروان تا صیمره یک روز و از لور تا کرج ۶ منزل و از اصفهان تا کاشان ۳ منزل و از قم تا کاشان دو منزل و شهر صمیره و نواحی شیروان را جزء شهرهای مشهور جبال معرفی کرده اند (ابن حوقل، ۱۳۴۵، ۱۰۵). و ابن یعقوب از سیروان تا صیمره استانی معروف به مهرجانقدق دو منزل راه بیان کرده است. (ابن یعقوب، ۲۶-۲۵ و ۴۴)

سرزمین ایلام از بافتهای طبیعی و اقلیمی متفاوتی برخوردار است و همین دگرگونیهای اقلیمی موجب شده است تا منابع آب متفاوت که لازمه مسیر راهها بوده اند متناسب با اقلیم و نحوه جمعیت در استان ایلام پدید آید و همه این تفاوتها بر پدیده مهمی چون راه به لحاظ مهندسی و تکنیک و چه به جهت مبادله کالا و فرهنگ در راهها تأثیر گذار باشد آنچه مسلم است اینکه در ایلام هم قبل هر جای دیگری راه تابع شرایط



خاص اقلیم و سرزمین بوده و رونق و رکود آن وابسته به دو عامل مهم جغرافیایی طبیعی و جغرافیای انسانی بوده است.

هر یکی از عوارض طبیعی در ایلام تأثیر مستقیم بر ابعاد راه و چگونگی آن پدیده به لحاظ ساختاری و اجتماعی داشته است کوه ها دشت ها و آبهای ایلام عوامل تعیین کننده ای در ارتباط با راه بوده اند.

## ۸-۶ پشته های کبیرکوه

ناهمواریهای کم ارتفاع با شیب ملایم بموازات کبیرکوه امتداد دارد که موجب شده زمینهای کم وسعتی را در حد فاصل این دو رشته محصور نماید این محدوده را پشته گویند که از طریق دره ها و شیاریهایی به خارج از پشته ارتباط پیدا می کند در سراسر طول دامنه کبیرکوه این پشته های وجود دارند از جمله آنها که عبارتند از :

**الف)** پشته های شرقی در امتداد از شمال غرب به سمت جنوب شرقی عبارتند از :

چنارباشی، گنجه، کلم، ارشت و بان پرور، لارت، درون و سربند، زید، زرانگوش، قلعه تسمه، سیکان، دره شهر، شیخ مکان، بهرام چوبین، یوزن در، کول کنی، ماژین، مهواز.

**ب)** مهمترین پشته های جنوب غربی کبیرکوه نیز عبارتند از :

گرداب، میمه، آبدانان، ولتتر «تونه»، تختان، خربزان، ماسپی، سیاه گاو، مهواز، دراکترین. پشته ها آثار چهار طاقی ها، آسیابها، قلعه ها بعلت وجود این آثار در پشته ها احتمال دارد بیشتر راههای باستانی در سطح بالاتری از جاذبه های امروزی ایجاد شده باشند. (محمودیان، ۱۳۷۷، ۵)

خانم فریا استارک در سفر نامه اش آورده است: «به هر حال من غالباً متوجه شده ام که راههای باستانی که شهرهای قدیمی و مهم را به یکدیگر متصل می سازد معمولاً قدیمی تر و مرتفع تر از جاده های دیگر است. (استارک، ۱۳۶۴، ۱۳۱)

آقای ایزدپناه آورده است « راههای باستانی لرستان اغلب از شاهراهایی هستند که از دورانهای مختلف از پیش از تاریخ تا دوران اسلامی که در این شاهراه غرب به شرق احتمالاً کوچ کاسیت ها و بعد راه ایلامی ها و پارتها و ساسانی و عربها بوده است. (ایزد پناه، ۱۳۶۳، ۲۵۳۲)

## ۸-۷ مسیر خانم استارک از بغداد به ایلام

خانم فریا استارک پس از ترک ... به شهر کوت منطقه مرزی بادرائی (بدره) می رسد که در نزدیک شهر مهران (منصورآباد) فعلی می باشد این شهر توسط لسترنج نیز شرح داده شده است که از شاهراههای خراسان بعد از بند نیجین و با درائی یا با دریا و با کسایا «باغ سای» آورده است. وی از طرق ساحل رود گنجان چم و اراضی هموار گاوی به قلعه حسینقلی خان ابوقداره والی لرستان پشتکوه می رسد. (استارک، ۱۳۶۴، ۹۲-۸۹)

مهران - ارکو از (مکشاهی) سپس از راههای کوههای جنوب غربی ملکشاهی در مسیر رود گاوی و گردنه گلدار و در میان جنگلهای منطقه به بقعه امامزاده پیرمحمد. (محمد عابد) (همان ۹۷-۹۲)

استارک پس از طریق راهی مالرو به دامنه غربی کبیرکوه می رسد و از مسیر ناحیه «وگتتر» گذشته به دره گراو و سپس به منطقه لارت و هندمینی در شهر بدره فعلی در مسیر وی قبیله جابر و مقبره «خرجاور» و دره کافران می رسد. مسیر دره کافران به شیروان و طرحان : استارک از گذرگاه سرگیچ و راه طرحان از دره هندمینی به منطقه بان پرور در مسیر معبر «میمه راه» که مهمترین معبر بین شرق و غرب کبیر بوده است. در سال ۱۹۳۱ : استارک از راهی به ایلام و لرستان که به بین النهرین می رسد و در حال حاضر از معابر مهم شرق و غرب کبیرکوه محسوب می گردد راه دره کافران و تنگ برنجان در حاشیه رودخانه سیمره می باشد که بعنوان یکی از راههای مهم شیروان و سیمره «دره شهرفعلی» تلقی می گردد از راههای فرعی محدود باستانی شیروان به بدره و حاشیه غربی کبیر کوه به

سمت بین النهرین قلمداد شود از معابر مهم شرق و غرب کبیر کوه محسوب می گردد. دره کافران و تنگ برنجان در حاشیه سیمره راههای مهم شیروان قرار دارد.

## ۸-۸ مراکز انشعاب راههای باستانی استان ایلام

منطقه شماره ۱- راههای محدوده صیمره « دره شهر فعلی»

منطقه شماره ۲- راههای آبهر «بدره» از بخش های شهرستان دره شهر

منطقه شماره ۳- راههای محدوده شیروان «روستای سراب کلان»

منطقه شماره ۴- راههای محدوده الرذیاردین «ایلام فعلی»

## ۹-۸ منطقه شماره ۱ : راههای صیمره

۱. راه صیمره به طرحان و شاپور خواست در لرستان (لسترنج، ۱۳۷۳، ۲۱۷)

۲. راه صیمره به پل دختر، ماژین و شوش

۳. راه صیمره به آبهر (بدره) و شیروان و شمال بین النهرین

۴. راه مالرو صیمره به غرب کبیرکوه و نواحی آبدانان، موسیان، و جنوب بین

النهرین (محمودیان، ۱۳۷۷، ۳۶-۳۷)

## ۱۰-۸ مسیر شماره ۱- راه شمال شرقی

بر اساس نوشته مورخان صیمره از طریق راه شمال شرقی به طرحان و رومشگان

وصل شده است (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۵).

این راه از صیمره به سمت کنار رود سیمره به هومان امتداد یافته است. راه پل

معروف چم نمشت «چم آب برده» که عامل ارتباط دهنده دو منطقه با طرحان در شرق

سیمره است. استین در سفر خود از این منطقه عبور کرده از فاضل آباد به ساحل سیمره و از

کلک و گذر از یک گردنه در ساحل شرقی سیمره (لرستان فعلی) به رمشگان رسیده و از گردنه خلیل کش به طرحان واز آنجا به تنگ سیاب رسیده است. (همان، ۱۲۶-۱۲۵)

## ۸-۱۱ آثار بجا مانده در محدوده مسیر راه باستانی صیمره به طرحان

- ۱- محوطه باستانی هومان در ۳ کیلومتری شرق دره شهر در ساحل غرب رود سیمره با طاقهای قوسی از سنگ و گچ احتمالاً منطقه تجاری محل بارانداز سفال فیروزه ای و سفالهای لعابدار منقش رنگی عصر متأخر
- ۲- محوطه باستانی طرحان
- ۳- پل چم نمشت بر روی سیمره (دوره ساسانی) ارتباط دهنده صیمره به طرحان و سپس بسوی پل کشکان
- ۴- پل کشکان در حد فاصل کوهدشت و خرم آباد

## ۸-۱۲ راه باستانی صیمره به پل دختر و شوش

این راه بموازات پشته های کبیرکوه به سمت شرق امتداد یافته در این مسیر تا پل گاومیشان از محدوده تاریخی شیخ مکان و بهرام چوبین می گذرد. پل گاومیشان که در این مسیر قرار دارد که مربوط به قرون اولیه اسلامی است و بعضی بر این اعتقادند به تعمیرات روی آن صورت گرفته و پایه های آن متعلق به عصر ساسانی است. (ایزد پناه، ۱۳۶۳، ۴۸۸)

این راه از گاومیشان به پل دختر و جاده اصلی شوش به هگمتانه که شاهراه جنوب به شمال تلقی می گردد متصل می شود پل دختر به سمت شوش در فاصله ۳/۵ کیلومتری ساحل غربی رود کرخه منطقه ماژین قرار دارد.

ایزدپناه آورده است این راه در صیمره انشعاباتی داشته یک راه با گذشتن از تنگه و کبیرکوه به خوزستان می رفته است و راه شرقی که منتهی به شاهراه شمال به جنوب می

گردید در مسیر آن دو پل عظیم بر روی سیمره و کشکان در گاومیشان و تنگه جابر ساخته شده است. (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۵۷)

آثار موجود در مسیر صیمره به پل دختر و ماژین :

۱- محوطه دره شیخ مکان «شیخ ماخو»

۲- تنگ بهرام چوبین

۳- پل گاومیشان

۴- محوطه ماژین ( غار کول کنی «قبر انوشیروان»)

#### ۸-۱۳ مسیر سفر سر اورل استین از پل دختر به صیمره «دره شهر فعلی»:

وی مسیر رود کشکان را پیموده پل گاومیشان و پل را متعلق به دوره ساسانی می داند و در امتداد رشته کوه کبیر کوه قصر بهرام و تنگ چوبینه می رسد پس به تنگ دره شیخ مکان پس به قلعه جمشید خان می رسد در حفاری قلعه تیغن و تل کوزه گران پرداخته قلعه تسمه با توجه به نظر جغرافیادانان مسلمان پشتکوه را ماسبذان و پیشکوه و صیمره را مهرجان کدک با توجه به اظهار نظر این راه ۲ شاهراه بین شوس ، دزفول - کرمانشاه ذهاب ، به سیکان ، چم لارتی و شانشین و بارآبار مورد بررسی قرار داده است . استین در مسیر راه به لباسهای لرها توجه داشته و آورده است مردم از بغداد و بصره و اروپا از راه پشتکوه ، ایلام و از بر تنگها به پیشکوه و صیمره آورده شده و مسیر پشته های کبیرکوه را در واقع تأیید کرده است. ( کریمی ، ۱۳۷۴ ، ۱۲۵)

#### ۸-۱۴ مسیر شماره ۳ راه باستانی صیمره «بدره فعلی»

این راه به سمت شمال غربی و بموازات کبیرکوه به شهرهای شیروان، الرذ و اریوجان متصل می شود راه صیمره به تیسفون بوده است آثار شامل بناها، چهار طاقی و دژ و قلعه و پشته های کبیرکوه در مسیر وجود دارد آثار بجا مانده از چهار طاقی ها ، قلعه ها،

بناها از دوره تاریخی در دره ها و پشته های کبیرکوه وجود دارد که متعلق به دوره ساسانی است و سیاحان و جغرافی دانان به آن اشاره داشته اند این راه باستانی از صیمره به رود سیکان و محوطه باستانی در پشته سیکان متصل می شود پس از سیکان به پشته زرنگوش وصل شده و از طریق پشته های کبیرکوه به پشته درون و سربند مرتبط می گردد. (محمودیان، ۱۳۷۷، ۵۸-۵۷)

### ۸-۱۵ آثار موجود در مسیر صیمره به بدره (آبهر)

۱- محوطه باستانی سیکان : پشته سیکان از جمله پشته های شرقی کبیرکوه توسط اورل استین ۱۳۱۴ هجری این راه مالرو از فاضل آباد و عباس آباد به پشته زرنگوش ارتباط می یابد که راولینسون آن را در ۳ کیلومتری جنوب صیمره خرابه های تنگ سیکان را شبیه صیمره یاد کرده است و آن را باقی مانده عهد ساسانیان می داند. (راولینسون ، ۱۳۶۲، ۶۷)

۲- قلعه تسمه

۳- محوطه پشته زرنگوش: قلعه دیده بانی و نگهبانی در دره زرنگوش و طاقی بنام باجگیر معروف است.

۴- شهر باستانی لارت : (راولینسون می نویسد: یک راه سیروان به لارت از دشوارترین گذرگاهها بین زاگرس و جلگه سوسیان می داند که عبور کالسکه امکان پذیر می داند. (همان، ۶۱)

۵- آثار موجود در پشته درون و سربند

دره کافران و تنگ برنجان در حاشیه رودخانه صیمره از راهها مهم شیروان و صمیره (دره شهر فعلی) بوده است.

### ۸-۱۶ راهها و معابر در محدوده شرق و شمال شرقی کبیرکوه

باتوجه به وجود راههای صیمره و شیروان و لزوم ارتباط با بیستون و پلهای گاومیشان چم نمشت کر و دختر (جایدر) رود پرآب صیمره و شعبات در کلم سیکان دره شهر شیروان

شیخ مکان ماژین که وارد صیمره می شود. و دیوار منظم کبیرکوه و پشته های آن برای تمرکز و مسیر ارتباط همچنین وجود آتشکده قلعه دژ معابر کوهستانی و جاده ها و نزدیکی به تیسفون از مشخصه ها راه شمال شرق کبیرکوه است. (محمودیان، ۱۳۷۷، ۵۷)

آثار منسوب اکثر مسکوکات یافت شده در دره شهر مربوط به خسرو پرویز بوده سکه حاکم غربی هستند. راولینسون می نویسد: در میان خرابه های شهر شیروان = شیروان بازمانده بنایی عظیم موسوم به قصر انوشیروان مشاهده می گردد. (راولینسون، ۱۳۶۲، ۵۶۷) نقشه (۸-۱)۰

### ۱۷-۸ منطقه شماره ۲ راههای محدوده شهر بدره «آبهر»

بدره از بخشهای شهرستان دره شهر بوده در مسیر راههای باستانی شیروان، صیمره، الرذ و صیمر قرر گرفته که دارای قلعه ها و آسیابها و مرکز انشعاب راههای ارتباطی انتخاب شده است.

راههای این منطقه عبارتند از :

- ۱- بدره به پشته ارشت، بردبال چنار باشی الرذ (ایلام فعلی)
- ۲- راه بدره به میان راه جابر و شهر باستانی شیروان
- ۳- راه بدره به میمه در غرب کبیرکوه «میمه راه» (محمودیان، ۱۳۷۷، ۶۵) (نقشه ۸-۲)۰

### ۱۸-۸ مسیر شماره ۱- راه باستانی بدره «آبهر» بر پشته ارشت و بردبال

#### چنارباشی

از بدره «آبهر» پشته ارشت و بان پرور چهارراهی است به سمت صیمره در شرق، شیروان در شمال به سمت الرذ یاردین «ایلام فعلی» در شمال غربی و نیز به سمت غرب و جنوب غربی یعنی میمه زرین آباد از طریق کبیرکوه ارتباط پیدا می کند از بردبان راه اصلی

به سمت الزدیا (ایلام فعلی) ردین امتداد می یابد. محوطه بان پرور قلعه و قبرستان دیوار سنگی قلعه این بنا در مراحل ورودی به پشته در مسیر میمه راه ساخته شده احتمال دارد این ساختمان که ایستگاه بین راهی و یا کاروانسرای بوده است. (همان، ۶۶)

## ۸-۱۹- راه باستانی پشت ارشت به کلم و بردبال و ایلام فعلی

این محوطه از دو طریق به سمت شمال غربی امتداد می یابد.

الف) راه در بلندیها (پشته ها)

ب) راه در نواحی پست و هموار

از چنارباشی راهی به سمت سیروان کوه و همچنین راه کوهستانی از دامنه های شمال غربی کبیرکوه در مسیر رودخان گل گل به سمت کان گنبد و پس از عبور از صالح آباد و سرنی و شینو به بین النهرین وصل می شود. در محوطه بردبال و چنار باشی بردبل نام سنگ بزرگی است که به نام یک گورستان در یک کیلومتری روستای چناربان در حاشیه رودخانه گراب در ۵۴ کیلومتری جنوب شرقی ایلام بر دامنه بلندترین قله کبیرکوه یعنی کان سیفی است که برخی سیاحان و جهانگردان از جمله راولینسون و فریا استارک در مسیر خود گذشته اند. چنارباشی یک ایستگاه مهم برای تردد اقوام مختلف در ادوار باستانی از شمال غربی به جنوب شرقی کبیرکوه قرار گرفته است. (استارک ، ۱۳۶۴ ، ۱۳۰)

## ۸-۲۰- مسیر شماره ۲ راه بدره (آبهر) به میان راه جابر و شهر باستانی

### شیروان

راه شمالی به سمت میان راه جابر، طرحان و شیروان و راه شمال غربی رود سیمره از بلندیها عبور کرده خانم استارک می نویسد: « در بالای رشته طولانی کوه راهی مهم از مقبره امامزاده ای در کرانه سیمره شروع شده و از امتداد ارتفاعات پهن می گذرد و از آنجا به جلگه شیروان در شمال غربی می رود. (فریا استارک، ۱۳۶۴، ۱۶۰) آثار این مسیر بقعه



جابر آثار قلعه و بنا در کنار سیمره مربوط به دوره ساسانی در کنار حوض زمزم که فریا استارک آن را کثیف اما مقدس بیان کرده از سنگ و گچ به سبک بنای ساسانی قلعه ای دیده می شود. مسیر بقعه جابر که در ۱۰۰ کیلومتری بدره از توابع شهرستان دره شهر در دره ای به نام خرجاور واقع شده است بنای اصلی آن خراب شده بنای جدیدی روی آن ساخته از معماری اسلامی دوره سلجوقی گنبدی همانند دانیال نبی ساخته شده است و نسبت وی را به جابر بن جمیل بن عبدالله انصاری در قرن هشتم هجری می دانند بعضی وی را جابر بن حیان شاگرد امام جعفر صادق (ع) نسبت می دهند. راولینسون به بقعه جابر در جلگه لارت اشاره دارد. ( راولینسون ، ۶۲ )

#### ۲۱-۸ مسیر شماره ۳ راه بدره به میمه زرین آباد در غرب کبیرکوه «میمه

#### ره» یا میمه راه

مسیر بدره تابان پرور از طریق پشته آرشت جهت شرق به غرب از فراز کبیرکوه گذشته تا در غرب در رشته کوه به میمه زرین آباد می رسد. فریا استارک محل را عصر مفرغ دانسته (استارک، ۱۳۶۳، ۱۲۹) کوزه سفالی قرمز و خشن مقداری ساروج یافت بان پرور به میمه سلسله جبال زاگرس امتدای می یابد. راه بان پرور به میمه جبال زاگرس احتمالاً یکی از معابر و گذرگاههای مهم زاگرس به سمت بین النهرین جنوبی باشد عبارتند از: قلعه و برجهای دیده بدنی، قلعه پیردمی سبک معماری دوره ساسانی است. این راه از میمه به پهله زرین آباد که دارای قلاع مهم است پهله به نواحی نصریان، هاویان و بیشه دراز وصل می شود پس به تپه های باستانی موسیان و از آنجا با عراق ارتباط می یابد. (محمودیان، ۱۳۷۷، ۷۴)

#### ۲۲-۸ منطقه شماره ۳ راههای محدوده شهر باستانی شیروان

شیروان یا سیروان از مراکز انشعابی راههای ارتباطی است در روستای سراب کلاب در دامنه شرقی کوههای مانشت و سیوان آثار این شهر بجا مانده است این شهر در شمال

شرقی استان ایلام قرار دارد که رودخانه سیمره حد فاصل ایلام و لرستان از زنجیره، سنگ سفید و شیروان می گذرد کوههای مهم رشته کوه خُرمه ، سیوان، مانشت ، بانکول در غرب قرار دارد.(همان ، ۸۰)

### ۲۳-۸ انشعابات راههای باستانی شیروان «سراب کلان فعلی»

مسیر شماره ۱ - راه شیروان به صمیره از طریق رودبار و میان راه جابر

مسیر شماره ۲ - راه شیروان به طرحان و اتصال به شاهراه شمال جنوب (شوش

همدان) (نهجیری ۱۳۷۰، ۲۵۳)

مسیر شماره ۳ - راه شیروان به نواحی غرب کوه سیوان به سمت بین النهرین

مسیر شماره ۴ - راه شیروان به چرداول ، راه کاروانه، ایوان، هولسه ره و

سومار.(همان ، ۸۰)

### ۲۴-۸ مسیر شماره ۱ راه ارتباطی شیروان به رودبار عرب ، بان پرور و

#### صمیره

از روستای سراب کلان یک راه باستانی در کنار رودهای شیروان و صمیره در جهت غرب به شرق به سمت روستای رودبار غرب واقع در نزدیکی تنگ برنجان امتداد دارد از نواحی بور بور، لومار، شورآب خانعلی، سیاه سیاه ، چم گرداب ظهیری، چم جنگل می گذرد پس به قاضی خان و چم ریته در کنار سیمره مرتبط می گردد. از ساحل غربی رودخانه سیمره تا روستای چم شیر «رودبار عرب» امتداد می یابد آثار پی بنادر ساحل رودخانه که بنظر می رسد پلی باشد برای ارتباط با طرحان در شرق اکنون بعلت تغییر مسیر رود چیزی از آن باقی نمانده است این راه در امتداد ساحل غربی رود سیمره بر فراز بلندیهای به سمت روستای میان راه جابر و منطقه بان پرور منحرف می گردد در این مسیر بقعه ها جابر، چاه زمزم و مصالح گچ در سنگ (محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۸۳)

راولینسون مسیر شیروان به رودبار اشاره کرده نوشته است: «... در آنجا شهر نسبتاً بزرگ که شباهت زیادی به شیروان دارد این همان روبدبر است که بنیامین تودله ۲۰ هزار خانوار یهودی که در آنجا سکونت داشته اند گزارش داده است (راولینسون، ۱۳۶۲، ۴۳) سر اورل استین از حاشیه شرقی رود سیمره مقابل چم شیر (روستای رودبار غرب) می رسند به دهات لوتو و سرگناب سپس از سیمره عبور کرده به روستای چم گرداب در قسمت غرب می رسند و راهی شیروان و به بررسی می پردازد. (کریمی، ۱۳۲۹، ۱۲۷-۱۲۶)

## ۲۵-۸ مسیر شماره ۲ راه شیروان به طرحان و هلیلان

در مسیر شیروان به رودبار راه شرقی با عبور از سیمره به طرحان متصل می شود و از طرحان به کوهدشت در راه فعلی خوزستان، کرمانشاه از همین طریق است فاصله طرحان تا پل دختر پل جایدر ۳ کیلومتر و پل بیجنوند یا «کرودختر» عامل ارتباط طرحان با چرداول در ۷ کیلومتری پل جدید سیمره در مسیر ملاوی به کرمانشاه ساخته شده سبک معمار و نوع مصالح شبیه پلهای دیگر است. منطقه طرحان در عصر ساسانی و قرون اولیه اسلامی بصورت یک چهارراه ارتباطی که از جنوب به سمت شرق و از طرف غرب به سوی شهر سیمره (دره شهر فعلی) از شرق به پل کشکان و نواحی لرستان از طرف شمال و شمال غربی به سمت کرمانشاه «قرمیسن و شیروان باستان» ارتباط داشته است. (محمودیان، ۱۳۷۷، ۸۵)

حمید ایزدپناه آورده است: راه غرب به شرق در ایالت ماسبدان دو شعبه می شده است راه شمالی به حُلوان و راه شرق به شیروان منتهی گردیده است از شیروان نیز راه دو شعبه می گردیده:

۱- راهی به ولایت مهرجان قذق که مرکز آن شهر صیمره است .

۲- شعبه دوم از شیروان به سمت شرق و به جانب طرحان جدا می گردد این راه نیز از چرداول و بیژر نوند «بیجنوند» و پل چهار چشمه ای که در عهد ساسانیان بر روی سیمره ساخته شده ... عبور می کرده به طرحان منتهی شده است . (ایزدپناه، ۱۳۶۳، ۵۸)

سر اورل استین از شیروان از سیمره عبور کرده به طرحان حرکت کرده سپس به هلیلان که در مسیر آن پل کرو دختر رسیده که دو طاق آن باقی مانده واسطه و رابطه بین طرحان و هلیلان بوده است ارتباط دهنده لرستان و کرمانشاه است. (همان، ۹۶)

## ۲۶-۸ مسیر شماره ۳ راه ارتباطی شیروان به نواحی غربی و بین

### النهرین

راهی در غرب روستای سراب کلان در جهت شرق به طرف از معبر «مله گون» در حد فاصل دو قله کوه سیوان و قلا رنگ عبور می نماید در واقع راه میان بر بوده است نزدیکی راه و تنها معبر ارتباطی در این مسیر وجود دارد این جاده مالرو در گردنه مله گون از کنار قلعه هیز در به سمت ایلام فعلی . راه دیگر از دامنه غربی مله گون به سمت روستاهای طولاب ، داروند، میش خاص، سرچشمه رود گل گل می باشد منطقه باستان کان گنبد امتداد یافته آثار قلعه هیز در ، غار بره زرد و چهل ستون سنگ نوشته دوره آشوری، قلعه ملکشاهی و قبرستان کان گنبد می باشند راه از کان گنبد به صالح آباد متصل شد به دو راه عمده تقسیم شده یکی راه صالح آباد به سرنی، شینو، میمک و مرز بین النهرین دیگری صالح آباد به امیرآباد و منصور آباد «مهران فعلی» به سمت شهر زرباطیه «عراق فعلی» در بین النهرین، محدوده مله گون قلعه هیز در Hisder (محمودیان ، ۱۳۷۷، ۸۶) .

حد فاصل دو کوه قلا رنگ و سیوان در غرب شیروان ۷ کیلومتر آن و ۲۵ کیلومتری ایلام در آبریز شرقی گردنه صخره سنگی باعث شد دامنه شرقی این کوه در ناحیه مله گون بصورت دو دره درآید دره شمالی بر اثر رانش کوه موقعیت اولیه اش از دست داده دره

جنوبی که مسیر راه مالرو باستانی است «کن کاو» نام دارد. قلعه هیزدر با سنگهای نسبتاً بزرگ پلی ساختمان آثار سنگ و گچ دیده سفال قرمز رنگ در سرایشی ابعاد بنا ۴۵×۳۵ متر احتمالاً جهت کنترل و ایست راه ارتباطی ایجاد شده است. (همان ، ۸۸)

#### ۲۷-۶ مسیر شماره ۴ راه شیروان به چرداول

راه شیروان از امتداد جنوب شرقی - شمال غربی با عبور از کوهپایه های شمال شرقی سیوان و قلا رنگ از کنار رودخانه چرداول گذشته از کوه لنه وارد دشت چرداول شده تپه های دو آوان و هره قلوس دژ و قلعه «درون قلا» محوطه باستانی شباب در کنار رود زنجیره ، آثار تاریخی زنجیره و شباب و دژ و قلعه بر فراز کوه خرمة عامل اهمیت چرداول شعبات رود زنجیره و سرابله است که به سیمه می پیوندد. (محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۸۸) نقشه (۳-۸)

#### ۲۸-۸ راه سرابله به دامنه کوه خرمة و طرحان

راه سرابله طی مسافتی به کنار رودخانه سیمه و پل ارتباطی باستانی بیجوند که این منطقه را به طرحان متصل می نماید می رسد از طرحان راهی از طریق کوهدشت و پل کشکان به سمت نواحی لرستان امتداد یافته و احتمالاً راه ارتباطی شیروان به شهر باستانی شاپور خواست و بروگرد «بروگرد فعلی» می باشد. نهچیری می نویسد: «بروگرد از بناهای فیروز ساسانی و به فیروگرد معروف بوده است». (نهچیری ، ۱۳۷۰ ، ۲۹۶)

#### ۲۹-۸ قلعه تپه هره قلوس

در کنار جاده سرابله به روستای شبابی نزدیک روستای موشکان و مقابل آن تپه ای که قدمت زمانی بیشتری درازد قرار دارد قلعه متعلق زمان ساسانی در ابعاد ۶×۶ متر و

ارتفاع ۱۵ متر اطاقهای زیرین ۱۱×۳ با طاق هلالی آثار طبقه دوم تپه بصورت چهار طاقی طول هر ضلع ۱۳ متر می باشد تپه دو آوان در ۵۰۰ متری تپه هره قلوس است که در دامنه جنوبی شهر سرابله در دره ای به نام درون با مصالح سنگ گچ است. (محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۹۰)

### ۸-۳۰ آثار باستانی کوه خرمه

موقعیت : رشته کوه خرمه در شمال شرقی سرابله (چرداول) که از جمله رشته های موازی زاگرس در جهت شمال غربی - جنوب شرقی امتداد داشته که دامنه شرقی مشرف به رودخانه چنارچ و روستای چیکان دامنه غربی بر روستای شباب باغله، گلمه و رودخانه زنجیره آثار تاریخی عبارتند از قلعه، اطاقهای دیده بانی ، چاه آب، قبرستان، که دیوار دفاعی با برجهای دیده بانی آن بطول ۱۰ کیلومتر در خط الرأس کوه است . این دیوار از روستای دارتوت در چرداول تا روستای چیکان و منصوری از روستاهای اسلام آباد غرب امتداد دارد و در جاهایی که کوه نفوذ ناپذیر است دیوار قطع شده است و فقط معبرهای نفوذی شرقی را دیوارکشی نموده اند گاهی به فاصله ۵۰ متر یک اطاق نگهبانی با ابعاد ۲/۵× ۱/۸۰ متر ساخته شد. عرض دیوار ۱/۵ متر ارتفاع آن ۲ متر این قلعه با قلعه های کوهستانی اسماعیلیه قابل مقایسه است دیوار داخلی و برجهای دیده بانی با گچ اندود شده است. (همان ، ۹۳)

### ۸-۳۱ قلاع یا قلعه خرمه

قلعه متشکل از تعدادی اطاق دیده بانی مصالح آن سنگ کلوخ و گچ نواحی شمال و شرق صخره ای بلند و نفوذ ناپذیر قسمت غربی صعب العبور و محلهایی مشخص برای عبور و مرور وجود دارد اطاقها تخریب دیوارها ویران با برجهای متعدد دیده بانی و

چاههای آب بر فراز کوه وجود سفالهای نخودی و قرمز رنگ قطور شباهت آن را با معماری قلاع اسماعیلیه می رساند.

## ۳۲-۸ مسیر شماره ۵ راه شیروان به چرداول و ایوان و سومار

این راه از شیروان به کارزان در مسیر کوهپایه های مانشت امتداد یافته و از طریق راه به «کاروانه» از ارتفاعات بانکول می گذرد و راهی کوهستانی است وارد دشت میانکوهی ایوان و سراب رود گنگیر می شد دره ای که راه کاروانه از آن عبور می کند به «درون ویله مانشت» معروف است. ( محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۹۵ )

راه در ایوان دو شبکه ارتباط منشعب می شود یکی راه جنوبی است که از گردنه گله جار عبور کرده و در منطقه چوار به راه باستانی ایلام به سومار وصل می شود دیگری راه اصلی و مهمی است که در دشت ایوان در حاشیه رود گنگیر از طریق راه سنگفرش معروف به «هوله ره» یا کوچ رو امتداد یافته با واگذار چند محوطه تاریخی در نهایت به سومار در مرز با کشور عراق متصل می شود. شکل (۸-۱) راولینسون در سفر خود به راه کاروانه اشاره دارد آورده است : « این راه از ارتفاعات گذشته از گردنه ای صعب العبور به طرف دشت کارزان در امتداد دروخانه ای (شیروان) به سوی زنگوان سرازیر می شود. (راولینسون ، ۱۳۶۲ ، ۵۱)

در مسیر سرتنگ کنگ محوطه های زیادی می باشد که به معنی گذرگاه نامیده شده است که آتشکده سرپا، قلعه شمیران و در محدوده قبل از آن که راه دیگری است به سمت سومار تپه زرنه ، طاق شیرین و فرهاد حوضچه های شیرین و فرهاد و محوطه های تپه شیر، قلا ، تپه نرگسی، تپه ساتیان ، تپه اسماعیل در مسیر رود گنگیر به سمت ایوان می باشند.

## ۳۳-۸ موقعیت جغرافیایی ایوان

ایوان از شرق و شمال شرق به شیروان چرداول از شمال و شمال غرب به کرمانشاه از جنوب به چوار و از غرب به سومار محدود می شود ایوان در گذشته «جوی زر» نام داشته است علاوه بر ارتفاعات زاگرس مهمترین کوهها ایوان، بانکول، شره زول، مانشت، کاتوره، گاو مهر، سورگیری، بابه گرول رودخانه عظیم گنگیر از کوه مانشت سرچشمه گرفته پس از عبور از دشت ایوان از سیاهکل و سومار به عراق می ریزد طول آن حدود ۹۶ کیلومتر می رسد از تپه های مهم آن تپه هلشی، شکرالی، پهنه، نرگسی، قلعه شمیران شهر تاریخی گم گم، جوی زر و .. (ناصری، ۱۳۸۲، ۳۴).

## ۳۴-۸ مسیر راهها در ایوان

دشت ایوان دارای دو مسیر با مناطق پست بین النهرین مرتبط بوده .

**مسیر اول :** دشت ایوان از طریق حاشیه گنگیر، زرنه، کوشک، سومار، بین النهرین در این مسیر آثاری چون تپه زرنه، نرگسی، قبرستان تپه ترن ۱ و ۲ طاق شیرین و فرهاد پل شیر پناه پل چهار دهنه شرف آباد نشان از مسیر مهم ارتباطی بین النهرین به مناطق زاگرس و فلات ایران بوده و وجود پلها در این مسیر نشانه ارتباط گسترده تیسفون پایتخت ساسانی (نزدیک بغداد امرزی) با ایالت همجوار ایوان چون ماسبدان، مهرجانقذق، اریوجان و ... می باشد.

در مسیر زرنه - ترن از کوه های ترن ۲ راه باستانی مشاهده می شود که از کوه های کل هیوله و پوینگو به صورت سنگ چین بسوی چله و سپس گیلانغرب منتهی می شوند . لازم به ذکر است این دو راه از کوهپایه بصورت دو مسیر جداگانه می باشند که در قله کوه بهم می پیوندند در طول این مسیر چشمه های آب آشامیدنی یافت می شود .

**مسیر دوم :** دشت ایوان ، سرتنگ، سیاهگل، پلپه، سومار ، بین النهرین

از این مسیر نیز آثار روستاهای تاریخی فراوانی چون گنبد جهانگیر ، قلعه شمیران، آتشکده سیاهگل محوطه گاومیش ۲ و ۱ ... قرار دارد. در مسیر دوم علاوه بر آثار و بناهای



تاریخی یاد شده وجود رودخانه بزرگ گنگیر از دلیل های دیگر این مسیر تاریخی می باشد که اکثر آثار در مسیر و طول رودخانه شکل گرفتند. از آنجا که پس از تصرف ماسبذان مردم منطقه باز هم بر عقاید پیشین پایبند بودند و از آتشکده ها نیز در این راستا استفاده می کردند. از جمله آتشکده سیاه گل که در طول مسیر راهها باستانی قرار داشته است. (شکل ۸-۲)

مسیر سوم: مسیر سراب ایوان، هوله ره (تپه مامه زمان نرگسی) به سمت غرب به راه فیل راه در شمال غربی بخش چوار منطقه بان حاجی و بقعه سید عیسی و حاجی بختیار که به سمت منطقه میمک و سپس عراق ختم می شود.

مسیر چهارم: مسیر ایوان از طریق سراب ایوان و کوههای مانشت که با توجه به آثار مخروبه در منطقه تائیشه و دره دراز سراب ایوان و کوه بانکول به منطقه کارزان و از طریق حاشیه رودخانه شیروان به روستای سراب کلان منتهی می شود.

مسیر پنجم: مسیر ایوان به روستای کله جوب در شمال غربی ایوان در فاصله ۱۰ کیلومتری به سمت شمال و از طریق کوهپایه های شمال غربی بانکول به راه بوره ره، گم گم (قم قم) و در ادامه به مجموعه قنات کچیرمی در درگه به روستای جان جان در شهرستان چرداول در مسیر غرب به شرق به سمت نواحی طرحان در حد فاصل لرستان و خوزستان آثار مسیر این راه پل کرو دختر و پلهای صیمره و کشکان دیده می شود.

### **۸-۳۵ موقعیت تنگ کوشک**

جاده آ ایوان بعد از گذر از دشت منتهی به بخش زرنه و روستای ترن، چهل زرعی، و از یک دره طبیعی با شیب نسبتاً زیاد وار دشت سومار می شویم که این دو ناحیه اختلاف سطح بسیار فاحشی دارند که با گذر از این تنگه استراتژیک منطقه به دو قسمت ییلاق و قشلاق تقسیم می گردد این تنگه به نام تنگ کوشک شاید مغرب قصر و کاخ باشد از قبرستان این محل سکونت انسان در دوران تاریخی خیر می دهد.

### **۸-۳۶ راه هوله ره**

راه هوله ره در ایوان از کنار تپه مامه زمان نرگسی گذشته سپس به محوطه زرنه که زمانی احتمالاً مرکز ماسبذان بوده در شمال غربی ایوان وصل شده که دو تپه باستانی هم در آنجا وجود دارد. (محمودیان، ۹۷، ۱۳۷۷)

این راه باستانی در زرنه به ۲ شاخه تقسیم می شود یک مسیر آن که از خود زرنه می گذرد و به روستای چل زری (بازار زرگرها)، ترن و دره کوشک می گذرد و تا سومار در مرز امتداد می یابد که وجود پلها و آثار باستانی همانند طاق شیرین و فرهاد که در این قرار دارد. شعبه ی دیگر این راه قبل از زرنه به منطقه سرتنگ عبور می کند و بر حاشیه رود گنگیر از محوطه های متعددی از میان کوهها می گذرد. تمام این مناطق که آثار زیادی در جای جای آن از محله طاق سه پا (آتشکده) در ۱۰ کیلومتری سرتنگ به چشم می خورد آثار و خرابه های دیگر به نام کنگ در آنجا هست. معنی آن گذرگاه می باشد و به سومار در مرز متصل می شود هم اکنون در مسیر این رودخانه سدی در حال احداث است که بیشتر آثار باستان کنگ را زیر آب می برد.

راولینسون در باره زرنه می نویسد: «در زرنه خرابه های شهر بزرگ نمایان است تپه ای آنجاست که من معتقدم قلعه بوده که اندازه آن از تپه گیلان کوچکتر است ... سه یا چهار ساختمان مجزا از بقیه سالم تر هستند در حوالی تپه دیده می شود که شامل تعداد زیادی راهروهای تنگ و گنبدی شکل اند، بنظر می رسد عصر پادشاهان ساسانی محل سکوت بوده اند و این بنا از نظر معماری با خرابه های «بان زرده» یکسان است و مربوط به یک زمان هستند. (راولینسون، ۱۳۶۲، ۴۰)

### ۳۷-۸ تپه باستانی مامه زمان نرگسی

در مسیر جاده ایوان به سومار در حاشیه غربی رود گنگیر تپه مامه زمان نرگسی به ابعاد ۲۸/۳۲ متر ارتفاع ۸۰ متر مصالح سنگ و گچ ساخته شده که احتمالاً چهار طاقی می باشد که بر روی تپه پی سنگ چینی تعدادی دیوار دیده می شود واندنبرگ در سال ۱۹۷۰ نواحی کنار رود گنگیر را مورد تفحص قرار داده و آن را به احتمال نسبت دارد و به ویرانه های دوره قدرت آشوری دانسته است (L. Vanden berghe.1971. P.37).

### ۳۸-۸ طاق شیرین و فرهاد کوشک

طاق شیرین و فرهاد در مسیر راه زرنه به سومار مشرف به رودخانه کوشک از سنگهای تراشی بصورت هلالی ساخته شده طول طاق ۳ متر عرض آن ۲/۵ متر ارتفاع پر شدن کف نامشخص است عرض درب ورودی ۷۵ سانتیمتر و طول دیوارهای جانبی درب ورودی هر کدام ۹۰ سانتی متر ۱۷ ردیف سنگ بنا نمایان است بزرگترین قطعه سنگ بکار رفته در درب ورودی آن ۱۱۰×۶۵×۴۵ سانتی متر است که احتمال می دهند متعلق به دوره تاریخی باشد. (محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۹۹) (شکل ۸-۳)

#### ۳۹-۸ منطقه شماره ۴: راههای محدوده شهر ایلام «الرد = ردین»

شهر ایلام هم اکنون در میان کوههای مانشت ، سیوان، گچان، شلم و لَمه ره واقع شده است که در دشت میانکوهی دیوالا «ده بالا» محسور است رودخانه معروف آن گذار خوش است که طی مسافتی وارد جلگه بین النهرین می شود این رودخانه از چشمه های سراب عطش، بی بی ، قنات خُناخه، آزلوار نام و نانان بهم می پیوندند و این رودخانه را تشکیل می دهند و آسیابهایی به نام گریان، خندن، چَرَمَل بَرزه دماغ قلالان. (همان ، ۱۰۱)

ایلام بدلیل حائل بودن بین بین النهرین و فلات مرکزی و نزدیکی به پایتخت تیسفون و مرکز حکومت خلفاء قرون اولیه اسلامی عامل پیشرفت ایلام در آن زمان شد ولی در قرون بعد بدلیل انتقال مرکز به شرق کشور از اهمیت آن کاسته شد

#### ۴۰-۸ پشت قلعه چوار

این قلعه بر روی تپه ای به ارتفاع ۳۰۰ متر با سنگ و گچ دارای پنج دیوار دفاعی به دیوار عرضی در پیرامون تپه اطاق و جایگاهی برای دیده بانی حد فاصل ۵ دیوار عمودی و پایین دست قلعه اصلی آثاری از ساختمان وجود دارد که محل استقرار نیروها در این دژ بوده است. (همان ، ۱۰۷)

## ۴۱-۸ محوطه باستانی چم ژیه مومه

یک قبرستان در مسیر راه ارتباطی چوار به یا قلاع به سمت نواحی بین النهرین در روستای چم ژیه مومه از توابع چوار بر اساس حفاری واندنبرگ آثار برنز بدست آمده است . ( واندنبرگ ، ۱۳۵۵ ، ۳۵۷ )

همچنین در ناحیه مرزی ایلام با عراق در مسیر چوار به سومار منطقه ای بنام «چکر» بر روی صخره ای واقع است که شامل حیاط مرکزی دیوار بلند دژ و اطاق قوس محلل‌های دیده بانی با مصالح سنگ و گچ و اطاقهای با گچ اندود که سفالهای آن با قلعه یزدگرد قابل مقایسه است. چوار بصورت چهارراهی که به روستای مورت و سپس بصورت راه مالرو با گذر از گردنه قیطول که احتمالاً ایستگاه بین راهی بوده به ناحیه گنجوان که دارای چشمه های معدنی است و پی ساختمان و مسیر آنجاست به چکر بولی و سپس بین النهرین می رسد که توسط واندنبرگ حفاری شده است.

## ۴۲-۸ انشعاب راههای باستانی منطقه الرز «ایلام فعلی»

۴۳-۸ مسیر شماره : ۱- راه ایلام به چوار، پاقلع، سومار غرب سپس به بین النهرین در گذشته مالرو از ارتفاعات شمال ایلام گذشته این راه از هانیوان، شای جان و سرسیون (sarecion) به منجل و سپس چوار وصل می گردد. ( محمودیان ، ۱۳۷۷ ، ۱۰۴ )

## ۴۴-۸ مسیر شماره ۲: راه ایلام به صالح آباد.

۱-۲ راه صالح آباد به سرنی، شینو و مندلی عراق «بندینجین»

۲-۲ راه صالح آباد به مهران

سپس این راه انشعابات دیگر همانند راه مهران به زر باطیه و بادرای عراق فعلی و

سپس مسیر دومی راه مهران به دهلران و موسیان

۸-۴۵ **مسیر شماره ۳:** راه ایلام به گل گل ملکشاهی و دامنه غربی

کبیرکوه

۸-۴۶ **مسیر شماره ۴:** راه ایلام به شیروان چرداول (محمودیان، ۱۳۷۷، ۱۱۰)

### ۸-۴۷ **مسیر شماره ۲ - راه ایلام به نواحی صالح آباد**

در شمال شرقی ایلام چشمه بر آب وجود دارد به نام سراب که سرچشمه رود گذرا خوش می باشد راه باستانی از حاشیه رودخانه عبور کرد در جهت شمال به جنوب از دره گراب «گراو» گذشته پس از مساحتی به محدوده تاریخی تخت خان که مسیر کوچ ییلاق به قشلاق ساکنان ایلام به نواحی گرمسیری بدره «بادرائی» و تپه باستانی باغ سای (باکسایا) و زرباطیه در عراق فعلی و نواحی امیرآباد و منصور آباد (مهران) وصل می شود پس از دره بانروشان به شدت هیژدانه یا هیژدان دشت می رسد. از صالح آباد دو راه مهم انشعاب پیدا می کند: ۱- راه صالح آباد به سمت غرب سرنی، شینو، ممک

۲- راه صالح آباد به سمت جنوب صالح آباد به امیرآباد و منصور آباد (مهران)

الف) مسیر صالح آباد به سمت غرب به محوطه تاریخی قلعه کلک و از آنجا در جهت جنوب غربی به محدوده تاریخی سری و قلعه آن بر فراز تپه که مربوط به دوره تاریخی است می رسد از سرنی به راه ارابه و سنگفرش شینو در منطقه مرزی با عراق و شهر مندلی عراق فعلی به نام «بندنیجین» یا بندنیکان مرتبط می گردد. در سرنی بنای گمرک وجود دارد.

ب) مسیر صالح آباد به سمت جنوب با گذر از تپه باستان آنگاه به منطقه تاریخی امیرآباد در ساحل غربی رودخانه گنجان چم واقع شده پی بناها سنگ چین است سفال تیغه های سنگی از عصر حجر دلایل تمرکز جمعیت است پی ساختمانها منظم و سیستمی بوده که دو تپه باستانی دارد. راه از امیرآباد گذشته از حاشیه گنجان چم به قلعه والیان متصل شده وارد دشت مهران (منصور آباد) می شود.

پس از مهران راه دو شاخه می شود که یک مسیر آن به بدره عراق یا «بادریا» راه دیگر به چنگلوله و دهلران و از آنجا به موسیان و سپس به شوش متصل می شود. راه ارتباطی از منطقه منصور آباد به دو شاخه تقسیم می شود.

الف) یک راه از منصور آب (مهران) به بدره عراق با بادرائی می رسد

ب) یک راه دیگر مهران به چنگوله و دهلران و از آنجا به موسیان و سپس شوش متصل می شود. (محمودیان، ۱۱۳، ۱۳۷۷)

### ۴۸-۸ مسیر شماره ۳- راه ایلام به گل گل و ملکشاهی

این راه در جهت شمال غربی به جنوب شرقی از مسیر ایلام به صیمره امتداد یافته و به مشخصات در امتداد رودخانه گل گل متمایل به جنوب شده در محل فعلی روستای گل گل از کنار سنگ نوشته آشوری منسوب به اشور بانی پال با فاصله ۱۰ کیلومتر به شهر ارکو از مرکز ملکشاهی می رسد. از ارکواز راههای دیگری انشعاب پیدا می کند که عبارتند از:

الف) راه اکوز به دامنه جنوبی کبیرکوه این راه به منطقه میمه می رسد و از آنجا به سمت «پهله» زرین آباد که قلعه شهاق یا شیخ در مسیر راه ارتباطی از پهله به نصریان می باشد پس به دهلران و موسیان متصل می شود.

ب) راه ارکو از به گنبد پیرمحمد در جهت شمال با سرچشمه رودگاوی و سپس دره کاوی به مهران و به بدره عراق و بادرائی و منطقه «باکسایا» همان باغ سای عراق متصل

می شود که این مسیر خانم فریا استارک سیاح انگلیسی از بغداد به شرق کبیرکوه می باشد.  
( همان ، ۱۱۴ )

راه ارکوازه کان گنبد ، صالح آباد و اتصال به راه سرنی به مندلی عراق این راه در جهت شرق به غرب امتداد یافته ابتدا به قلعه جوق با مصالح سنگ و گچ و معماری ساسانی از قلعه جوق راه باستانی پس از طی مسافتی به منطقه «مهر و آما» وصل شده پس به دره «وپژدرون» که تنگه باریکی است و محل گذر رودخانه گل گل به سمت امیرآباد است در بلندیهای غرب ویژه محدوده باستانی «کان گنبد» که محوطه ابزارهای برنزی هزاره سوم بدست آمده است می رسد (محمودیان، ۱۳۷۷، ۱۱۳)

#### ۴۹-۷ مسیر شماره ۴- راه ایلام به چرداول و شیروان

بخاطر کوهستانی بودن منطقه و مسیرهای صعب العبور راههای امروزی بر روی راههای باستانی برای سهولت در ارتباط ایجادگر دیده است دو مسیر ارتباطی ایلام به شیروان دارای یکی از طریق نواحی «طولاب» «مله گون» و دیگر ایلام را به نواحی شرقی و شمال شرقی از طریق کوه گچان و گردنه «قوچعلی» به «ناحیه کوهستانی» هیوانان متصل می کند این راه از محلی به نام «گاوه ره» که راهی مالرو می باشد عبور می کند کوه مانشت مشرف بر این راه ارتباطی است این راه به چرداول وصل و از طریق قلعه هره قلووس به منطقه طرحان می رسد. ( همان ، ۱۱۵ ) (نقشه ۸-۴)

**فصل نهم**  
**نتیجه گیری**



## ۹-۱ نتیجه گیری

در این پژوهش با تکیه بر راهها، پل ها، قلعه ها، تاسیسات و مسیر راههای باستانی استان ایلام بخصوص ناحیه ایوان پرداخته شده، که حاصل آن شناخت راههای باستانی منتهی شده به شهرستان های دیگر از قبیل راه بوره ره ( بوره ری )، که در مسیر کوههای بانکول ایوان به سوی گم گم ( قم ) امتداد یافته و به مجموعه قنات گچیر می در درگه و جان جان چرداول مرتبط می یابد.

راه بعدی از طریق کوههای مانشت و از مسیر منطقه تانیشه و دره دراز سراب ایوان به منطقه کارزان و سپس بسوی شیروان منتهی می شود. در مسیر سراب ایوان، هوله ره، ( تپه مامه زمان نرگسی ) به سمت غرب به راه خیل راه در شمال غربی بخش چوار منتهی و از منطقه بان حاجی و بقعه سید عیسی و حاجی بختیار راهی منطقه میمک و سپس مندلی عراق می شود.

و از جمله راه های مهم یافته شده در این پژوهش، هوله ره، سوره ره (در مسیر کوه بانکول به چرداول) راه کل هیوله، پوینگوله - که در سمت جاده زرنه - ترن به چله و سپس گیلان غرب وصل می شود. همگی این راه ها در مسیر کوهها بصورت خاکریز و سنگ چین می باشند.

**ذوالفقار راه:** در خصوص راههای باستانی منطقه از گفتگوهای معمرین منطقه و همچنین استناد به سفرنامه الموت فریاستارک چنین استنباط می گردد، ( اگر چه مورخین به راه باستانی که از بین النهرین به ما سبذان رسیده است ) که [ ذوالفقار راه ] که از قلعه ی شمیران شروع و ادامه آن با منطبق بر خط الراس فوقانی رشته کوه شره زول تا قلعه عبدالان در مانشت کوه و به منطقه ی تانشیه و از آنجا به شیروان منتهی می شود . تعیین این مسیر کوهستانی احتمالا برای عدم پل سازی بوده است . خانم فریا استارک اگر چه به کلمه ی ذوالفقار راه اشاره نکرده اما هنگام عبور از نزدیکی قلعه شمیران به این راه اشاره کرده و نوشته است که شاه راهی قدیمی بوده است

#### ۲-۹ پیشنهادات

۱. در جریان انجام این پژوهش این نتیجه بدست آمد که برخی از آثار باستانی منطقه چندان مورد بررسی و کاوش علمی قرار نگرفته است لذا پیشنهاد اکید می شود که با یک بررسی جامع و بر اساس یک طرح جامع و زمان بندی شده آثار منطقه اولویت بندی و با توجه به امکانات مورد مطالعه قرار گیرد .
۲. در ادامه پژوهش به برخی از مناطق باستانی برخورد نمودیم که هیچگونه بررسی و شناسایی آنها صورت نگرفته از جمله راههای کوچرو و دیگر آثار مرتبط با آنها انتظار می رود مورد بررسی قرار گیرد.
۳. در پایان انتظار می رود برای حفظ آثار بجای مانده و جلوگیری از حفاریهای غیرمجاز که به تخریب آثار منجر می شود بطور هرچه بیشتر از برنامه های اصلی مسؤلان و پایگاههای میراث فرهنگی قرار گیرد.

جدول شماره ۱

اسامی شهرهای استان ایلام در اوایل اسلام (اقلیم جبال)

ولایت اسلامی نام امروزی

<p>ایوان مرکز آن زرنه امروزی ولی با توجه به بقایای باستانی در دشت ایوان مرکزیت می تواند ایوان باشد</p> <p>همدان ویا شهری نزدیک همدان که شبیه آن می باشد.</p> <p>اسلام آباد</p> <p>پشتکوه - در گذشته می خوانند سیروان مرکز آن بوده است</p> <p>ایلام</p> <p>پشتکوه در گذشته می خواندند</p> <p>دره شهر در نزدیکی و یا جزء شهرهای مهرجانقدق بود یا همان مرکز بوده</p> <p>(نهادند)</p> <p>(خرم آباد)</p> <p>(کرمانشاه)</p> <p>ماهیدشت راههای باستانی از جنوب آن می گذشته به ماسبدان می رسیده است.</p>	<p>اریوجان - اذیوجان - اریو حان - اریوخان - ادیو حان - ادیوجان</p> <p>دینور (ماه کوفه) فتح دال ، سکون یاء فتح نون و مالیات به کوفه می دادند.</p> <p>مادبذان - ماه سبدان - ماسپندان - ماه سبدان (فتح نین، باء و ذال به فتح ) ماسبدان - ماسبدان - ماسبتان</p> <p><u>هارون آباد</u></p> <p>سیروان - شهر آن ماسبدان است</p> <p>ردّ - راذّ - ردین - ابراز - الروز</p> <p>البرز</p> <p>صیمره - صیمره - بفتح صاد سکون یا فتح میم جزء شهرهای مهر خانقدق بوده است</p> <p>مهرجانقدق . مهرجان گدک - مهرگان قدق</p> <p><u>حُلوان</u> (ماه بصره)</p> <p><u>شاپورخواست</u></p> <p>قرماسین - قِرمیسین (کسر قاف سکون راء - کسر میم - سکون یاء - کسر سین و یاء دوم)</p> <p>مایدشت</p>
--	--

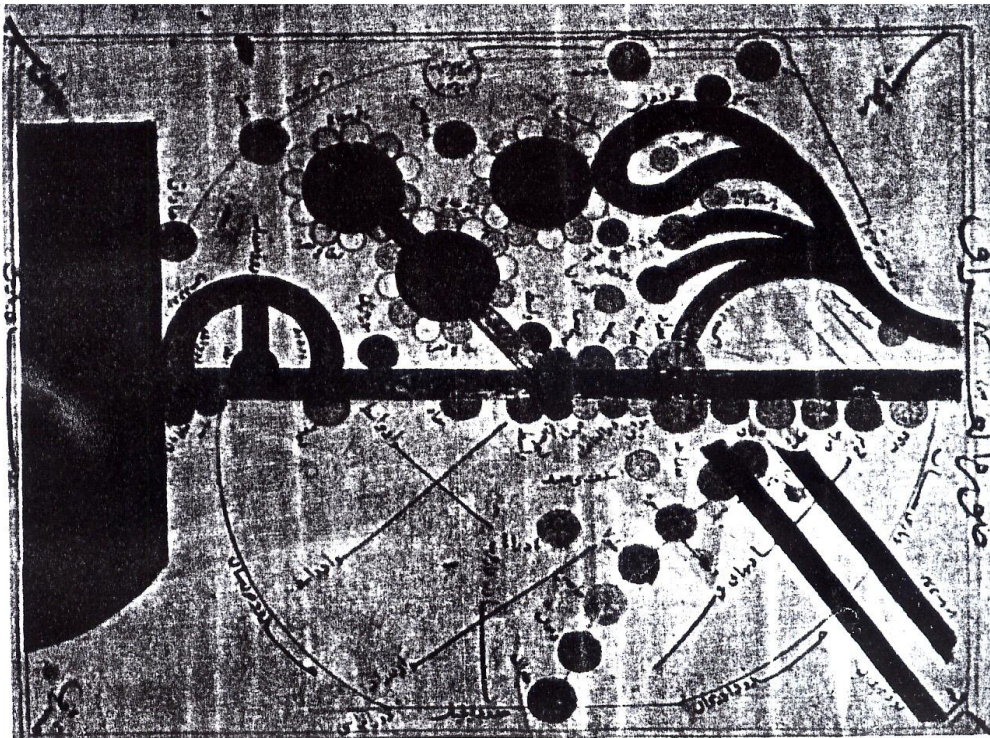
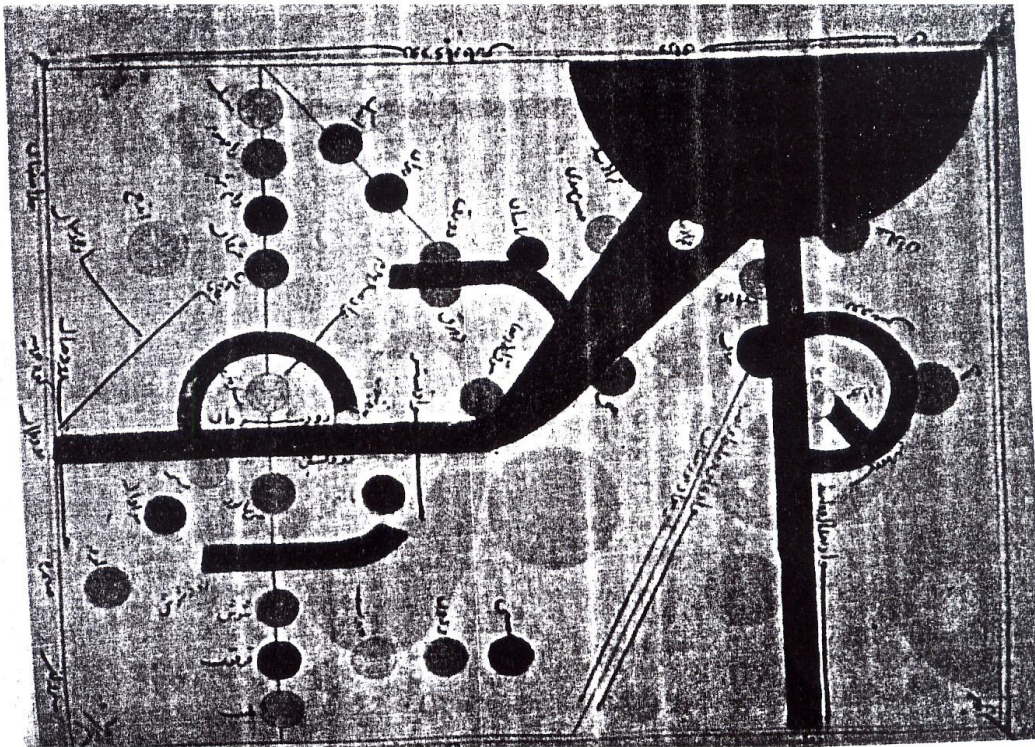
(جدول ۵-۱)



شکل (۴-۱) سکه مربوط به دوره حکومت دولت حسنویه کرد برزیکانی (۳۴۹ قمری) نام

ادیوجان برآن حک شده است .





نقشه (۲-۴) نقشه عراق و خوزستان



شکل (۱-۵) دهانه های خمیده و جناقی ویرانه های دره شهر



شکل (۱-۶) کاروانسرای پنج برار آبدانان

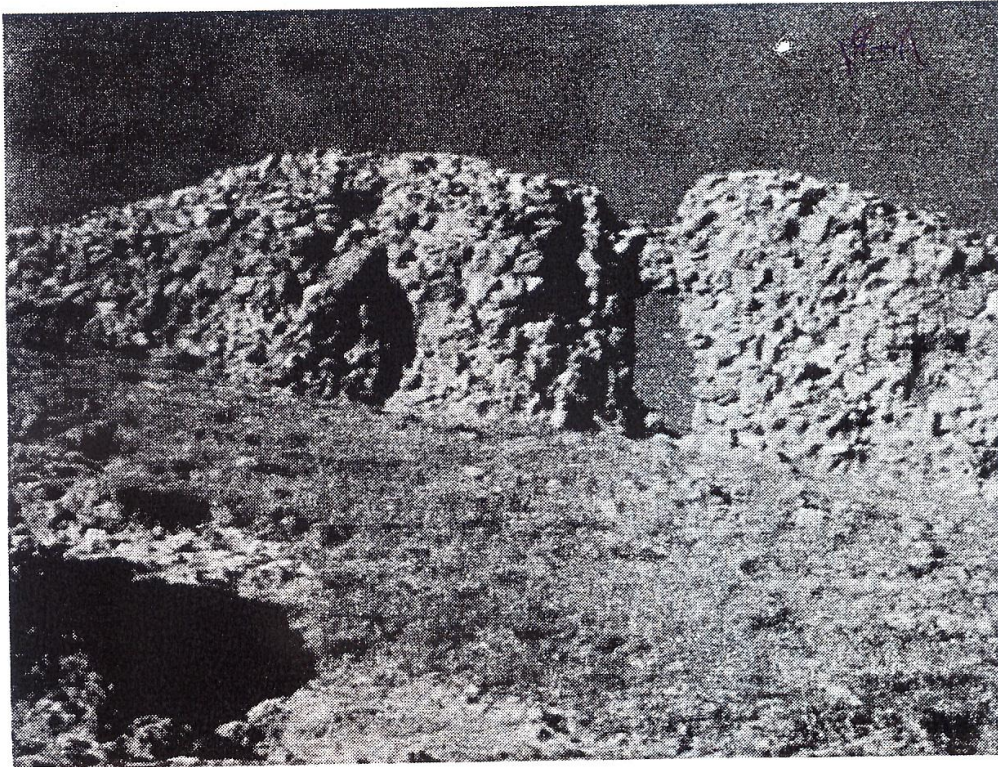




شکل (۶-۲) قله قالوه (مهران)



شکل (۶-۲) بنای باقیمانده از قلعه قالوه گلان (مهران)



شکل (۳-۶) قسمتی از دیوار قلعه چوار پشت قلعه (قلا)



شکل (۶-۴) نمونه طاقچه های قوسی شکل با تزئینات ساده گچبری - دید از شمال



شکل (۶-۴) نمونه طاقچه های قوسی شکل اتاقها - دید از جنوب



شکل (۵-۶) دورنمایی قلعه سام



شکل (۶-۶) بخشی از بنای قلعه پشت قلعه آبدانان



شکل ( ۶-۶ ) بخشی از بنای قلعه پشت قلعه آبدانان



شکل (۶-۷) قلعه هزاردرب

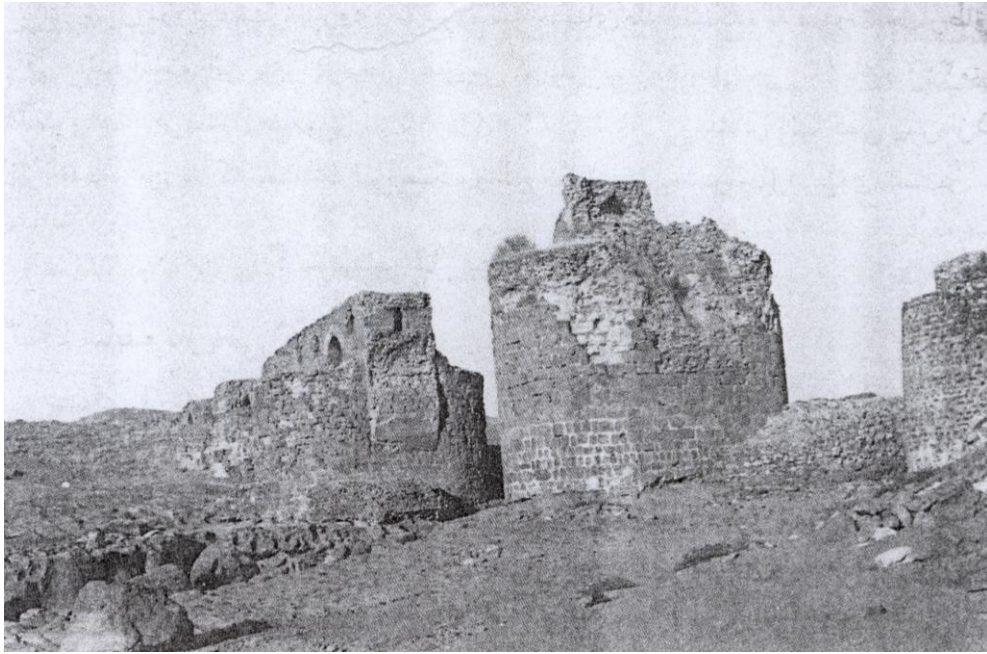


شکل (۶-۸) قلعه پنج برار مورموری





شکل (۶-۹) پل کرودیت



شکل (۶-۱۰) پل قدیمی گاومیشان



شکل (۶-۱۱) پل شیرپناه



شکل (۶-۱۲) پل چهاردهنه شرف آباد



شکل (۶-۱۳) بقایایی از پل هیلان



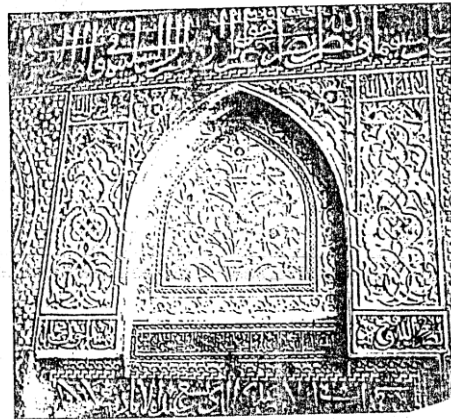
گنج بری های دو طرف محراب و دیوار جنوبی مقبره



نمای اصلی بنا



قسمتی از نمای خارجی «آجرکاری»  
و دیوارها



قسمتی از نمای داخلی مقبره

اشکال (۱-۷) بقعه مهدی صالح

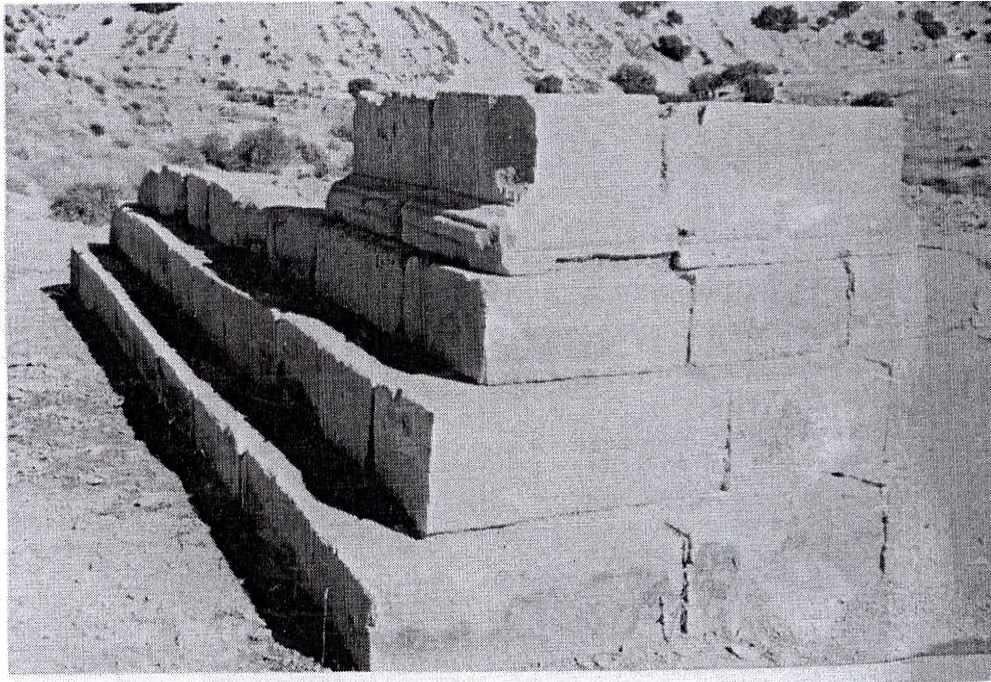
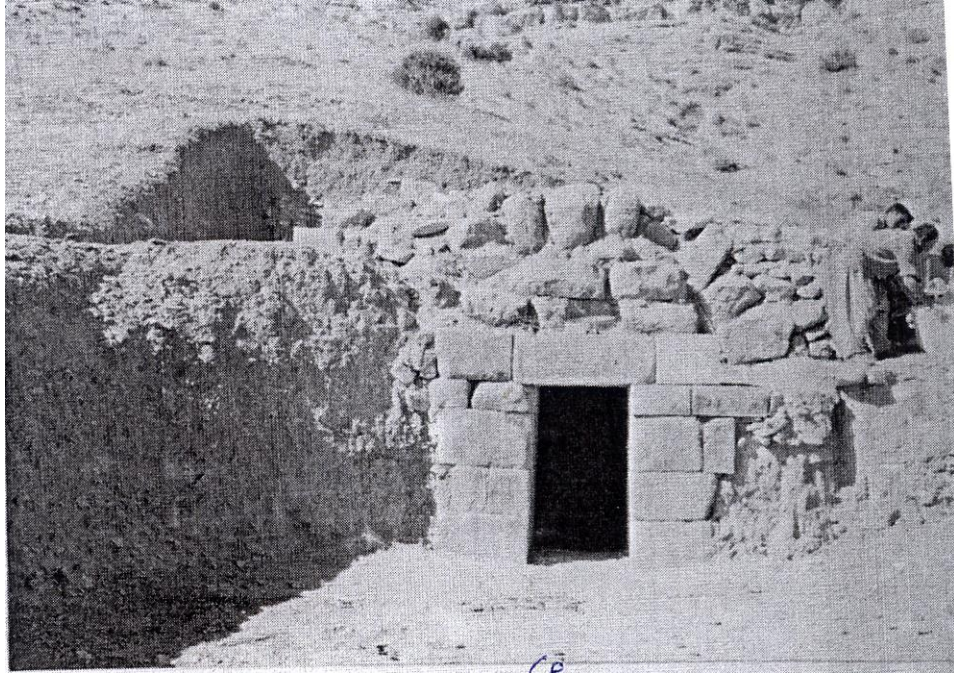


شکل (۸-۱) راه سنگفرش دشت ایوان هوله ره



شکل (۸-۲) تصویری از آتشکده سیاه گل





شکل ( ۳-۸ ) طاق شیرین و فرهاد

## منابع و ماخذ:

- ۱- استارک، د.ف.م.وساکی، ع.م.، ۱۳۶۴، **سفرنامه الموت**، تهران، انتشارات علمی
- ۲- افشار سیستانی، ا.، ۱۳۷۲، **ایلام و تمدن دیرینه آن، بی جا**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۳- ابوالفداء، و آیتی. ع.ا.، ۱۳۴۹، **تقویم البلدان**، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۴- ابن حوقل، و شعارج. ج.، ۱۳۶۶، **صوره الارض**، تهران، چاپخانه سپهر.
- ۵- اصطخری، ا.ا. و افشار. ا.، ۱۳۶۸، **مسالك و الممالک**، تهران، نشر علمی و فرهنگی.
- ۶- ابن خردادبه، و قره چانلو، ح.، ۱۳۷۰، **المسالك و الممالک**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۷- ابن فقیه، ا.ا.م.ا.ه. و مسعود. ح.، ۱۳۴۹، **ترجمه مختصر البلدان** بخش مربوط به ایران، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۸- ابن اثیر، ع.ا.ع.، ۱۳۶۹، **تاریخ الکامل**، تهران، دنیای کتاب.
- ۹- ابی یعقوب و آیتی، ا.ا. و آیتی، م.ا.، ۱۳۸۲، **تاریخ یعقوبی**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۰- ابویعقوب، ی.ا.ا.، ۱۳۴۳، **البلدان**، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۱- امارنامه استان ایلام، ۱۳۷۵.
- ۱۲- ایزدپناه، ح.، ۱۳۶۳، **آثار باستانی و تاریخی لرستان**، تهران، انتشارات آگاه.
- ۱۳- بختیاری، س.، ۱۳۸۳، **اطلس گیتا شناسی استانهای ایران**، موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتا شناسی.

- ۱۴- بدیعی، ر.، ۱۳۶۲، **جغرافیای مفصل ایران**، تهران، نشر اقبال .
- ۱۵- بلاذری، ای. ج. و آذرنوش، آ.، ۱۳۶۴، **فتوح البلدان**، تهران، سروش .
- ۱۶- بهار، م. ا.، ۱۳۱۸، **مجمل التواریخ والقصص**، تهران، کلاته خاور تهران
- ۱۷- پیرنیا، م. ک.، ۱۳۷۰، **راه و روابط**، تهران، انتشارات آرمین.
- ۱۸- پیرانی، ب.، ۱۳۸۳، **معرفی تاریخی پشت قلعه**، فصل نامه فرهنگ ایلام شماره ۱۶ و ۱۷،  
تاریخ بهار- زمستان، ص ۴۰.
- ۱۹- پیرانی، ب.، ۱۳۸۱، **گزارش فصل اول بررسی و شناسایی باستان شناسی ایوان**، ایلام،  
سازمان میراث فرهنگی کشور، زمستان و تابستان.
- ۲۰- پوپ، آ. ا.، ۱۳۴۶، **معماری ایران**، تهران، گروه فرهنگی خوارزمی
- ۲۱- توکلی مقدم، ح.، ۱۳۷۵، **وجه تسمیه شهرهای ایران**، نشر میعاد.
- ۲۲- جعفری، ع.، ۱۳۷۹، **گیتا شناسی ایران**، **دایره المعارف جغرافیای ایران**، انتشارات گیتا  
شناسی .
- ۲۳- خلیلیان، ع.، ۱۳۷۵، **چغاخلامان، محوطه ی ازدوره آغازنوستگی در امیر آباد**  
**مهران، باستان شناسی و هنر ایران**، بزرگداشت عزت الله نگهبان، بی جا، بی نا.
- ۲۴- دهخدا، ع. ا. و معین، م.، ۱۳۳۴، **لغت نامه**، تهران، بی نا
- ۲۵- راولینسون، س. و امان الهی بهاروند، س.، ۱۳۶۲، **سفرنامه راولینسون** (گذری از زهاب به  
خوزستان)، تهران، انتشارات آگاه.

- ۲۶- رادن، ۱۳۷۴، تاریخ سرزمین ایلام از روزباستان تا انقراض حکومت والیان لرستان، تهران، نشرارغنون
- ۲۷- رزم آراء، ۱۳۲۰، جغرافیای نظامی ایران، تهران، بی نا.
- ۲۸- زرین کوب، ع.آ.، ۱۳۶۸، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران، امیرکبیر.
- ۲۹- زنده دل، ح.، ۱۳۷۹، استان ایلام، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، نشر ایران گردان.
- ۳۰- ستوده، م.بی تا، حدودالعالم من المشرق الى المغرب، تهران، نشرطهوری.
- ۳۱- شالچیان، ج.، ۱۳۶۴، پل سازی، تهران، انتشارات دهخدا.
- ۳۲- طبری، م.ج.ط. و پاینده، ا.، ۱۳۷۵، تاریخ الرسل والملوک، تهران، انتشارات اساطیر.
- ۳۳- طاهری، ن.ا.، ۱۳۵۱، جغرافیای تاریخی ایلام و پشتکوه، مجله زمین و زمان، سال ۱۰، شماره ۶، فروردین - اردیبهشت، ص ۱۷.
- ۳۴- عباس، ا.، ۱۳۸۳، از مهرگان تا صیمره، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۱۸ و ۱۹، ص ۸۷-۹۰.
- ۳۵- قزوینی، ز.م.ن. و قاجار، ج.م.، ۱۳۷۳، آثارالبلاد و اخبارالعباد، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۳۶- کریمی، ب.، ۱۳۲۹، راههای باستانی و پایتخت های غرب ایران، تهران، بی نا.
- ۳۷- کیانی، ی.، ۱۳۷۹، معماری ایران در دوره اسلامی، تهران، انتشارات ارشاد اسلامی.
- ۳۸- کریمی، ب.، ۱۳۸۰، آثار باستانی شهر درون (قلعه هندمینی)، شماره ۷ و ۸، پاییز - زمستان.
- ۳۹- کریمی، بی تا، استخراج آبهای پنهان، بی جا.
- ۴۰- کامبخش فرد، س.ا.، ۱۳۸۰، آثار تاریخی ایران، تهران، میراث فرهنگی کشور.
- ۴۱- کریمی، ن.، ۱۳۸۱، پل گاومیشان، شماره ۹ و ۱۰، بهار - تابستان.

۴۲- کریمی، ب، م.، ۱۳۲۹، **راههای باستانی و پایتختهای قدیم غرب ایران**، انتشارات

میراث فرهنگی

۴۳- کریمی، ب.، ۱۳۷۴، **لرستان پستکوه و آثار تاریخی آن**، سال ۳۱، شماره ۲، خرداد، ۲۷.

۴۴- فره شی، ب.، ۱۳۷۴، **پلهای قدیمی ایران**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۴۵- قوچانی، ع.، ۱۳۷۴، **قلمرو حکومت ابوالنجم بدر بن حسنویه**، مجله باستان شناسی و

تاریخی، سال هشتم، شماره دوم، بهار و تابستان.

۴۶- لسترنج، گ. و ایرانوویچ، ب.، ۱۳۷۴، **جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی**، تهران،

انتشارات دانشگاه تهران.

۴۷- مخلصی، م.ع.، ۱۳۷۹، **پل های قدیمی ایران**، بی جا، انتشارات میراث فرهنگی.

۴۸- مرادی، ا.، ۱۳۷۹، **بقعه های متبرکه ایلام**، شماره ۱ و ۱۲، پاییز و زمستان، ص ۸۹-۹۲.

۴۹- محمودیان، ح.ا.، **سیروان**، مجله فرهنگ ایلام، شماره ۲، تاریخ ۱۳۷۹، ص ۷۵.

۵۰- مقدسی، م.ط. و شفیع کدکنی، ا.ر.، ۱۳۴۹، **آفرینش و تاریخ**، تهران بنیاد فرهنگ ایران.

۵۱- محمودیان، ح.ا.، ۱۳۷۷، **راهها و معابر باستانی غرب زاگرس از دوران پارت و**

**ساسانی**، موسس فرهنگی سبز ریش.

۵۲- موسوی، ع.، ۱۳۷۳، **واندنبزرگ باستان شناس بزرگ**، مجله باستان شناسی و تاریخ، سال ۸۰

شماره دوم تاریخ، ص ۷۳.

۵۳- محمودیان، ح.ل.، ۱۳۸۳، **قلاع**، فصل نامه فرهنگ ایلام، شماره ۱۶ و ۱۷، زمستان و بهار.

۵۴- مسعودی، ا.ع.ا.ع.، ۱۳۴۷، **التنبیه و الاشراف**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- ۵۵- مسعودی، ا.ح.ع.ا.، ۱۳۷۳، **مروج الذهب ومعادن الجوهر**، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵۶- محمودیان، ح.ا.، ۱۳۸۴، **باستان شناسی، تاریخ و ایلام**، نشر گویش.
- ۵۷- مونس، ح. و آ.آ.، ۱۳۸۲، **اطلس تاریخ اسلام**، تهران، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۵۸- مینورسکی، و. و طباطبایی، س.ا.، ۱۳۴۲، **سفرنامه ابودلف در ایران**، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- ۵۹- نهچیری، ع.، بی تا، **جغرافیای تاریخ شهرها**، تهران. بی نا.
- ۶۰- نعمتی، ن.، ۱۳۸۰، **بقعه مای صالح**، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان.
- ۶۱- ورعی، ا.، ۱۳۶۷، **پیشنهادی پایه پنج ساله بخش معدن استان ایلام**، اداره کل معادن و فلزات ایلام. بی جا، بی نا.
- ۶۲- واندنبرگ، ۱۳۵۵، **گزارش چهارم مجمع سالانه کاوش ها و پژوهش های باستان شناسی در ایران**، مرکز باستان شناسی، ص ۳۵۷.
- ۶۳- واندنبرگ، ل ، ۱۳۵۰، **کاوشهای باستان شناسی در پشتکوه لرستان** ، مجله باستان شناسی و هنر ایران، شماره ۶، ص ۳۷.
- ۶۴- هول، ف. و امان الهی بهاروند، س.، ۱۹۶۷، **دوره پیش از تاریخ در جنوب غربی ایران، لرستان** . بی جا، بی نا.
- ۶۳- یاقوت حموی، ش.ع.ی.ع.ح.ر.ب.، ۱۳۷۶، **معجم البلدان**، بیروت، للطباعه النشر.

منابع انگلیسی :

1- Stein old Routes western Iran 1969

2- L . VANDENSERGHE( Fouilles archeologiques dans le pusht- I kuh luristan)

Revue d'Archeologie et d'Art Iraniens, Teheran – n.6,1971



دور نمائی از قلعه شیمیران ( در وردی شرقی )





پل یک دهنه شرف آباد